

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

آفتاب حجاب

سفید



آفتاب حجاب

دفتر مطالعات و پژوهش‌های
مرکز رسیدگی به امور مساجد

آفتاب حجاب / تألیف دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد؛
تدوین و تحقیق مجتبی فرهنگیان. - قم: تهران: تقلین، ۱۳۸۹ .
۲۲۸ ص. - (انتشارات تقلین؛ ۶۲).

EAN 9789649960296

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. حجاب. ۲. حجاب - تاریخ. ۳. حجاب - فلسفه.

الف. دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.

ب. فرهنگیان، مجتبی، تدوینگر.

۲۹۷ / ۴۸۳۱

BP ۲۳۰ / ۱۷ / آ۷

■ آفتاب حجاب ■

انتشارات تقلین

ناشر :

دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

تألیف :

مجتبی فرهنگیان

تدوین و تحقیق :

عباس رحیمی

صفحه‌بندی و ناظر چاپ :

جاپخانه نینوا

لیتوگرافی و چاپ :

رقی - ۲۲۸

قطع :

چاپ اول - ۴۰۰۰ نسخه

شمارگان :

خرداد ۱۳۸۹

تاریخ چاپ :

نشانی:

انتشارات تقلین: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه - کوچه شماره ۳۳ - پلاک ۱۳

تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ - ۷۷۳۲۸۶۴

مؤسسه فرهنگی تقلین: تهران - تهرانپارس - بین‌فلکددوموسوم - خیابان ۱۸۲ غربی - پلاک ۶

تلفن ۷۷۸۸۱۴۵۲ - ۷۷۷۰۲۳۱۲

EAN 9789649960296

شابک ۵-۲۹-۹۹۶۰-۹۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.
۱۳	مقدمه.

فصل اول: جایگاه مسجد در قرآن و روایات

۲۱	مفهوم حجاب.
۲۱	مفهوم لغوی حجاب.
۲۴	مفهوم اصطلاحی حجاب.
۲۶	فطری بودن حجاب.
۲۹	نسبت حجاب و عفاف.

فصل دوم: تبارشناسی تاریخی حجاب

۳۷	تاریخچه حجاب.
۳۷	الف) حجاب زن در جهان باستان.
۳۷	۱- پوشش زن در یونان و روم باستان.

۳۸	- پوشش زن در ایران باستان.	۲
۴۰	دوره هخامنشیان	
۴۰	دوره اشکانیان	
۴۱	دوره ساسانیان	
۴۱	- حجاب و عفاف زن ایرانی در سفرنامه‌ها	۳
۵۲	- پوشش زنان عرب قبل از اسلام	۴
۵۴	(ب) حجاب زن در ادیان	
۵۴	۱- شریعت زرتشت	
۵۷	۲- شریعت یهود	
۵۷	پوشش کامل در مقابل نامحرم	
۵۷	عدم تشبّه مرد و زن به یک دیگر	
۵۷	نزول عذاب در اثر آرایش دختران یهود	
۵۸	حجاب در تاریخ یهود	
۶۰	۳- شریعت مسیحیت	

فصل سوم: حجاب و عفاف در اسلام

۶۷	الف) حجاب و عفاف در قرآن	
۶۷	۱- سیر تاریخی حجاب در قرآن	
۷۲	۲- مفهوم، ابعاد و مراتب حجاب در قرآن	
۷۳	حجاب ذهنی	
۷۳	حجاب فیزیکی بدن	
۷۴	خمار	

۷۷	جلباب.....
۸۳	حجاب در نگاه.....
۸۷	حجاب در گفتار.....
۹۰	حجاب در رفتار.....
۹۰	آشکار ساختن زینت‌های پنهان.....
۹۱	استعمال عطر.....
۹۲	خودداری از تبّيج.....
۹۴	خودداری از شبیه نمایی به جنس مخالف.....
۹۴	عفّت نسبت به زنان نامحرم.....
۹۴	استیزان.....
۹۶	حجاب در قلب.....
۹۸	- زنان الگو در قرآن..... ^۳
۹۹	الگوی منفی.....
۹۹	زن لوط و زن نوح.....
۱۰۰	الگوی مثبت.....
۱۰۰	زن فرعون.....
۱۰۲	حضرت مریم ﷺ.....
۱۰۴	ب) حجاب در روایات.....
۱۰۴	۱ - مصاديق حجاب.....
۱۰۶	۲ - فاطمه ؓ آرمان الگوی زن مسلمان.....
۱۰۷	اهمیت حجاب در نظر فاطمه زهرا ؓ.....
۱۰۹	- چهل حدیث درباره پوشش زن و مرد..... ^۳

فصل چهارم: فلسفه و فوائد حجاب

۱۲۳	فلسفه حجاب.....	فلسفه حجاب.....
	الف) فلسفه تشریعی حجاب	الف) فلسفه تشریعی حجاب
۱۲۴	ب) فلسفه عقلی حجاب.....	ب) فلسفه عقلی حجاب.....
۱۲۵	۱ - آرامش روانی.....	۱ - آرامش روانی.....
۱۲۷	۲ - استحکام پیوند خانوادگی.....	۲ - استحکام پیوند خانوادگی.....
۱۲۹	۳ - بالا بردن ارزش انسانی.....	۳ - بالا بردن ارزش انسانی.....
۱۳۰	آثار و فواید حجاب	آثار و فواید حجاب
۱۳۵	الف) فایده‌ی حجاب در بُعد فردی	الف) فایده‌ی حجاب در بُعد فردی
۱۳۷	ب) فایده‌ی حجاب در بُعد خانوادگی.....	ب) فایده‌ی حجاب در بُعد خانوادگی.....
۱۳۸	ج) فایده‌ی حجاب در بُعد اجتماعی	ج) فایده‌ی حجاب در بُعد اجتماعی
۱۴۰	ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه	ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه
۱۴۰	حفظ و استیفای نیروی کار	حفظ و استیفای نیروی کار
۱۴۱	مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب	مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب
۱۴۲	فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی	فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی
۱۴۳	حدود و شعور حجاب در اسلام	حدود و شعور حجاب در اسلام
۱۴۴	استثنایات در رعایت حجاب	استثنایات در رعایت حجاب
۱۴۵	الف) استثناء وجه و کفین	الف) استثناء وجه و کفین
۱۴۶	ب) لزوم رعایت حجاب زنان برای زنان غیرمسلمان	ب) لزوم رعایت حجاب زنان برای زنان غیرمسلمان
۱۴۷	ج) حجاب در برابر اطفال	ج) حجاب در برابر اطفال
۱۴۸	د) عدم لزوم حجاب در سالخورده‌گان.....	د) عدم لزوم حجاب در سالخورده‌گان.....
۱۴۹	شرکت زن در مجامع عمومی	شرکت زن در مجامع عمومی
۱۵۰	اختلاط زن و مرد در اسلام	اختلاط زن و مرد در اسلام
۱۵۴	نه حبس و نه اختلاط	نه حبس و نه اختلاط

فصل پنجم: بد حجابی؛ بررسی، آثار و راهبردها

۱۵۹	بررسی پدیده بدحجابی
۱۶۰	تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی بر نوع پوشش
۱۶۲	ارزش‌های نو و مسئله پوشش
۱۶۴	زمینه‌های طبیعی و روان‌شناسنگی تمایل به بدپوششی
۱۶۵	ضعف خانواده در هدایت و نظارت
۱۶۷	تأثیر فناوری رسانه‌ای به نوع پوشش
۱۶۸	روش‌های نادرست در دفاع از حجاب
۱۷۰	مدیریت احساسات نسل جوان
۱۷۱	اصلاح نظام آموزشی
۱۷۲	تحول در رسانه‌های عمومی
۱۷۴	بایسته‌ها و ضرورت‌ها
۱۷۵	آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدحجابی
۱۷۶	الف) آثار و پیامدهای فرهنگی بدحجابی
۱۷۶	۱	- از خود بیگانگی فرهنگی
۱۷۷	۲	- سلطه‌پذیری
۱۷۸	۳	- گسترش فساد و تباہی
۱۷۹	۴	- افت تحصیلی و آموزشی
۱۸۰	۵	- تضعیف اعتقادات دینی در جامعه
۱۸۱	ب)	پیامدهای اجتماعی بدحجابی
۱۸۱	۱	- تهدید امنیت روانی جامعه
۱۸۲	۲	- اخلاق‌زدایی اجتماعی

۱۸۴	۳	- کم رنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه
۱۸۵	۴	- اختلال روابط جنسی و عاطفی.....
۱۸۶	۵	- افزایش آزار جنسی.....
۱۸۶	۶	- هوس بازی.....
۱۸۷	۷	- اختلالات روحی و روانی
۱۸۹	۸	- تزلزل نهاد خانواده.....
۱۹۱		راهبردهای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف.....

فصل ششم: سوالات و شباهات حجاب

۱۹۹		افزایش التهابها.....
۲۱۰		رکود فعالیت‌ها.....
۲۱۲		حجاب و اصل آزادی
۲۱۵		حجاب و عقلانیت
۲۱۹		نتیجه
۲۱۹		برنامه راهبردی مرکز رسیدگی به امور مساجد در موضوع حجاب و عفاف
۲۲۷		کتاب نامه



پیشگفتار

آنچه پیش رو دارید گردآوری موضوعاتی در باب حجاب است که سعی شده است با نظمی منطقی و اصولی تدوین گردد.

از گردآورندگان محترم این موضوع که تلاش فراوانی در بررسی موضوع حجاب و تدوین عناوین و مولفه‌های کاربردی، برای بهره‌گیری ائمه محترم جماعات داشته‌اند تشکر می‌گردد.

از محقق ارجمند جناب آقای ابوالفضل نجادی که درخصوص گردآوری موضوعات و کمک در تدوین و نیز از فاضل ارجمند جناب آقای هادی خسروی که در تصحیح و ویراستاری متن مؤثر بوده‌اند، کمال تشکر و سپاس را داریم.

امید داریم آنچه پیش رو دارید مورد استفاده اصحاب علم و معرفت قرار گیرد.

انتشارات ثقلین



مقدمه

۱ - آدم و حوا در اثر بی توجهی به فرمان خدا از بهشت رانده شده، آهنگ زمین کردند. از آن پس خاک سرزمین مخلوقاتی اراده مند شد که افعال و رفتارشان در دو سوی خوب و بد و خیر و شر قرار گرفت. آدم اولین حضور خود در عرصه گیتی را با حجاب آغازید. حجاب پس زمینه مفهومی بنام حجب و حیا بود. مفاهیم در بسته های فرا قرار دادی و الهام یافته، خویشن را بر سرزمین رفتار سایت دادند تا خود فرو رفته در پشمیمانی و ندامت بستری از هنجارها و نرم ها را برگزیند که زمینه بازگشت به ابدیت و آغازین خویشن را فراهم آورد. در این روایت حجاب محدودیتی برای حرمان نبود، فرصتی برای حضور دوباره در آستان مانایی و ماندگاری بود. دیدن روایتی زودگذر، ویرانگر، و تحریک کننده است که تنها با حجاب امکان مهار این ویرانگری ذهنی - رفتاری وجود دارد. اما اندیشیدن در پس پوشش های ظاهری، فرا روایتی ماندگار، انگیزاننده، سازنده و محرك و اصلاح گر است و چنین شد که آدم در پس «نهی» های بزرگ در تجربه ای شکست خورده از خودسری، بر وجود خویش حجاب آراید تا آدم و حوا در پس زندگی عشق - عاطفه

به بستری برای بازگشت دست یابند و حجاب نه محدودیت بلکه راهی بسوی بازگشت به اصل بود و این سیر درگذر تاریخ به فرایندی فرهنگی - دینی تبدیل شد.

۲ - اسلام آخرین دین آسمانی، برای هدایت بشر نازل شد، محمد ﷺ با کلام وحی رسالت تبلیغی خویش را آغاز کرد دین اسلام در سه لایه احکام، اخلاق و عقاید به عنوان منسجم ترین برنامه الهی پیام خود را بر انسان عرضه داشت، قرآن منشأ و آبشنخور این سه حوزه بود. در این مجموعه منسجم تفارقی میان دنیا و آخرت نبود، رویکردن این جهانی صرف، یا آن جهانی محض نبود دنیا را بستری برای آخرت و آخرت را نتیجه فرایند دنیا می دید. حوزه عمومی و خصوصی، سیاست و خانواده و... تمام عرصه‌های دیگر که آدمی با آن سروکار داشت تحت یک فرایند معناده به نام «دین» قرار گرفتند.

در این مجموعه، دانش هنجاری (فقه) مهم‌ترین بعد زیست اجتماعی و فردی انسان دیندار را سامان می داد ردپای این دانش در لایه‌لایی متن مقدس کاویده می شد و با سنت اجتهاد حکمی اجتماعی - شرعی می یافت و پوشش برای اولین بار در قرآن به صراحت نام برده شد پوشش مرز میان حریم شرافت و عزت و هرزگی و ذلت بود حجاب آغاز بازخوانی شخصیت زن برای خود بودگی معنادار و مستقل و نه تابعی از مرد قوی شد و چنین شد که زن مرانمه هویتی خود را در دل دین به صریح ترین بیان از عقیده تارفتار (پوشش) برکشید و آغاز حیات مبارکی برای خود تدارک دید حیاتی که زن نه جنس فرو دست

جامعه نه جنس دوم، نه موجود تحقیر شده تاریخی و نه هم ردای کنیزان، بل موجودی شریف به نام انسان که کرامتش هم نشین مرد بود نه کمتر و نه بیشتر. و حجاب آغازی برای رستن از بند تاریخی‌گری جبرگرایانه علیه شخصیت زن و رُستن مفهوم جدیدی از مادر بودگی، زن اجتماعی، همسر و انسان دیندار شد.

۳ - حجاب تبدیل به شاخص تمدنی شد. دارای یک نظام معنایی برجسته و هماهنگ که شبکه معنایی وسیعی را در برگرفت و حوزه رفتار اجتماعی را تحت تأثیر خود به یک غایت تمدنی به نام اسلام تأویل برد و حجاب دیگر نه فقط ضرورتی دینی، بلکه خصلتی تمدنی شد که انسان شرقی را از غربی و مسلمان را از غیرمسلمان در پس پوشش‌ها و نقاب‌ها باز می‌شناساند و این خود رمزگشای خیلی از تکالیف و حقوق شهروندی زن در جامعه اسلامی شد.

۴ - قرن نوزدهم، قرن استیلای غرب بر شرق، فروپاشی امپراطوری اسلامی و گستاخی معرفتی در اسلام شد آنهم با حضور مهمانی ناخوانده و شمشیرگشوده به نام غرب. شمشیری که در پس قطرات خون بر زمین ریخته، نحسی فرونتری به نام اندیشه ضد دینی به ماه آورده و چنین شد که در تمام حوزه‌های معرفتی - رفتاری، و عاطفی نسبت به آموزه‌های دینی تشکیک شد تشکیکی که از روایت اومانیستی انسان و شیفت معنایی انسان - انسان به جای انسان - خدا حاصل شد.

حجاب نیز در این گردونه در تندرانی و تقدیرها و تقبیلها، دسیسه‌ها و مکرها و طومارها و روایت‌ها قرار گرفت و زن مسلمان نسبت به شناسنامه تاریخی - تمدنی خود مورد تحقیر قرار گرفت و عده‌ای از حکام کشورهای اسلامی با کوفتن بر طبل غربی شدن یکی از مهم‌ترین راه‌های غربی‌سازی را کشف حجاب دانستند و در پس از این قدرت، چکمه و حشمت و خیانت چادر را به آتش کشید و نقاب را فرو سوزاند.

و این آغاز مخاصمه دنیاگرایان و دین‌داران بر سر شرف و عزت انسانی زن بود. اراده نامشروع اندیشه کشف حجاب گاهی در قالب نظرات اصلاح طلبانه و رفرمیستی و گاهی در قالب فمنیسم روایت‌گر عربیان‌سازی اجتماعی شد.

اما انقلاب اسلامی و امام خمینی^{ره} مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دفاع تاریخی و انسانی از مقوله حجاب و زن را به نمایش گذاشتند.

۵- امروز حجاب با دشواری‌های فراوانی روبروست، دشمنانی که می‌دانند با برداشتن حجاب به اهداف خود نائل می‌شوند چون حجاب مهم‌ترین مرز و سنگر برای دفاع از ایدئولوژی اسلام است. و دوستانی نیز شیفتۀ وار در بر مفاهیم تئوریزه شده غربی در پس تنگ کردن قافیه حجاب هستند. براین دو ضلعی پس زمینه فرهنگی کشف حجاب توسط دلالان چکمه‌پوش غربی را بیفزاییم آنگاه خواهیم دید که بدحجابی پدیده‌ای تازه خلق شده و موقعیتی نیست و برای درمان آن نیز با بخشنامه‌سازی و برنامه‌دهی کوتاه‌مدت موفقیتی حاصل نمی‌آید.

بلکه تمسک به بستر فرهنگ بومی - دینی، بازخوانی نقش زن در دین و بازگشت به هویت تاریخی راهی است که باید برای آن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نمود.

در این میان نقش عالمان دینی و سنگربانان شریعت و مسجد بسی عمیق‌تر و عظیم‌تر است.

امید که مساجد ما با برنامه‌ریزی دقیق و روحانیت با تعمق و تدبیر بتوانند در تعمیق فرهنگ دینی و مصون‌سازی جامعه گام‌های مهم‌تری بردارند.
(و من الله التوفيق).

مجتبی فرهنگیان
دفتر مطالعات و پژوهش‌های
مرکز رسیدگی به امور مساجد

فصل اول

جایگاه مسجد در قرآن و روایات

مفهوم حجاب

فطري بودن حجاب

نسبت حجاب و عفاف

مفهوم حجاب

قبل از ورود به بحث لازم است معنای واژه حجاب و مقصود از حجاب بیان شود.

مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت این واژه به صورت متعددی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود.

ابن‌درید می‌گوید:

«حجبت الشیء... اذا سترته، والحجاب: الستره...»

احتجبت الشمس في السحاب اذا تسترتت فيه». ^(۱)

«حجاب، پوششی است که روی شیء را فرا می‌گیرد و حجاب یعنی پرد...، زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود».

۱. محمدابن درید، جمهرة اللغة، ذیل واژه حجب.

عرب می‌گوید:

«احتجبت الشمس في السحاب».

فیومی این واژه را چنین توضیح می‌دهد:

«حجب فعلى متعدى است و بهمعنای مانع شدن به کار می‌رود. به پرده، حجاب می‌گویند، زیرا مانع از دیدن است، و به دربان، حاجب گفته می‌شود، زیرا وی مانع از ورود افراد است. این واژه در اصل برمونع جسمانی اطلاق می‌گردد، ولی برخی مواقع به موانع معنوی نیز حجاب گفته می‌شود».^(۱)

از گفتار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت که در زبان عرب، حجاب به پوششی گفته می‌شود که مانع از دیدن شیء پوشانده شده می‌شود. شهید مطهری نتیجه تحقیقات لغوی خود را درباره این واژه، چنین بیان می‌کند:

«كلمه حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب، بیشتر استعمالش به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش

۱ . احمد فیومی، مصباح المنیر، واژه حجب: «حجبه حجبا من باب قتل منعه و منه قبل للستر حجاب لانه يمنع لمشاهده و قبل للبواب حاجب لانه يمنع من الدخول والاصل في الحجاب جسم حائل بين جسدین وقد استعمل في المعاني....».

است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست؛ آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد^(۱).

این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است.^(۲)

شهید مطهری می‌فرماید:

«در قرآن کریم در داستان سلیمان غروب خورشید را این طور توصیف می‌کند: «حتی توارت بالحجاب» یعنی تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد. تغییر حجاب با همین معنا در آیه ۵۱ سوره شوری و نیز در آیه ۵۳ سوره احزاب به کار برده شده است... در دستوری که امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر نوشته است می‌فرماید:

«فلا تطولن احتجابك عن رعيتك» یعنی در میان مردم باش کمتر خود را در اندرون خانه از مردم پنهان کن. حاجب و دربان تو را از مردم جدا نکند بلکه خودت را در معرض ملاقات و تماس مردم قرار ده^(۳).

۱. مرتضی مطهری، همان، ج ۱۹، ص ۴۲۹-۴۳۰.

۲. ابوالقاسم راغب اصفهانی، مفردات راغب، ذیل ماده «حجب».

۳. مرتضی مطهری، همان، ج ۱۹، ص ۴۳۰.

مفهوم اصطلاحی حجاب

حجاب در علومی چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم، اصطلاح خاصی دارد. اما در مسئله مورد بحث این نوشتار که مسئله‌ای فقهی است دارای معنای خاصی نیست. این واژه در فقه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد به کار رفته و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده بود. در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است.

شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار می‌رفته است. فقهاء چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند کلمه ستر را به کار برده‌اند نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود

با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقهاء هم مؤید همین مطلب است... در آیات مربوطه، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که در این باره هست چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آن‌که کلمه حجاب را به کار برده باشد. آیه‌ای که در آن کلمه حجاب به کار رفته است مربوط است به زنان پیغمبر اسلام.^(۱)

معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه پرده‌نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه‌ی «حجاب» معنای مختلفی مانند: «پرده، ستر، نقابی که زنان چهره‌ی خود را به آن می‌پوشانند، روی‌بند، برقع، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می‌پوشانند».^(۱) آمده است. در کل می‌توان گفت حجاب به معنی پوشش، بدیهی‌ترین تعریفی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

۱. معین، ج ۱: ۱۳۴۰ / عمید، ۵۵۷.

فطری بودن حجاب

به نظر می‌رسد که عامل اصلی گرایش انسان‌ها، مخصوصاً زنان، به حجاب و پوشش، تأمین یک نیاز فطری و درونی به نام حیا و شرم است. شرم، یکی از صفات مخصوص انسان است؛ و انسان تنها حیوانی است که اصرار دارد، دست‌کم، بعضی از اندام‌های خود را پوشاند.

پروفسور اسوالد شوارتز، طبیب و روان‌شناس اتریشی، در کتاب

«روان‌شناسی جنسی» درباره‌ی احساس شرم در انسان‌ها می‌نویسد:

«علاوه بر مردم‌شناسی، تجزیه و تحلیل روان‌شناسی نیز ثابت می‌کند که احساس شرم، یکی از صفات عمدی نوع بشر است. هیچ قبیله‌ی اولیه‌ای، هرقدر هم بدودی بوده باشد، شناخته نشده است که از خود، شرم بروز ندهد و بچه‌های کوچک نیز شرم دارند. در طی دوران رشد بشر و هم‌چنین در خلال رشد افراد، بر وسعت موضوعاتی که مورد حمایت شرم قرار می‌گیرند افزوده می‌شود. حمایت، وظیفه‌ی مخصوصی است که به عهدی شرم گذارده شده است. کاملاً معلوم است که شرم، قبل از همه چیز از اعضای تناسلی و وظایف آنها حمایت می‌کند. ادعای پیش‌رفت و مدرنیزم خرقه‌ای بر تن بی‌خبری از ارزش‌های اساسی است؛ و شرم، نخستین قربانی این گمراهی اخلاقی است؛ مثلاً نهضت اعتقاد به لختی، نمونه‌ی وحشتناکی از این ادعاهاست». ^(۱)

۱. برہنگی فرهنگی و فرهنگ برہنگی: ص ۶۸.

علاوه بر مطالعات مردم‌شناسی و روان‌شناسی جنسی، از مطالعات تاریخی نیز استفاده می‌شود که انسان در هیچ مقطعی بدون پوشش زندگی نکرده است؛ و این مطلب حاکی از وجود شرم و حیای ذاتی انسان است. از آیات مربوط به خلقت حضرت آدم و حوانیز فطری بودن پوشش و حجاب استفاده می‌شود. خداوند در قرآن به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مواطن باشند مبادا همان‌گونه که فتنه و فریب شیطان باعث برهمگی آدم و حوا گردید، موجب فریب و برهمگی آنان نیز بشود:

«يَا أَيُّهُمْ لَا يَقْتَنِنُكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ
يُنْزِعُ عَنْهُمَا لِيَأْسِهِمَا لِيُرِيهِمَا سُوْآتِهِمَا». ^(۱)

«ای فرزندان آدم، زنهر تا شیطان شما را به فتنه نینداز؛ چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، و لباس شان را از ایشان برکنند، تا عورت‌های شان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، او و قبیله‌اش، شما را از آنجاکه آنها رانمی‌بینید، می‌بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند».

قرآن هم‌چنین از وسوسه‌ی شیطان برای برهمگی آدم و حوا خبر می‌دهد:

«فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيَنْدِي لَهُمَا مَا وُرِى عَنْهُمَا
مِنْ سُوْآتِهِمَا». ^(۲)

۱. اعراف: ۲۷.

۲. اعراف: ۲۰.

«پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت‌های شان برایشان پوشیده مانده بود، برای آنان نمایان گرداند؛ و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد، جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمرا] جاودانان شوید».

وبالآخره قرآن از کارایی وسوسه‌ی شیطان نسبت به آدم و حوا و خوردن از شجره‌ی ممنوعه و در نتیجه، آشکار شدن رشتی‌های آدم و حوا و اقدام آن دو به پوشاندن بدن خود با برگ درختان خبر می‌دهد:

«فَدَلَّاهُمَا بِغُرْوِرٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَأْتُ لَهُمَا سُوءَ ثُمَّهُمَا وَ طَفِقَا يُخْصِفانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ»^(۱).

«پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید؛ پس چون آن دو از [میوه] آن درخت [اممنوع] چشیدند، بر هنگی‌های شان برآنان آشکار شد، و به چسبانیدن برگ [های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند؛ و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد؛ مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است».

از تعابیر «ینزع عنهم لباسهم» و «لیبدی لهم ما وری عنهم من سواتهم» در آیات فوق به روشنی استفاده می‌شود که انسان قبل از ارتکاب خطأ در بهشت

۱. اعراف: ۲۲.

دارای پوشش بوده است؛ هم‌چنین از تعبیر «طَفِقَا يَحْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» نیز استفاده می‌شود که به دلیل برخورداری آدم و حوا از حیا و شرم فطری، پس از برهنه شدن، فوراً بدن خود را با برگ درختان پوشانندند. البته، علاوه بر عامل فطری که در پیدایش اصل پوشش دخالت اساسی داشته است، عوامل دیگری، مثل محفوظ ماندن بدن از سرما و گرما، گرایش به تجمل و زیبایی، شرایط محیطی، جغرافیایی، قومی و... در پیدایش تعدد و تنوع و مدل‌های مختلف پوشش مؤثر بوده‌اند.

رابطه حجاب و عفاف در اندیشه فقهی - اسلامی نسبتی طریف و دقیق است که خاستگاه آن جهان‌بینی انسان‌شمول و کلان‌نگر اسلام است که نگاهی چند ساحتی و چند بعدی دارد رابطه عفاف و حجاب نیز همان نسبت فرم و محتوا است.

نسبت حجاب و عفاف

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کتاب‌های کاربرده می‌شوند و در نگاه اول به نظر می‌آید هر دو به یک معنا باشند، اما با جستجو در متون دینی و فرهنگ‌نامه‌ها به نکته قابل توجهی می‌رسیم و آن تفاوت این دو واژه است.

در برخی کتب لغت حجاب را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«الحجاب: المنع من الوصول».

«حجاب يعني آنچه مانع رسیدن می‌شود».

با توجه به معانی ذکر شده در می‌باییم حجاب امری ظاهري و در ارتباط با جسم است، اگرچه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است، ولی ظهر در نشیه مادی و طبیعی دارد؛ یعنی پوشش ظاهري افراد و بویژه زنان را حجاب می‌گویند، که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود.

عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است، که در مجموع تعریف کاملی را به ما خواهد داد. راغب اصفهانی در «مفہدات القرآن» می‌نویسد:

«العفة حصول حاله للنفس تمنع بها عن غلبه الشهوه».

«عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود».

البته قابل ذکر است که در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است؛ گاه به معنای خودنگهداری و پاکدامنی است که در مورد برشی افراد آمده است، مانند:

﴿وَ أَنْ يَسْتَعْفِفُنَّ حَيْثُ لَهُنَّ﴾.^(۱)

«عفت ورزیدن برای آنها بهتر است».

﴿وَ لِيُسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكاحًا﴾.^(۲)

«وکسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند».

گاه «عفت» به معنای قناعت آمده و مسایل مالی موردنظر است، نظیر:

﴿وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوف﴾.^(۳)

۱. نور: ۶۰.

۲. نور: ۲۳.

۳. نساء: ۶.

«و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی]
خودداری ورزد؛ و هر کس تهی دست است باید مطابق
عرف [از آن] بخورد».

از آنچه گذشت نتیجه حاصل می‌شود که دو واژه‌ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است.^(۱) بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثیر متقابل است. بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و بالعکس هرچه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثیر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس‌های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می‌گوید: اگر عفت بورزنده، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز برندارند، بهتر است.

۱ . ر. ک: خسرو باقری، نگاهی دوباره به تزییت اسلامی، بحث ویژگی‌های عمومی انسان،

ص ۶۶-۷۳.

«وَالْقَواعِدُ مِنَ التِّسَاءِ الْلَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكاحًا فَأَئِنَّ عَلَيْهِنَّ
جُنَاحٌ أَنْ يَصْنَعُنَ شِبَابُهُنَّ غَيْرُ مُتَبَرِّجَاتٍ بِرِينَهِ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ
خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».^(۱)

«و بر زنان از کار افتادهای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زیستی را آشکار نکنند؛ و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است، و خدا شنوای داناست».

علاوه بر رابطه‌ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه‌ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله‌ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه‌ی مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه‌ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و خواهد آمد که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در

مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده‌ی رفتارهای اوست.

البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انتظار عمومی ظاهر می‌شود عفیف دانست؛ زیرا گفتم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثیر متقابل وجود دارد.^(۱) بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعبیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را

۱. ر.ک: مهریزی، حجاب؛ سیدعلی سادات فخر «حجاب ارزش یا روش»، کتاب نقد، ش ۱۷ (فمینیزم) و ناهید طبیبی، «حجاب و عفاف، مروری دوباره» مجله‌ی پیام زن، ش ۹۵ و ۹۶. مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، مجله‌ی حدیث زندگی، ویژه‌ی عفاف. شماره‌ی ۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۱.

بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد.^(۱)

«وَ الْبَلْدُ الطَّيِّبُ يَعْرُجُ تَبَاعَةً بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَيَّثَ لَا يَعْرُجُ إِلَّا نَكِيدًا».^(۲)

«زمین پاک نیکو گیاهش به اذان خدا نیکو برآید و زمین خشن ناپاک بیرون نیاورد، جز گیاه اندک و کم ثمر».

۱ . ناهید طبیبی، «حجاب و عفاف مروری دوباره»، مجله‌ی پیام زن، شماره‌ی ۹۵ ، ص ۷۵

. ۲ . اعراف: ۵۸ . (با کمی دخل و تصرف).

فصل دوّم

تاریخنامه حجاب

تاریخچه حجاب

الف) حجاب زن در جهان باستان

۱- پوشش زن در یونان و روم باستان

۲- پوشش زن در ایران باستان

۳- پوشش زنان عرب قبل از اسلام

ب) حجاب زن در ادیان

۱- شریعت زرتشت

۲- شریعت یهود

۳- شریعت مسیحیت

تاریخچه حجاب

الف) حجاب زن در جهان باستان^(۱)

۱- پوشش زن در یونان و روم باستان

دایرة المعارف لاروس، درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید:

«زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندام‌شان را تا روی پا می‌پوشانند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فینیقی نیز دارای پوششی قرمز بودند. زنان شهر «ثیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند، بدین صورت که حتی صورت‌شان را نیز با پارچه می‌پوشانند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند ببینند. در «اسپارت» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می‌پوشانند. زنان رومانی

۱ . تاریخچه حجاب و عفاف در ادیان و اقوام گذشته، خدیجه محمدیان.

از حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند. به‌طوری‌که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تاروی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد.

هم‌چنین در باره مردم یکی از قبائلی که نهصد سال قبل از میلاد، زندگی می‌کرده‌اند، آمده است:

«سکاهای مردم وحشی و درشت اندام بودند که زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند».

ویل دورانت در مورد حجاب زنان می‌گوید:

«زنان فقط در صورتی می‌توانستند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند».

یونانیان برای حجاب زن، اهمیت زیادی قایل بودند. یکی از فلاسفه یونان می‌گوید:

«نام یک زن پاک دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت».

۲- پوشش زن در ایران باستان

زنان ایران باستان، پوشیده بودند. ویل دورانت در این باره می‌گوید:

«زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند

که جز در تختروان روپوش دار، از خانه بیرون بیایند.
هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان اختلاط
کنند. زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را و لو پدر
یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش‌هایی که از ایران باستان
برجای مانده، هیچ صورت زن دیده نمی‌شود و نامی از
ایشان به نظر نمی‌رسد».

نصوصی که بیان‌گر حجاب زنان ایران باستان است، نشان می‌دهد که زنان
در دوره‌های مختلف مادها، هخامنشیان، اشکانیان و سامانیان دارای حجاب
و پوشش بوده‌اند.

در کتاب «پوشاك باستانی ایرانیان» آمده است:
«اصلی که باید در نظر داشت، این است که طبق نقوش
برجسته و مجسمه‌های ماقبل میلاد، پوشاك زنان آن دوره
(مادها) از لحاظ شکل (با کمی تفاوت) با پوشاك مردان
یکسان است».

وی در ادامه برای توضیح نقوش بر جای مانده می‌نویسد:
«مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود
دارد، از هم تمیز داده می‌شوند. به نظر می‌رسد که زنان
پوششی نیز روی سرخود گذارده‌اند و از زیر آن گیسوهای
بلندشان نمایان است».

دوره هخامنشیان

پارسی‌ها به وسیله کوروش، دولت ماد را از میان برداشته و سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. آن‌ها از نظر لباس همانند مادها بودند. در مورد پوشش‌ک خاص زنان این دوره آمده است:

«از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی
برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی
ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان
دیگر آن دوره نیز برمی‌خوریم که از پهلو بر اسب سوارند.
اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس‌های خود افکنده
و در زیر آن، یک پیراهن بادامن بلند و در زیر آن نیز،
پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است.

دوره اشکانیان

دراین دوره نیز همانند گذشته، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین دار و یقه راست بوده است. پیراهن دیگری نیز داشته‌اند که روی اولی می‌پوشیدند و قداین یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمیناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سر می‌کردند.

دوره ساسانیان

بابک با استفاده از ضعف اشکانیان، سلسله ساسانیان را بنیان نهاد و دین زرتشت را دین رسمی کشور قرار داد. اوستا را ترجمه و آتشکده‌های ویران را بازسازی نمود. زنان در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می‌شدند است، دارای حجاب کامل بودند. در مورد پوشش آنان آمده است: چادر که از دوره‌های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز استعمال داشته است.

حجاب زنان در این دوره چنان اهمیتی داشت که حتی لباس هنرپیشگان زن، مانند لباس‌های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است. در منابع اسلامی نقل شده است: هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی، را نزد خلیفه دوم آورده‌اند، با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند و حاضر نشدند در جلوی مسلمانان پوشش از چهره برگیرند.

۳- حجاب و عفاف زن ایرانی در سفرنامه‌ها

این بحث از حیث تاریخی به ایران پسا اسلام مربوط است ولی با توجه به اهمیت موضوع و بررسی نحوه نگاه مستشرقان و سیاحان غربی به پوشش زن ایرانی و باز تابش چهره زن ایرانی در سفرنامه‌ها بالحاظ وضعیت تمدنی این موضوع در این بخش ذکر می‌گردد.

زن ایرانی از گذشته‌های دور، حجاب و عفاف خود را به طور کامل رعایت می‌کرده است و حتی از سایر کشورهای مشرق زمین نیز بیشتر اهتمام

می ورزیده است. این مسئله، نه تنها در کتاب‌ها، نقاشی‌ها، و عکس‌های گذشته ایرانیان آمده است، بلکه جهانگردان و سایر افراد فرنگی نیز آن را با دقت و جزئیات فراوانی در سفرنامه‌های خود بیان کرده‌اند که البته آن چنان‌که از نوشه‌های شان بر می‌آید - و گاهی آن را به صراحة بیان کرده‌اند - این است که آنان از این وضعیت، ناراضی بوده‌اند و از این که نمی‌توانستند همان برخوردي را که با زنان غربی داشته‌اند با زنان ایرانی نیز داشته باشند، متأسف بوده‌اند و گاهی برای ارضای کنجاوی شیطنت آمیز خود به ترفندهای نیز دست زده‌اند.

نکته دیگری نیز که می‌توان از برخی نوشه‌های آنان دریافت کرد این است که اولین گام‌هایی که در ایران، در جهت بی‌حجابی برداشته شده است، توسط درباریان و خانواده‌های آنان بوده است، که یکی از علل اصلی آن هم به سبب مسافرت درباریان به فرنگ و معاشرت با فرنگیان بوده است؛ اما همچنان که می‌بینیم، زن مسلمان ایرانی با تمام تلاشی که در راستای کشف حجاب و تبلیغات منفی‌ای که درباره حجاب صورت گرفته است، هنوز هم شأن و منزلت خود را حفظ کرده است.

«اولئاریوس» که در زمان شاه صفی صفوی از ایران دیدار کرده است، درباره حجاب و عفاف زنان ایرانی در خاطراتش آورده است:

«زنان، موقعی که از خانه خارج می‌شوند، چهره خود را نشان مردان نمی‌دهند. بلکه چادر سفیدی روی سر می‌اندازند که تمام بدن آنها را تا میچ پا می‌پوشاند و فقط در جلوی

صورت، شکاف کوچکی دارد که از آن شکاف، به زحمت جلوی خود را می‌توانند ببینند. و چه بسا چهره‌های زیبایی که با لباس‌های محقرانه و چهره‌های رشتی که با لباس‌های مجلل و فریبینده، زیر این چادرها مخفی‌اند و انسان نمی‌تواند بفهمد در پس این چادر، چه قیافه‌ای نهفته است». ^(۱)

«تاورنیه» در سفرنامه‌اش می‌نویسد:

«زنان، خود را در ایران به احدي غير از شوهر خود نشان نمی‌دهند. وقتی به حمام عمومی می‌روند، در چادری سرتاپای خود را مستور می‌نمایند که فقط در محاذات چشم، دو سوراخ دارد که پیش پای خود را بتوانند ببینند و این کار (یعنی به حمام عمومی رفتن)، مخصوص فقرا و طبقه سوم است که استطاعت داشتن حمام مخصوص در خانه را نداشته باشند. همین که دختری شوهر کرد، معاشرین او منحصر به زن‌ها یا خواجه‌سرایان می‌شود و زن معقول و نجیب و محترم، کسی است که بیشتر مستوره و محفوظ باشد». ^(۲)

«دروویل» درباره نوع پوشش زنان در زمان فتحعلی شاه قاجار

می‌نویسد:

۱. سفرنامه آدام اولثاریوس: ص ۶۴۴. ۲. سفرنامه اولیویه: ص ۸۵.

«زنان ایرانی در زیر چادر، مهارت عجیبی برای شناساندن خود و شناختن همدیگر دارند. شگفت آن که وقتی از کنار هم می‌گذرند، یقین دارند که در شناختن طرف اشتباه نکرده‌اند؛ اما چه بسا مردانی که از کنار زنان خویش می‌گذرند، بی آن که آنها را بشناسند». ^(۱)

«اوژن فلاندن» که در زمان محمدشاه قاجار به ایران سفر کرده است،

در این باره آورده:

«زنان ایرانی از منزل، کم خارج می‌شوند. در کوچه‌ها هم با چادری که سرتاپای شان را مستور می‌کند، می‌آیند و غیرممکن است کسی صورت آنها را ببیند. به روی سر، پارچه سفیدی می‌اندازند که در مقابل چشمان، چندین شبکه دارد و با آن است که جلوی خود را می‌بینند. و غیرممکن است بگذارند چشم نامحرمی به صورت شان افتد. ساق پا را در شلواری گشاد، یا چاقچور می‌نمایند، کفش شان یک نوع پاپوش زرد یا سبزی است که نوکش برگشته و پاشنه‌اش باریک است. گاهی در کوچه که مردی نگذرد، روبند را به جهت استنشاق هوا پس می‌اندازند؛ اماً همین که مردی، حتی شوهرشان ظاهر شود، دوباره روبند

۱. سفرنامه دروویل: ص ۸۱.

را به روی صورت می‌اندازند. یک روز که از کنار زنی می‌گذشم و نتوانست به فوریت، روبندش را بزند، شنیدم از این گناهی که مرتکب شده، خودش را سرزنش می‌کند. عموم چادرها یک رنگ و به سیاق اروپایی‌ها یک‌جور می‌آید. کم می‌توان امتیازی بین شان قائل شد؛ اما خود ایرانیان اظهار می‌دارند برای ما خیلی آسان است که زنان خود را بشناسیم.^(۱)

دکتر «ویلز» می‌نویسد:

«نانجیبی و بی‌شرمی و بی‌اعتنایی به عفت و وقار، از نظر زنان ایرانی، عملی مذموم و رفتاری ناشایسته است... تا آن‌جا که در راه رفتن، صحبت و نگاه هم ملاحظه عفت و نجابت خودش را دارد و هرگز حاضر به تنزیل کردن از مقام قابل احترام خود نمی‌گردد».^(۲)

«یوشیدا ماساهازو» سفیر ژاپن در دربار ناصرالدین شاه، در این باره

می‌نویسد:

«زن‌ها چادری به سر می‌کردند که از سر تا به پای شان را می‌پوشاند و فقط چشم‌ها از پشت روبند توری‌ای که زیر چادر به صورت انداخته بودند، پنجره‌ای به بیرون

۱. سفرنامه اوژن فلاکدن: ص ۶۷ - ۳۶۸ . ۲. سفرنامه دکتر ویلز: ص ۳۶۷ - ۳۶۸ .

داشت. در خیابان که به زن‌های ایرانی می‌رسیدیم، آنها چشم از ما بر می‌گرداندند و روی شان را سخت می‌گرفتند. در چند ماهی که ما اینجا بودیم، هرگز زنی رویش را به ماننمود و نتوانستیم صورت زن‌ها را بی‌حجاب و چادر ببینیم. در این وضع، زشت یا زیبا و جوان یا پیر بودن زن‌ها را از روی رنگ و حالت دست‌های شان که شاداب یا چروکیده است، قیاس و ارزیابی می‌کردیم.^(۱)

«کنت دوگو بینو» نیز در این باره مشاهدات خود را چنین بیان می‌کند:

«همه زن‌ها در بیرون خانه به طور یکسان خودشان را در چادرهای وال، چیت و به ندرت، ابریشمی به رنگ آبی تیره پیچیده‌اند که سر تا پای شان را می‌پوشاند. صورت شان را با قطعه‌ای پارچه سفید که زیر چادر پشت سر شان بسته می‌شود و از جلو تا روی زمین می‌افتد، محکم پوشانده‌اند که دیدن، و حتی حدس زدن چهره‌های شان را غیرممکن می‌سازد. قسمت جلوی این پارچه، محاذی چشمان شان به طور مشبك، قلاب‌دوزی شده تا بتوانند از ماورای این رو بند، بیرون را بینند و نفس بکشنند؛ زیر این حجاب آبی تیره - که چادر نامیده می‌شود و مخصوصاً برای پوشاندن سر

۱. سفرنامه یوشیدا ماساها: ص ۱۷۶.

تا قوزک پای زنان ساخته شده است - یک شلوار گشاد که وظیفه دامن را انجام می‌دهد، می‌پوشند و آن هم فقط در موقع خارج شدن از خانه. زنان که بدین سان، پوشیده و محفوظ شده‌اند، سرپایی‌های کوچک و پاشنه‌دار به پا می‌کنند و برای حفظ تعادل، آنها را به نحوی روی زمین می‌کشند که به کلّی، عاری از ظرافت می‌باشد.^(۱)

«پولاک» هم در سفرنامه‌اش درباره حجاب زن ایرانی چنین می‌نویسد:

«...هرگاه زنی به کوچه برود یا سوار بر اسب در معیّت نوکرها از شارع (خیابان) عبور کند، چادری به رنگ آبی نیلی بر سر می‌کند و آن، پوششی است که تمام بدن، از سرتا به پادر آن پیچیده می‌شود. در مقابل چهره، پارچه‌ای باریک و بلند به نام روبند آویخته است که در مقابل قسمتی که چشم قرار گرفته، قطعه‌ای بیضی شکل و پنجره پنجره برای دیدن، تعییه شده است. این نقاب، بخصوص در تابستان گرم، سخت مایه ناراحتی است. به همین دلیل، خانم‌ها گاه‌گاه ناچار می‌شوند آن را بردارند. نزاکت و ادب، ایجاب می‌کند که به هنگام ملاقات با خانمی، چشم را پایین بیندازند. زن فقط حق دارد در برابر شوهر و چند تن از نزدیک‌ترین

۱. سفرنامه کنت دو گرینو: ص ۴۰۴.

خویشاوندانش که به او محروم‌اند، بدون حجاب ظاهر شود.
هرگاه در کوچه، بر اثر تصادف، حجاب زنی از صورتش
بیفتند، رسم چنین است که مردی که با او رویه رو است،
روی بگرداند تا آن زن دوباره حجاب خود را مرتب کند.
حتی زن پیر گدای کوچه و بازار نیز بدون نقاب دیده
نمی‌شود. زن‌های اروپایی که بدون حجاب در خیابان‌ها
ظاهر بشوند، خود، موجب تحریک حس کنجه‌کاری
عمومی می‌شوند و حتی مردم بر آنها دل می‌سوزانند».^(۱)
«کلود ان» که در زمان مظفرالدین شاه قاجار، در ایران به سر می‌برده

است می‌نویسد:

«به طور طبیعی و بنابر عادت یک مرد اروپایی، من زنان را
با کنجه‌کاری و در عین حال توجه بیشتری نگاه می‌کردم.
البته فقط نگاه می‌کردم، بی‌آن‌که چیزی ببینم! به نظر من،
زنان ایرانی، بیش از تمام کشورهای مشرق زمین، مقید
به حجاب‌اند و با دقت و وسواس، قد و بالا و چهره خود را
می‌پوشانند. وقتی از منزل خارج می‌شوند، سرتاپای خود را
در چادر سیاه بزرگی که از پارچه‌ای بالنسیه لطیف،
اماً بی‌هیچ زیبایی و ظرافتی درست شده است، می‌پیچند.

۱. سفرنامه پولاک: ص ۱۱۵-۱۱۷.

این چادر، در قسمت بالا، یعنی در محلی که معمولاً صورت قرار دارد، از هم باز می‌شود. اما زن ایرانی، دوست ندارد حتی چشمان خود را به کسی نشان دهد و به همین جهت نیز در جلوی چهره خویش، دستمال بلند سفیدی که بالای آن مشبک است، می‌آویزد. بدین گونه است که شما در کوچه و بازار، زنان معذوبی را مشاهده می‌کنید، در حالی که خود را در چادر سیاه پیچیده‌اند و روپندی سفید بر چهره آویخته‌اند، به راه خود می‌روند. این زنان، زشت‌اند یا زیبا و پیرند یا جوان، معلوم نیست. این معماه پیچیده در پرده (!) در برخورد اول، نوعی خشم آمیخته با کنجاوی، در مردان اروپایی به وجود می‌آورد. برخلاف آنچه ظاهر پوشیده در حجاب زنان ایرانی نشان می‌دهد، چنین به نظر می‌رسد که همین زنان در زندگی خود از آزادی زیادی برخوردارند. بیشتر آنها هر وقت دلشان بخواهد و بی‌آن که کسی همراهشان باشد، از خانه خارج می‌شوند.^(۱)

«کلد ان» اوضاع زنان را در زمان احمدشاه قاجار، این گونه ترسیم

می‌کند:

«زنان جامعه ایران را نه در روز می‌شود دید و نه در شب.

۱. گل‌های سرخ اصفهان: ص ۱۶۲ - ۱۶۴.

وقتی هم که از خانه بیرون می‌آیند، در کالسکه و در شکه‌های سربسته و همراه با خواجه‌ها هستند و در خانه نیز فقط شوهر و پدر و برادرشان را ملاقات می‌کنند، همین و بس!^(۱).

«بلوشر» درباره حجاب زنان در آغاز حکومت رضاشاه و پیش از آن که
وی دستور کشف حجاب را بدهد، می‌نویسد:

«همنشینی و معاشرت با ایرانی‌ها این نقیصه را داشت
که زنان شان خانه‌نشین بودند. زنان، هنوز چادرهای خود را
بر سرداشتند. چادر پوششی است اغلب به رنگ سیاه که
سراسر بدن و سرانجام، قسمت اعظم صورت را نیز از نگاه
مردان، پوشیده می‌دارد. تنها و تنها یک زن بود که جرئت
می‌کرد در ضیافت‌های شام سفارت خانه‌ها بدون چادر
حاضر شود و آن هم فقط مشروط به این که منحصراً
اروپایی‌ها شرکت داشته باشند و از ایرانیان دعوتی به عمل
نیاید. این زن، خانم ناصرالملوک (بیوه نایب السلطنه پیشین
کشور) بود. بسیاری از زنان آلمانی نیز که شوهر ایرانی
داشتند، در خیلی از موارد نمی‌توانستند از چادر چشم
پوشند. خانم‌ها منحصراً با یکدیگر نشست و برخاست

۱. اوراق ایرانی: ص ۲۲.

داشتند و در این مهمانی‌های کاملاً زنانه، گاه و بیگاه، همسران دیپلمات‌ها را نیز دعوت می‌کردند. بدین طریق بود که همسر من برای عروسی به خانه رئیس وزرای پیشین (وثوق‌الدوله) رفت که در آن مراسم از مردان، فقط داماد و ملائی جاری کننده صیغه عقد، حضور داشتند و بس. داماد و عروس که پیش از آن یکدیگر را ندیده بودند، مقابل پرده‌ای که مرد روحانی را از آنان جدا می‌کرد، نشسته بودند؛ اما آئینه کوچکی چنان در آن جا تعابیه شده بود که این دو اقلالاً ضمن اجرای مراسم بتوانند برای اولین بار، در زندگی، گوشه چشمی به یکدیگر بیندازند. هنگامی که همسر من بعد از آن به سهم خود، خانم وثوق‌الدوله را به نزد خود دعوت کرد، ناگزیر بود اطمینان بدهد که در به روی من بسته است و من نخواهم توانست جلسه مهمانی را زیرنظر داشته باشم.^(۱)

«هنری موزر» که در دروه ناصرالدین شاه قاجار از ایران دیدن کرده بود،

درباره حجاب زنان می‌نویسد:

«یحتمل، مطالعه کنندگان این سیاحت نامه، مرا مذمت می‌نمایند که در روایات خود از زن‌های ایران چندان

۱. سفرنامه بلوشر: ص ۲۰۷.

نوشته‌ام. این فقره، صحت دارد؛ ولی از چیزی که شخص ندیده و نمی‌داند، چگونه صحبت نماید؟ در ترکستان و ایران، زن‌ها به قدری مخفی هستند که ممکن نیست آنها را دید و دسترسی به آنها نمی‌توان داشت و حتی از آنها هرگز صحبت نمی‌شود. از شخص بخارایی می‌توان پرسید که حالت پسر و اسب و خروسک تو چگونه است؛ ولی نباید هرگز به صرافت افتاد که از زوجه او احوالپرسی کرد. این فقره، هم با ادب منافات دارد و هم برخلاف مذهب است. وضع زن در صفحات مشرق زمین، به کلی مختلف است از وضع زن‌های مغرب زمین. در ایران، (زن‌ها) سواره یا در کالسکه در کوچه می‌روند و خواجه‌ها در اطراف آنها هستند واقضاً ادب این است که به محض ملاقات آنها سر خود را برگرداند. با این حالت که همیشه وضع آنها به این طور است، چگونه می‌توان از احوال آنها شرح داد و چیزی گفت که شخص ملتفت نیست؟».

۴- پوشش زنان عرب قبل از اسلام

شواهد متعددی از قرآن حاکی از این نکته است که در جامعه عرب قبل از اسلام زنان برای حضور در اجتماع از پوشش مناسب و مطلوبی برخوردار نبودند. به همین دلیل همسران پیامبر ﷺ از متابعت آن الگو منع می‌شوند:

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُمْ كَآخِدَةً مِنَ النِّسَاءِ إِنْ أَنْقَبْتُمْ فَلَا تَحْضُنَنَّ
بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا*
وَقَرْنَ فِي بُوْتِكْنَ وَلَا تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةَ الْأُولَى﴾.^(۱)

«ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید و در خانه‌های تان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید».

دستورهای اصلاحی اسلام نسبت به پوشش زنان نیز حاکی از برخی نقص‌ها و کاستی‌ها در پوشش زنان آن دوره و فاصله آن با پوشش مورد سفارش اسلام است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيِّ قُلْ لَا زَوْاجَكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يَدْنِينَ
عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ
اللَّهُ عَفُورًا رَّحِيمًا﴾.^(۲)

«ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک تر است و خدا آمرزنده مهریان است».

. ۲۸. ۲. احزاب:

. ۳۳ - ۳۲. ۱. احزاب:

همین نکته، از آیات سوره نور نیز که درباره آن‌ها بحث خواهد شد، فهمیده می‌شود. شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور اشاره‌ای به کیفیت پوشش قبل از دستور حجاب دارد. در این شأن نزول آمده است:

«وَكَانَ النِّسَاءُ يَتَفَنَّعْنَ خَلْفَ آذَانِهِنَّ». ^(۱)

«زنان دنباله مقنعه خود را به پشت گوش‌های خود می‌انداختند».

بنابراین، گلو و بنا گوش آن‌ها هویدا بود. تاریخ پژوهان نیز این نکته را که زنان جزیره‌العرب از حجاب مناسبی برخوردار نبودند، تأیید می‌کنند.

ب) حجاب زن در ادیان

۱- شریعت زرتشت

«اشو زرتشت» با توصیه‌ها و اندرزهای خود، کوشیده است تا حجابی را که زنان ایرانی به عنوان یک فرهنگ ملی رعایت می‌کردند، در عمق روح آنان استحکام بخشد و از این راه، ضمانت حفظ حجاب را در آینده تأمین نماید و جامعه خویش را در مقابل انحراف‌های اخلاقی بیمه کند.

او می‌گوید:

«ای نوعروسان و دامادان! روی سخنم با شماست. به اندرزم

گوش دهید و گفتارم را به خاطر بسپارید و با غیرت، در پی

۱. الکافی: ج ۵، ص ۵۲۲.

زندگانی پاک مَشی برآید. هر یک از شما باید در کردار نیک و مهروزی، بر دیگری پیشستی جوید تا آن زندگانی مقدس زناشویی، با خوشی و خرمی همراه باشد».

و در کتاب «وَنْدی داد» این جمله به طور مکرر آمده است:

«کلام ایزدی است که کردار رشت را نابود می‌کند. از تو ای مرد! خواهش می‌کنم پیدایش و فرونی را پاک و پاکیزه ساز! از تو ای زن! خواهش می‌کنم تن و نیرو را پاک و پاکیزه ساز! آرزو دارم صاحب فرزند باشی».

در کیش آریایی، زنان محجوب و محترم بوده‌اند. در نقاشی‌ها و کنده‌کاری‌های باستانی ایران، بسیار کم از زن تصویری به چشم می‌خورد و با پوشیده داشتن ایشان حرمت و پاکدامنی آن‌ها حفظ می‌شده است.

در مورد حجاب زنان زرتشتی آمده است:

«این پوشانک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشانک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد؛ چنان‌که روسی آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسی بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لُر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان گُرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است».

دین زرتشت، بر سه اصل اساسی، اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار گشته است. موبدان در تفسیر اندیشه و کردار نیک می‌گویند: یک زرتشتی مؤمن، باید از نگاه ناپاک به زنان دیگر دوری جوید.

گفتنی است که در دین زرتشت، لباس یا کیفیت خاصی برای حجاب زنان واجب نشده است، بلکه لباس رایج آن زمان که شامل لباس بلند، شلوار و سربوش یعنی چادر یا شنای بر روی آن بوده است، مورد تایید قرار گرفته است. تنها لباسی که توصیه شده است استفاده از سِدره و کُشتی، لباس مذهبی و پیره است.

البته بر هر مرد و زن زرتشتی واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشاند. پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نباشد.

در خرده اوستا، به طور صریح چنین آمده است:

«همگان نامی زتو برگوییم و همگان سر خود را می‌پوشیم و آنگاه به درگاه دادار اهورمزدا نماز می‌کنیم».

روسری بانوان زرتشتی پارچه‌ای رنگین و با نقش و نگار و به طول حدود سه متر و نیم و عرض یک متر بود که مانند بانوان اختیاری روی کلاهک می‌گذاشتند و با دستمال روی آن را می‌بستند.

تجلى پوشش در میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب در جهان معرفی کرده‌اند.

۲- شریعت یهود

در تورات، کتاب مقدس یهودیان، تعالیم زیادی در مورد حجاب آمده است:

پوشش کامل در مقابل نامحرم

در ماجراهی ازدواج اسحاق با رفقه در تورات آمده است:

«وفقه، چشمان خود را بلند کرد و اسحاق را دید و از شتر

خود فرود آمد. زیرا که از خادم پرسید: این مرد کیست که در

صحرابه استقبال ما می‌آید؟ و خادم گفت: آقای من است.

پس بُرْقَع خود را گرفته، خود را پوشانید.»

عدم شببه مرد وزن به یک دیگر

متاع مرد، بر زن روانباشد و مرد، لباس زن پوشد؛ زیرا هر که این گند،

مکروه یهوه (خدای تو) است.

نزول عذاب در اثر آرایش دختران یهود

در تورات آمده است:

«و خداوند می‌گوید: از این جهت که دختران صهیون

متکبرند و با گردن افراسته و غمزات چشم، راه می‌روند

و به ناز می‌خرامند و به پاهای خویش، خلخال‌ها را به صدا

می‌آورند، بنابراین، خداوند فرق سر دختران صهیون را کل

خواهد ساخت و خداوند، عورت ایشان را برهنه خواهد نمود و در آن روز، خداوند زینت خلخال‌ها و پیشانی‌بندها و هلال‌ها را دور خواهد کرد».

افرون بر موارد فوق، در کتاب مقدس آنان، وجوب پوشاندن موی سر لزوم پرهیز از زنان فریب کار و بیگانه، نهی از لمس و تماس و واژه چادر، نقاب و برقع آمده است.

در «تلمود» اصلی‌ترین کتاب فقهی یهودیان اساس تعلیم و تربیت یهود است، نیز بر لزوم پوشاندن سر از نامحرمان، لزوم سکوت زن و پرهیز از هرگونه آرایش برای سایر مردها، پرهیز از نگاه زن به مردان بیگانه، اجتناب از نگاه مرد به زنان نامحرم و لزوم پرهیز از هر امر تحریک‌آمیز، تأکید شده است.

برابر حکم تلمود؛ زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سریچی می‌کند؛ مثلاً بدون پوشاندن سر خود، به میان مردان می‌رود، ازدواجش باطل است و مبلغ کتبها (مهریه) به وی تعلق نمی‌گیرد.

حجاب در تاریخ یهود
همه مؤرخان نیز از حجاب سخت زنان یهودی سخن گفته‌اند.
«ویل دورانت» می‌گوید:

«پوشاندن موی سر خلافی بود که مرتكب آن را مستوجب طلاق می‌ساخت. از جمله تعالیم شرعی یکی آن بود که مرد یهودی نباید در حضور زنی که موی سرش هویداست، دست دعا به درگاه خداوند بردارد».

در کتاب «حجاب در اسلام»، آمده است:

«گرچه پوشش، در بین عرب مرسوم نبود و اسلام، آن را به وجود آورد، ولی در ملل غیرعرب، به شدیدترین شکل، رواج داشت. در ایران و در بین یهود و ملی که از فکر یهود پیروی می‌کردند، حجاب، به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می‌خواست وجود داشت. در بین این ملت‌ها وجه و کفین (= صورت و کف دست‌ها) هم پوشیده می‌شد. حتی در بعضی از ملت‌ها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود، بلکه سخن از قایم کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سفت و سخت درآورده بودند».

همچنین «ویل دورانت» می‌نویسد:

«یهودیان استعمال سرخاب و سرمه، نکوهیه می‌شمردند. موافق بودند که مرد، باید برای پوشش زن خویش سخاوتمندانه خرج کند؛ لکن غرض آن بود که زن، خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها».

در برخی کتاب‌ها برای تأیید این که منشأ حجاب زنان یهودی، وجوب حجاب در شریعت موسی ﷺ بوده، به داستان حضرت موسی و دختران شعیب اشاره کرده‌اند که در آن، حضرت موسی به آنان امر کرد تا پشت سر او حرکت کرده و از پشت سر، او را به منزل پدرشان هدایت کنند.

۳- شریعت مسیحیت

دین مسیحیت هم مانند تمام ادیان دیگر به حجاب توجه ویژه دارد. در انجیل آمده است:

«و هم چنین زنان خویشن را بیارایند به لباس مُزّین،
به حیا و پرهیز، نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت
گرانبها».»

در باره وقار و امین بودن زن نیز می‌خوانیم:

«و به همین‌گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبت‌گو؛
بلکه هوشیار و در هر امری امین و شما را زینت ظاهری
نشاشد، از بافتن موی سر و متجلی شدن به طلا و پوشیدن
لباس بلکه انسانیت قلبی در لباس غیر فساد. روح تعلیم
و آرام که نزد خدا گران‌بهاست زیرا بدین‌گونه زنان مقدسه
در سابق نیز که متوكل به خدا بودند خویشن را زینت
می‌کردند مانند ساره که ابراهیم را مطیع بود و او را آقا
می‌خواند و شما دختران او شدید».»

حضرت عیسیٰ ﷺ:

«شنیده‌اید که به اولین (ادیان گذشته)، گفته شد زنا مکن،
لیکن من به شما می‌گویم: هر کس به زنی نظر شهوت اندازد
همان دم در دل خود با او زناکرده است».»

انجیل بر وجوب حجاب و پوشش تأکید زیادی می‌کند و پیروانش را به تنزه از اعمال شهوت و عفاف فرا خوانده است. در انجیل آمده است:

هم چنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبتوگو
و نه بنده شراب زیاده، بلکه معلمات تعلیم نیکو. تا زنان
جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست
باشند. و خرداندیش و عفیقه و خانه‌نشین و نیکو و مطیع
شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود».

افرون بر موارد بیشین، عهد جدید نیز، لزوم پوشاندن موی سر به ویژه در مراسم عبادی، لزوم سکوت به ویژه در کلیسا، با وقار و امین بودن زن و نهی از نگاه نپاک به بیگانگان را خاطر نشان می‌سازد.

مسيحيت نه تنها احکام شریعت یهود در مورد حجاب را تغییر نداد، بلکه قوانین شدید آن را استمرار بخشید و در برخی موارد، قدم را فراتر نهاد و با سختگیری بیشتری وجوب حجاب را مطرح ساخت. در شریعت یهود، تشکیل خانواده و ازدواج امری مقدس محسوب می‌شد و طبق نوشته «ویل دورانت»، در سن بیست سالگی اجباری بود؛ اما از دیدگاه مسیحیت قرون اوایله، تجرد، مقدس شمرده می‌شد. بنابراین مسیحیت، برای از بین بردن زمینه هرگونه تحریک و تهییج، زنان را به صورت شدیدتری به رعایت کامل پوشش و دوری از هرگونه آرایش و تزیین فراخواند. برابر متون تاریخی، چادر و روبدن، برای همگان، حتی برای خاتون‌های اشراف، ضروری بود و در اعیاد نیز کسی آن را کنار نمی‌گذاشت؛ بلکه با طلا و نقره و پارچه‌های زربفت آن را تزیین

می نمودند و حتی برای تفریح نیز با حجب و حیای کامل در مجالس انس و یا گرددش هایی دور از چشم نامحرمان، شرکت می جستند.

دستورات دینی پاپ ها و کاردينال های مسیحی نیز که براساس آن، پوشاندن صورت الزامی و تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آینه و سوراخ نمودن گوش ها و آویختن گلوبند، خلخال، طلا و دستبند قیمتی، رنگ نمودن مو و تغییر صورت ظاهری ممنوع بود، شدت بیشتری را نسبت به دین یهود نشان می دهد.

در مورد پوشش زنان مسیحی، دائرة المعارف لاروس می نویسد:

«دین مسیحی، برای زن، خمار را باقی نهاد و آن را نیکو شمرد. زن ها در کوچه و وقت نماز، خمار داشتند. در قرون وسطی، خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار، شانه زن را پوشیده، تقریباً به زمین می رسید. این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود».

«ویل دورانت» نیز در این باره می گوید:

«ساق پای زنان چیزی نبود که در ملأعام و یا رایگان به چشم خورد. البته بانوان در مجالس تورنه، موضوع مهمی برای روحانیون بود که کاردينال ها، درازی جامه های خواتین را معین می کردند».

حواریون و پس از آنها پاپ ها و کاردينال های بزرگ که دستورهای دینی آنان، از طرف کلیسا و مذهب مسیحیت لازم الاجرا شمرده می شد،

با شدّتی هرچه تمام‌تر زنان را به پوشش کامل و دوری از آرایش‌های جسمی فرامی خوانده‌اند.

دکتر حکیم الهی استاد دانشگاه لندن، در کتاب زن و آزادی پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپاییان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت، عقاید «کلمنت» و «ترتولیان»، (دو مرجع مسیحیت و دو اسقف بزرگ) را درباره حجاب بازگو می‌کند:

«زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد، الا آن‌که در خانه خود باشد؛ زیرا فقط لباسی که او را می‌پوشاند، می‌تواند از خیره شدن چشم‌ها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را با نگاه کردن به صورتش و ادار به گناه نماید. برای زن مؤمن عیسوی، در نظر خداوند، پسندیده نیست که نزد بیگانگان به زبور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی آن نیز باید مخفی گردد؛ زیرا برای بینندگان خطرناک است».

تصویرهایی که از پوشاش مسیحیان و مردم اروپا انتشار یافته است نیز به وضوح نشان می‌دهد که حجاب در بین زنان، کاملاً رعایت می‌شده است. «براؤن و اشنايدر»، در کتاب پوشاش اقوام مختلف، برخی از تصاویر مربوط به زنان مسیحی را آورده‌اند که نشان می‌دهد همگی آن‌ها دارای لباسی بلند و پوشش سر می‌باشند.

اما متأسفانه پس از رنسانس، با تضعیف پایبندی به دین، تعظیم همه شعایر دینی و نیز رعایت حجاب به افول نهاد و انقلاب صنعتی به آن شدت بخشید. در قرن اخیر در اثر توسعه سکولاریسم، پایبندی به عفت و حجاب در میان مسیحیان از هر زمان دیگر بیشتر رو به ضعف نهاده است.

فصل سوم

حجاب و عفاف در اسلام

الف) حجاب و عفاف در قرآن

۱- سیر تاریخی حجاب در قرآن

۲- مفهوم، ابعاد و مراتب حجاب در قرآن

۳- زنان الگو در قرآن

ب) حجاب در روایات

۱- مصادیق حجاب

۲- حضرت زهراء آرمان الگوی زن مسلمان

۳- چهل حدیث درباره پوشش زن و مرد

الف) حجاب و عفاف در قرآن

۱- سیر تاریخی حجاب در قرآن

کندوکاو در آیات حجاب، آن هم یک جا و همه سونگرانه، برای اهل نظر و فقه پژوهان، می‌تواند ره‌گشا و پرفایده باشد و آنان را در دستیابی به زوایای گوناگون این گزاره مهم اجتماعی، رهنمون سازد.

نکته شایان توجه این که در کنار هم و به ترتیب نزول آوردن آیات و دقت و درنگ روی آنها، نشان خواهد داد که حکم حجاب، یک باره اعلام نشده، بلکه کم کم و با گذشت زمان و آماده شدن زمینه و... بر قلب مبارک پیامبر ﷺ نازل شده است.

در مرحله اول، در روزهای پایانی سال پنجم هجری، در جریان ولیمه ازدواج پیامبر ﷺ با زینب بنت جحش (همسر طلاق داده شده زید ابن حارثه) آیه حجاب همسران پیامبر ﷺ بر آن حضرت نازل شد.

همه مردان برابر دستور این آیه شریفه می‌بايست از پس پرده با همسران پیامبر ﷺ سخن بگویند.

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَشَأْلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ».

«وَ چُون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید».

سپس دلیل این دستور را چنین بیان می‌فرماید:

«ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ».^(۱)

«این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است».

در مرحله دوم، خویشاوندان نسبی از دایره این حکم بیرون شدند و آنان اجازه یافتند با همسران پیامبر ﷺ بی آن که پرده‌ای در بین باشد، سخن بگویند.

«لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبائِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءِهِنَّ وَ لَا إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَ لَا أَبْنَاءِ أَخْوَاتِهِنَّ وَ لَا نِسَاءِهِنَّ وَ لَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَ أَقْيَنَ اللَّهُ أَنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا».^(۲)

«بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان [همکیش] و برگان‌شان گناهی نیست [که دیده شوند] و باید از خدا پروا بدارید که خدا همواره بر هر چیزی گواه است».

در مرحله سوم، جلباب (جادر) به عنوان حقی برای همسران و دختران پیامبر ﷺ و زنان مؤمن قرار داده شد.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

۱. احزاب: ۵۳.

۲. احزاب: ۵۵.

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفَنَ فَلَا يُؤْدِينَ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا». ^(۱)

«ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است».

در مرحله چهارم، آیات سوره نور احکام حجاب بانوان را روشن ساخت.

«وَ قُلْ لِلنُّفُوْمِنَاتِ يَعْصُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
وَ لَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَيَضْرِبُنَّ بِخُمُرِهِنَّ
عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِيَعْوَلَهُنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ
أَوْ آبَاءِ بُنُوْلِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُنُوْلِهِنَّ أَوْ إِخْرَانِهِنَّ
أَوْ بَنِي إِخْرَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْرَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكْتَ
أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَئِكَ الْإِنْرَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الْطِّفْلِ
الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عَوْرَاتِ التِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبُنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ
لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تُؤْتُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيْمَانًا
الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». ^(۲)

«وَ بِهِ زَنَانَ بِإِيمَانٍ بَّغْوَنِ دِيدَگَانَ خَوْدَ رَا [از هر نامحرمی]

۱. احزاب: ۵۹.

۲. نور: ۳۱.

فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگرداشتند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسی خود را برگردان خویش [فرو] اندازند، و زیورهای شان را جز برای شوهران شان یا پدران شان یا پدران شوهران شان یا پسران شان یا پسران شوهران شان یا برادران شان یا پسران برادران شان یا پسران خواهران شان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزان شان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کوکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینت شان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شویل».

در مرحله پنجم، اجازه گرفتن برای ورود به محل استراحت بانوان
محرم، مطرح شد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكْتُ أَيْمَانُكُمْ
وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ
الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ
الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ
بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَيْنَكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذِلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ

لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.^(۱)

«ای آنان که ایمان آورده‌اید، غلامان و کنیزان زر خرید شما و کودکان نابالغ، برای وارد شدن به اتاق شما باید سه وقت از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، هنگامی که لباس‌های خود را هنگام ظهر در می‌آورید و پس از نماز عشا. این سه وقت، عورت است از برای شما. برشم او بر آنان، غیر از این سه وقت، گناهی نیست. شماری از شما بر شماری دیگر وارد شونده و گردش کننده‌اند این چنین خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خداوند، دانای حکیم است».

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمُ فَلْيَسْتَأْذُنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ اللَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.^(۲)

«هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید از شما اجازه بگیرند، همان‌گونه که پیشینیان آنان اجازه می‌گرفتند. این چنین خداوند آیات خود را برای شما، بیان می‌کند. خداوند دانای حکیم است».

با توجه به روایات و تفاسیر موجود در مورد این آیات شریفه می‌توان

به نکاتی اشاره کرد:

۱. نور: ۵۸.

۲. نور: ۵۹.

۱- حکم حجاب، کم کم و به مرور زمان، نازل شد و از خانه پیامبر اسلام ﷺ شروع شد و سپس به دیگر خانه‌ها و خانواده‌ها جریان یافت و تبدیل به ضرورت اجتماعی شد که جامعه زنان مسلمان را در برگرفت.

۲- حجاب برای سالم ماندن روح انسان‌ها قرار داده شده است:
«ذلکم اطہر لقلوبکم وقلوبهن».

۳- جلباب (= چادر) افزون بر تکلیف، حقی بوده برای خانم‌های پاکدامن که در ابتداء، جنبه حق بودن آن برتری داشته است.

۴- حکم حجاب، حکم فراگیر است و گروه‌های استثناء شده به خاطر ضرورت و... بوده است.

۵- اصل در مسأله حجاب، جداسازی کامل محیط مرد و زن از یکدیگر است، به گونه‌ای که هر دو بتوانند در جامعه به کار و تلاش پردازنند و تماس‌ها و برخوردها در اندازه بسیار کمی باشد.

۲- مفهوم، ابعاد و مراتب حجاب در قرآن

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیشتر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله‌ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن

خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است. اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می‌تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد.

حجاب ذهنی

یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصاديق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می‌تواند از لغرش‌ها و گناه‌های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه براین، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می‌کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده‌اند.

حجاب فیزیکی بدن

این بُعد همان محوری است که مورد توجه اکثر دانشمندان، علماء، فقهاء و روشنفکران بوده است. این بخش از حجاب محسوس‌ترین و ملموس‌ترین بُعد می‌باشد. در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با دو تعبیر «خمار» و «جلباب» تأکید ویژه شده است. در ادامه به توضیح این دو واژه پرداخته خواهد شد:

خِمار

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه‌ی پوشش زن سخن به میان آورده است:

«خِمار» و «جلباب»؛ از خِمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است:

«وَلِيَضْرِبَنَّ بِخُمُرٍ هِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ».^(۱)

«خِمارهای خود را بر گربیانهای خویش بیفکنید».

که این قسمت آیه بیان‌گر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند.

«خِمر»، جمع خِمار است و در کتب لغت آمده است:

«الخِمار ثُوب تَغْطِي بِهِ الْمَرْأَةُ أَسْمَا».^(۲)

«خِمار لباسی است که زن سر خود را با آن می‌پوشاند».

آقای مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن می‌نویسد:

«خِمر و خِمار به معنی ستر و پوشش است. شراب را خِمر

گویند؛ زیرا حواس ظاهري و باطنی را می‌پوشاند.

به روسربی زن نیز خِمار گویند؛ زیرا به وسیله آن سرش را

می‌پوشاند».^(۳)

ابن عباس در تفسیر این بخش از آیه‌ی شریفه می‌گوید:

«تَغْطِي شَعْرَهَا وَ صَدْرَهَا وَ تَرَائِبَهَا وَ سَوَالِصَفَا».^(۴)

«زن موی سر، سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را

پوشاند».

۱. نور: ۳۰.

۲. راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: م: ۲۹۸.

۳. مصطفوی، ۱۳۶۰، ج: ۳: ۱۲۹.

۴. طبرسی: ۱۳۸۰، ج: ۷: ۱۸۵.

«آنچه می‌تواند به این فرمان الهی جامه‌ی عمل بپوشاند،
مقنعه یا روسربلندی است که علاوه بر پوشش کامل سر،
بر روی گردن و سینه افتاد». ^(۱)

و شهید مطهری معتقد است:

«ترکیب لغوی «ضرب على» در لغت عرب این معنا را
می‌سازد که چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهنده، به طوری
که مانع و حاجبی برای او شمرده شود». ^(۲)

براساس آیه‌ی شریفه و تفسیر ابن عباس، این پوشش سرهر چه که
هست، اعم از شال، روسربلندی، مقنعه باید مو، سینه، دورگردن و زیرگلوی زن را
پوشاند.

«در زمان جاهلیت و صدر اسلام زنان عرب غیرمسلمان
لباس‌های بلند و گشاد می‌پوشیدند، بر سر یا شانه خود عبا
می‌انداختند و پوششی کوتاه و کوتاه‌تر از جلباب روی
سرشان می‌بستند».

شهید مطهری به نقل از تفاسیر معتبر از جمله تفسیر کشاف بیان می‌کنند:
«که زنان عرب معمولاً پیراهن‌هایی می‌پوشیدند
که گریبان‌های شان باز بود، دورگردن و سینه رانمی‌پوشاند
و روسربلندی هم که روی سر خود می‌انداختند از پشت

۱. بیرقی اکبری، ۱۳۷۷: ۳۸ . ۲. مطهری، ۱۳۵۳: ۱۳۸ .

سر می آویختند، قهرآگوش‌ها و بناگوش‌ها و گوشواره‌ها
و جلوی سینه و گردن نمایان می‌شد. این آیه دستور می‌دهد
که باید قسمت آویخته‌ی همان روسربازی‌ها از دو طرف روی
سینه و گریبان خود بیافکنند تا قسمت‌های یاد شده پوشیده
گردد».^(۱)

در ذیل این آیه محمد بن یعقوب کلینی در کافی به سند خود از
محمد بن یحیی، از احمد بن محمد بن حکم از سیف بن عمریه از سعد اسکاف
از ابی جعفر علیه السلام چنین روایت می‌کند که فرمودند:

«اسْتَقْبَلَ شَابٌ مِّنَ الْأَنْصَارِ اُمْرَأَةً بِالْمَدِينَةِ وَ كَانَ التِّسَاءُ
يَتَقَعَّنَ حَلْفَ آذَانِهِ فَنَطَرَ إِلَيْهَا وَ هِيَ مُقْبِلَةً فَلَمَّا جَاءَتْ نَظَرَ
إِلَيْهَا وَ دَخَلَ فِي زُقَاقٍ قَدْ سَمَّاهُ بَنْتِي فَلَمَّا فَجَعَلَ يَنْظُرُ حَلْفَهَا
وَ اعْتَرَضَ وَ جَهَهُ عَظِيمٌ فِي الْحَائِطِ أَوْ زُجَاجَةً فَشَقَّ وَ جَهَهُ فَلَمَّا
مَضَتِ الْمَرْأَةُ نَظَرَ فَإِذَا الدِّمَاءُ تَسِيلُ عَلَى صَدْرِهِ وَ تُؤْبِهِ فَقَالَ
وَ اللَّهِ لَا تَبْيَغَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا خَيْرٌ لَهُ قَالَ فَأَتَاهُ فَلَمَّا رَأَهُ
رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ مَا هَذَا فَأَخْبَرَهُ فَهَبَطَ جَبْرِيلُ عَبْدِهِ
الْآيَةَ - قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُبُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ وَ يَعْقِظُوا فُرُوجَهُمْ
ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ».^(۲)

«یکی از جوانان انصار با زنی از اهالی مدینه رویه رو شد

. ۲. کلینی، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۵: ۵۲۰.

. ۱. همان، ۱۳۶ و ۱۳۷.

در آن زمان، زنان مقنه خود را پشت گوش می‌بستند. جوان به زن، که از رو به رو می‌آمد، آن قدر نگاه کرد که زن از مقابل او گذشت و رفت. جوان درحالی که هم چنان از پشت سر، آن زن رانگاه می‌کرد، وارد کوچه بنی فلاں شد که ناگاه استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود، صورت او را درید. وقتی زن رفت، ناگاه جوان متوجه شد که خون روی لباس و سینه‌اش ریخته است؛ با خود گفت: به خدا حتماً نزد رسول الله ﷺ می‌روم و ماجرا را توضیح می‌دهم. جوان نزد پیامبر ﷺ آمد. وقتی که رسول خدا ﷺ او را دید پرسید: این چیست؟ جوان ماجرا را توضیح داد. جبرئیل در این هنگام بر پیامبر چنین خواند: به مردان بگو که چشمان خویش را بینند و شرمگاه خود را نگاه دارند، این برای شان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است^(۱).

جلباب

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلَّاتِيْلَ وَ لِلَّاتِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يَدْعُنَنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ حَلَا بِبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يَعْرِفَنَ وَ لَا يَوْدَيْنَ

و کان اللہ غفوراً رحیماً۔^(۱)

«ای پیامبر، به زنان و دختران و زنان مؤمن بگو:
جلباب‌های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر
شناخته شوند و از تعرض هوس‌رانان آزار نییند و خداوند
بخشنده و مهربان است».

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه آورده است:

«الجلابيب جمع جلباب و هو ثوب تشمل به المرأة فيغطى
جميع بدنها او الخمار الذى تغطى به رأسها و وجهها». ^(۲)
«جلابيب جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را
در بر می‌کند و همه بدن خود را می‌پوشاند یا مقنعه‌ای است
که سر و صورت خود را به آن می‌پوشاند».

زمخسری نیز در کشف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است

و می‌گوید:

«الرداء الذى سيته من فوق الى اسفل». ^(۳)

«در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را
می‌پوشاند».

۱. احزاب: ۵۹.

۲. طباطبائی، ۱۳۹۶ هـ، ج: ۱۶، ۳۶۱.

۳. زمخسری، ۱۳۵۲، ج: ۳، ۵۵۹.

ابن منظور نیز در لسان العرب جلباب را لباس بلند معنا کرده و می‌نویسد:

«الجلباب ثوب اوسع من الخمارد دون الرداء تغطي

به المرأة راسها و صدرها و قيل هو ثوب واسع دون

الملحفة تلبية المرأة و قيل هو الملحفة». ^(۱)

«جلباب لباسي بزرگتر از سر پوش و کوچکتر از رداست

كه زن سر و سینه خود را با آن می‌پوشاند و گفته شده است

لباسی بزرگ است که از محلفه کوتاه‌تر است و زن آن را

می‌پوشد و گفته شده است همان محلفه است».

واژه‌ی ادناء در تفاسیر «هم به معنای دنو (نزدیک کردن) آمده». ^(۲)

و «هم به معنای ارحاء و اسدال و آویختن». ^(۳) آیه شریفه می‌فرماید:

«يَدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيَّهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرِفَ

فَلَا يُؤْذَنَ...».

معنای آیه این است که زنان مسلمان باید جلباب‌های شان را به خود

نزدیک کنند یا بر سر بیاویزند تا شناخته شوند به اینکه زن مسلمان آزاد هستند. ^(۴)

یا شناخته شوند به این که پوشیده و با عفت هستند. ^(۵)

۱. بیرقی اکبری، ۱۳۷۷: ۴۴.

۲. فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۴: ۲۰۳.

۳. زمخشri، ۱۳۵۲: ۵۶۵.

۴. فیض کاشانی، بی‌تا، همانجا.

۵. طباطبایی، ۱۳۹۵ هـ ق، همانجا.

علاوه بر مباحث لغتشناسی، چند نکته ویژه نیز در آیه‌ی جلباب وجود

دارد:

۱- تأخیر نزول آیات موردنظر در سوره‌ی احزاب پس از آیات خمار در سوره‌ی نور.^(۱) با توجه به مسئله تدریجی بودن احکام، این نظر محتمل است که آیه‌ی خمار دستور نخستین و آیه‌ی جلباب دستور نهایی آن است؛ حجاب برگزیده و برتر مورد نظر اسلام حجاب جلباب است.

۲- عمومیت آیه‌ی جلباب بر همه‌ی زنان مؤمن و زنان و دختران پیامبر ﷺ به عنوان یک حکم نهایی و استثنان‌پذیر.^(۲)

۳- دستور بر نحوه‌ی پوشش جلباب با عنوان «یدنین علیهنه من جلابیهنه» با چیزی مانند عبا و چادر سازگارتر است تا با لباس و روسربی؛ زیرا شکل لباس سراسری به گونه‌ای است که باید اطراف آن را به یکدیگر نزدیک کرد و بر روی هم قرار داد تا بدن را پوشاند.

۴- اثر اجتماعی پوشش جلباب در این آیه‌ی شریفه ذکر شده است در حالی که این اثر برای پوشش خمار بیان نشده: «ذلك أدنى ان يعرفن فلا يؤذين».

پوشش جلباب نزدیک‌ترین چیزی است که به وسیله‌ی آن ایمان و عفاف تعین می‌یابد و همان‌طور که گفتیم به این وسیله زنان مؤمن و عفیف بهتر شناخته می‌شوند تا از تعرض هوسرانان آزار نیینند؛ از همین‌رو اراذل و اویاش مجبور می‌شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنان کنیز و... جدا نمایند.

۱. عابدینی، بی‌تا: ۷

۲. هدایت‌خواه، ۱۳۷۴: ۱۸۴

هم چنان که در شأن نزول آیه آمده است:

«فانه كان سبب نزولها ان النساء كن يخوضن الى المسجد

و نعيلين حلف رسول الله ﷺ و اذا كان بالليل حرجن الى

صلوة المغرب و العشاء الآخر و الغداه يقعد الشباب لهن في

طريقهن فيعودونهن و يتعرضون لهن فانزل الله ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيٰ﴾

﴿لَا إِذْوَاجَكَ وَنَبَاتَكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ ... إِلَى قَوْلِهِ﴾.^(۱)

سبب نزول آیه این بود که زنان برای گزاردن نماز مغرب پشت سر

رسول خدا ﷺ از منزل خارج می شدند و شب هنگام که برای گزاردن نماز

مغرب و عشاء و نماز صبح به سوی مسجد می رفتند، جوانان بر سر راه آنان

می نشستند و به آزار و اذیت زنان نمازگزار می پرداختند، در این هنگام این آیه

شریفه نازل شد و به آنها دستور داده شد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند

تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند.

در سوره‌ی مبارکه نور آیه‌ی شریفه ۳۱ دو نهی وجود دارد. نهی مورد

نظر در این مبحث «و لا يبدين زينتهن» است؛ زنان باید زینت خود را آشکار

سازند؛ و بلا فاصله بعد از آن عبارت «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» زینت‌هایی که آشکار

هستند مشمول این نهی نمی باشند، آمده است.

در تعیین این که از زینت‌ها چه زینت‌هایی باید آشکار شوند، میان فقهاء

اختلاف رأی وجود دارد. کلمه‌ی «زینت» در زبان عربی عام‌تر از واژه‌ی «زیور»

۱. قمی، ۱۳۷۸ هـ، ق، ج ۲: ۱۹۹.

در زبان فارسی است؛ زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا می‌شود؛ مانند طلاجات و جواهرات، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است؛ مانند سرمه و خضاب.^(۱)

«مفاد این دستور آن است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند؛ اما استثنای اول می‌گوید: پوشش زینت‌هایی که آشکار است، لازم نیست. پس زینت‌های زن بر دو نوع است: یک دسته آشکارند و نوع دیگر مخفی، مگر آن که زن به قصد و عمد بخواهد آن را آشکار کند؛ اما سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که زینت آشکار کدام است و زینت پنهان کدام؟ درباره این انشاء از قدیم‌ترین زمان‌ها از صحابه و تابعین و ائمه‌ی طاهرين علیهم السلام سؤال می‌شده و به آن جواب داده شده است».^(۲)

ایشان در پایان این مبحث تصريح می‌کنند:

«اما این مسئله را از نظر خودمان بیان می‌کنیم و استنباط خودمان را ذکر می‌کنیم و اما هر یک از آقایان و خانم‌ها از هر کس که تقليد می‌کنند عملاً باید تابع مرجع تقليد خودشان باشند».^(۳)

۱. مطهری، ۱۲۸.

۲. همان، ۱۲۹.

۳. همان، ۱۳۵.

شهید مطهری در این مبحث معتقد است:

«پوشاندن چهره و دست‌ها تا مج واجب نیست؛ حتی آشکار بودن آرایش عادی و معمولی که در این قسمت‌ها وجود دارد، مانند سرمه و حنا که معمولاً زن از آن خالی نیست و پاک کردن آنها یک عمل فوق العاده به شمار می‌رود نیز مانع ندارد».

ایشان تأکید می‌کنند که نظرشان با فتوای بعضی از مراجع تقلید تطبیق می‌کنند، ولی ممکن است که با فتوای برخی دیگر تطبیق نکنند؛ گرچه یادآوری می‌کنند که فتوای مخالفی وجود ندارد و هرچه هست احتیاط است نه فتوا صریح.

حجاب در نگاه

بعد دیگر حجاب از دیدگاه قرآن و روایات در «نگاه» است. این بخش از حجاب بعد از حجاب فیزیکی بدن، شناخته شده‌ترین بُعد از ابعاد حجاب است و دستور صریح قرآن کریم بر این بُعد از حجاب دلالت دارد. که حجاب هم برای زن و هم برای مرد است، هم چنان که خداوند در سوره‌ی مبارکه نور به مردان و زنان به طور جداگانه امر می‌کند که چشم‌های خود را فرو افکند:

«**فُلِّ الْمُؤْمِنِينَ يَغْضُضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ * قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ**». ^(۱)

اصطلاح «غضّ بصر» در لغت به معنای فرو افکندن چشم می‌باشد و نه فروبستن آن. «غضّ» به تنها‌یی به معنای کاستن، تخفیف و نگهداری است که هم برای صدا استفاده می‌شود و هم برای چشم؛ برای مثال آیه‌ی ۱۹ سوره لقمان می‌فرماید:

﴿وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ﴾.

«صدای خود را کوتاه کن.»^(۱)

شهید مطهری با تأمل در لغت عرب می‌فرماید:

«غضّ بصر با غضّ عین متفاوت است. غمض به معنای فروبستن است که با کلمه عین همراه می‌شود نه کلمه بصر. شهید مطهری با مبنای فلسفی خود نگاه را به دو دسته‌ی «استقلالی» و «آلی» تقسیم می‌کند. «در نگاه استقلالی» یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب تماشا کردن و ورانداز کردن آن برای ارزیابی آن؛ اما «نگاه آلی» یعنی نگاه کردنی که خودش هدف نیست، بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است. براین اساس، امر الهی به زنان و مردان مؤمن، پرهیز از نگاه استقلالی است نه نگاه آلی؛ یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفاً تماشا کردن و لذت بصری بردن و چشم چرانی است.^(۲)

۱. قریشی، ج ۵: ۱۰۵ و ۱۰۴. ۲. مطهری: ۱۲۳ و ۱۲۴.

«بصر» نیز در لغت عرب به ابزار بینایی، یعنی چشم گفته می‌شود و هم به حس بینایی و گاهی نیز به دلالت التزامی به معنای علم است، دلالت دارد.^(۱)

از مطالب مذبور نکات ذیل را می‌توان بدست آورد:

- ۱ - امر جداگانه نه به مردان و زنان مؤمن به خاطر تأکید این امر.
- ۲ - تقدم امر به مردان پیش از زنان؛ در این دستور مشترک ابتدا مردان مورد خطاب الهی قرار گرفته‌اند و پس از آنان زنان؛ و این امر شاید دلالت بر ضرورت و اولویت این نوع از حجاب در میان مردان داشته است.
- ۳ - تعلق گرفتن امر به مردان و زنان مشروط به شرط ایمان: لازمه‌ی ایمان مردان و زنان مؤمن پرهیز از چشم چرانی است؛ در حقیقت بخشی از ایمان افراد مؤمن در گروپاک داشتن چشم‌شان از آلودگی‌ها، لذت‌های حرام و آلودگی‌های بصری است.

حضرت رسول ﷺ در زمینه نگاه و حرمت آن می‌فرمایند:

«از نگاه بعد از نگاه بپرهیز؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می‌باشد و نگاه سوم ویران‌گر است». ^(۲)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند:

«نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت در دل می‌کارد و این خود برای به‌گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحب‌شکافی است».

۲. محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۳۲۵.

۱. قریشی: ج ۱: ۱۹۵.

حضرت رسول ﷺ می فرمایند:

«پیرامون نگاه حرام و تبعات آن هر که چشم خود را از حرام

پر کند، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می کند،

مگر این که تویه کند و از عمل خود دست بردارد». ^(۱)

نکته‌ی مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه‌های حرام اگرچه

در روایات بیشتر مربوط به مردان است ولی همان‌گونه که آیات شریفه نیز

تصریح شد، پرهیز از نگاه خیانت‌کارانه و نگاه هوس‌آلود به نامحرم در مورد

زنان نیز صدق می کند؛ از این‌رو حضرت رسول ﷺ می فرمایند:

«خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود

را از غیرشوهر خود یا از کسی که محروم او نیست پر کند». ^(۲)

آن چه به «غض بصر» کمک می کند، در نظر گرفتن قدرت خداوندی

است که از نهانی‌های انسان، آگاه است و ادراک و مشاهده‌ی عظمت و جلال

خداوند در دل، یاور انسان در حفظ چشم از نگاه به محramات الهی است.

حضرت رسول ﷺ می فرمایند:

«بسته شدن چشم‌ها از حرام عامل بازدارنده‌ی خوب

و توانمندی است برای تهدیب نفس و پاک کردن دل از

خواهش‌های نفسانی». ^(۳)

۱. همان، ۶۳۲۳.

۲. همان.

۳. همان: ۶۳۱۷.

تأمل در این دستور الهی سخنان معصومین ﷺ حرمت روابط اجتماعی و حفظ خانواده را تداعی می‌کند که اسلام می‌خواهد جامعه‌ای سالم و بدور از حرام داشته باشد تا همه‌ی اشاره بدور از جنسیت بتوانند با امنیت و مصونیت؛ در جامعه کارکردهای خود را به نحو احسن انجام دهند.

حجاب در گفتار

تبیین روشن وحی در باب نحوه‌ی سخن گفتن زنان مؤمن با مردان، یکی از مهم‌ترین ابعاد حجاب است که در قرآن ذکر شده است که حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روانشناسانانه مَدْنَظَر قرار داده است. حجاب در گفتار در آیات شریفه‌ی قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه‌ی گفتار زنان به نامحرم است آنچا که می‌فرماید:

«فَلَا تَخْضَعْ بِالْقَوْلِ فَيُطْعَمَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا».^(۱)

«با خصوص در گفتار سخن نگویید که بیمار دل طمع ورزد، بلکه شایسته و متعارف سخن گویید».

مخاطب نخست آیه‌ی شریفه، زنان رسول خدا^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} هستند و سپس تمام زنان مؤمن؛ علامه طباطبائی می‌نویسد:

۱. احزاب: ۳۲

«معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی نمود، شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتند و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت حرام باز می‌دارد».^(۱)

بنابه نظر شهید مطهری:

«مسئله جو از استعمال صدای زن جزء مسلمات است و دلیل آن سیره‌ی قطعی رسول خدا^{علیه السلام} و ائمه اطهار^{علیهم السلام} است و دلیل دیگر آن سیره‌ی قطعی و رایج میان مسلمانان می‌باشد».^(۲)

ایشان از مرحوم آیت‌الله طباطبائی یزدی در عروة‌الوثقی نقل می‌کنند که:

«لابأس صوت الاجنبية مالم يكن تلذذ و لاريبة من غير فوق بين الاعلى والبصر و إن كان الا هوط الترك فيغير مقام الضروره و يحرم عليها اسماع الصوت الذي فيه تهبيج للسامع بتحسينه و ترقیقه. قال تعالى: «فَلَا تَخَصُّنَ بِالْقَوْلِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ».^(۳)

۱. طباطبائی، ۱۳۹۶ هـ: ۴۸۲.

۲. مطهری، ۱۳۵۳: ۲۴۳.

۳. همان: ۲۴۲ و ۲۴۳.

«شینیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریبه نباشد، جایز است ولی در عین حال مادامی که ضرورت نیست ترک آن بهتر است و بر زن حرام است که بخواهد صوت خود را نازک کند و نیکو سازد، به طوری که تحریک آمیز باشد؛ چنان که خدای متعال در قرآن خطاب به زنان پیغمبر ﷺ می‌فرماید: در حرف زدن صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد».

علامه طباطبائی معتقد است:

«آیه‌ی مذکور در مجموعه‌ی آیاتی قرار دارد که به همسران رسول خدا ﷺ مربوط است و به آنان تذکر می‌دهد که از دنیا و زینت آن جز عفاف و رزق کفاف بهره‌ای ندارد؛ البته در صورتی است که بخواهند همسر او باشند، و گرنه مانند سایر مردم‌اند». ^(۱)

به بیان دیگر شارع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم، آنان را به حصار امن تقدوا دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصائب بی‌تقوایی و بی‌پروایی ایمن نگه دارند؛ چراکه نوع سخن گفتن زن از بی‌حجابی و بدحجابی فیزیکی اغواکننده‌تر است و به همین دلیل، خداوند متعال همسران پیغمبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است. نکته دیگر در آیه شریفه این است

۱. طباطبائی، ۱۳۹۶ هـ ق: ۴۷۶.

که اگر مردی دارای تقوای قلب باشد، حتی کلامی چنین آلوده به دعوت‌های باطل دلش را به هوس نمی‌اندازد؛ چراکه آیه شریفه می‌فرماید:

﴿فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾.^(۱)

يعنى اگر زنى بى تقوایى كند و حجاب در گفتار را رعایت ننماید، تنها مردان بیماردل هستند که در دام شیطان می‌افتد و مردان با تقوا در قلعه‌ی ایمان درامانند.

حجاب در رفتار

مقصود از حجاب در رفتار اعمال و افعالی است که به واسطه‌ی اعضا و جوارح پدید می‌آیند. آن چه به حجاب در رفتار تعلق می‌گیرد، مجموع چند امر و نهی الهی است:

آشکار ساختن زینت‌های پنهان

خداؤند در سوره مبارکه نور می‌فرماید:

﴿وَلَا يَصْرِبُنَّ إِلَّا زُجْلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾.^(۲)

«به زنان مؤمن بگو آنگونه بر زمین پای نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهای شان معلوم شود».

۱. احزاب: ۳۲.

۲. نور: ۳۱.

نهی مذکور در آیه‌ی شریفه مرتبط با بحث زینت در حجاب فیزیکی است و از به جلوه درآوردن و اظهار زینت‌های پنهان زنانه سخن می‌گوید. اظهار نمودن بدون ظاهر نمودن، یعنی سهل‌انگاری یا مکر زنانه در جلوه‌گری و خود نمایی.

شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می‌گوید:

«زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای آن که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم برزمین می‌کوشتند. از این دستور می‌توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می‌گردد؛ مانند استعمال عطرهای تند و زنده و هم چنین آرایش‌های جالب نظر در چهره منوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد». ^(۱)

استعمال عطر

از جمله مواردی که به شدت از آن نهی شده است، این است که زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد، به طوری که بوی عطر وی به مشام نامحرم برسد.

۱. مطهری، ۱۳۵۳: ۱۴۵.

حضرت پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

«هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه‌اش خارج شود
تا وقتی که به خانه‌اش برگردد لعنت و نفرین می‌شود
[تا] هر وقت که برگردد». ^(۱)

«آن چه مسلم است، این است که عطر زدن برای خانم‌ها
نه تنها اشکالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد، به خصوص که
برای همسر باشد. آن چه که از آن نهی شده این است که زن
موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی که با نامحرم در تماس
است، طوری عطر بزند که بوی آن به مشام نامحرم برسد
و ایجاد مفسدہ کند». ^(۲)

خودداری از تبرج

در آیه‌ی شریفه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر ﷺ علاوه بر تقوا، امر می‌شود
که در خانه‌های خود آرام و قرار گیرند و هم چون جاهلیت نخستین در میان
جمعیت ظاهر نشوند.

کلمه‌ی «قرن» امر از ماده‌ی قرعه است که به معنای پا برجا شدن است
و ممکن است از ماده «قار - یقار» به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن
در خانه‌ها باشد. ^(۳) و کلمه‌ی «برج» یعنی آشکار شدن.

۱. شعبه الحراجی: ۴۲.

۲. همان، ص ۱۷۸.

۳. طباطبائی، ۱۳۹۶ هـ: ۴۸۳.

صاحب مجمع البيان می‌گوید:

«تبرج آن است که زن زیبایی‌های خود را اظهار کند.

اصل آن به معنای ظهر است و به عبارتی دیگر، از آن

جهت به آن برج گویند که ظاهر و هویداست».

زمخشی نیز در کشاف می‌گوید:

بداوبرز به معنای ظهور و نظیر تبرج هستند. اشتقاد بروج از

تبرج است به جهت ظاهر بودن آن‌ها. براساس نظرات

تفسیری مذکور، معنای آیه شریفه «و تبرجن تبرج الجاهلیه

الاولی»؛ ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی

جاهلیت اولی».

نکته‌ای که در این آیه شریفه مطرح گردیده است «تحرّز و پرهیز از

آمیزش و مراوده با مردان بیگانه» اختصاص به زنان رسول خدا^{علیه السلام} ندارد

بلکه شامل عموم زنان می‌شود. همان‌گونه که در روایت‌های بسیاری آمده است

که بهترین محیط زندگی برای زن خانه‌اش است، حتی ثواب نماز زنان جوان در

خانه به مراتب از حضور در مساجد و مجامع بالاتر شمرده شده است و البته این

بدان معنی نیست که زن از فعالیت اجتماعی محروم باشد.

مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر^{علیه السلام} و هیچ زنی در خانه

نیست؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحةً گواه است که رسول خدا^{علیه السلام} زنان خود را

با خود به سفر می‌برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی‌فرمود. بلکه مقصود

از این دستور، آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود. آن چنان

که امروز عده‌ای از زنان برای بیرون رفتن از خانه و خودنمایی و پرسه زدن در خیابان‌ها، ساعت‌ها در پای میز آرایش به سر و وضع خود و لباس خویش می‌رسند.

خودداری از شبیه نمایی به جنس مخالف

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«خداوند، مردانی را که شبیه زن می‌شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می‌دهند، نفرین کرده است.»

عَّقْت نسبت به زنان نامحرم

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید:

«نسبت به زنان مردم، عفیف باشد تا زنان شما عفیف بمانند.»

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحصار مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

استیزان

از نظر اسلام هیچکس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه قبلی به خانه دیگری داخل شود.

در بین اعراب، در محیطی که قرآن نازل شده است، معمول نبوده که کسی برای ورود در منزل دیگران اذن بخواهد.

چون در خانه‌ها همیشه باز بود و اجازه‌گرفتن هم بین عرب‌ها متداول نبود و حتی اجازه خواستن را نوعی اهانت نسبت به خود می‌دانستند سرزده و بی‌اطلاع قبلی وارد خانه‌های یکدیگر می‌شدند. اسلام این رسم غلط را منسوخ کرد، دستور داد سرزده داخل خانه‌های مورد سکونت دیگران نشوند. روشن است که فلسفه این حکم دو چیز است: یکی موضوع ناموس یعنی پوشیده بودن زن، و از همین جهت این دستور با آیات پوشش یک جاذک شده است. دیگر اینکه هر کسی در محل سکونت خود اسراری دارد و مایل نیست دیگران بفهمند. حتی دو نفر رفیق صمیمی هم باید این نکته را رعایت کنند زیرا ممکن است دو دوست یکنگ در عین یگانگی و یکرنگی، هر کدام از نظر زندگی خصوصی اسراری داشته باشند که نخواهند دیگری بفهمد.

بنابراین نباید فکر کرد که دستور استیزان اختصاص دارد به خانه‌هایی که در آنها زن زندگی می‌کند. این وظیفه مطلق و عام است. مردان و زنانی که مقید به پوشش هم نیستند ممکن است در خانه خود، وضعی داشته باشند که نخواهند دیگران آنان را به آن حال بینند. به هر حال این دستوری است کلی تراز حجاب، فلسفه‌اش هم کلی تراز فلسفه حجاب است.

جمله «حتی تستأنسو» که به معنی اینست: تا استعلام نکرده‌اید وارد نشوید، به عیب سرزده وارد شدن اشعار دارد. این کلمه از ماده «انس» است که نقطه مقابل وحشت و فزع است. این کلمه می‌فهماند که ورود شما به خانه‌ای

که دیگران در آن سکونت دارند می‌باید با استعلام و جلب انس باشد
نباید سرزده وارد شوید که موجب وحشت و فزع و ناراحتی گردد.

روایاتی وارد شده که پیغمبر اکرم ﷺ دستور فرمودند:

«برای استعلام ذکر خدا گفته شود مانند سبحان الله،
يا الله اکبر، و غيره».

در بین ما معمول است يا الله می‌گوئیم، این رسم از همین دستور الهام
می‌گیرد.

از رسول اکرم ﷺ سؤال شد آیا حکم اجازه خواستن شامل خانه فامیل
و خویشان نزدیک هم می‌شود؟ آیا برای ورود در خانه مادر یادخترمان هم باید
اذن بگیریم؟ در جواب فرمود آیا اگر مادر تو در اتاق خود برهنه باشد و تو
سرزده وارد شوی پسندیده است؟ عرض شد: نه؛ فرمود: پس اذن بگیرید.
رسول اکرم ﷺ شخصاً این دستور را اجراء می‌کردند و به اصحاب
خویش هم توصیه و تأکید می‌کردند.

حجاب در قلب

خداؤند متعال در برتری تقوای دل در امر حجاب در سوره احزاب، آیه ۵۳
می‌فرمایند:

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ
أَطْهَرُ لِقْلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ».

«هنگامی که از همسران پیامبر چیزی خواستید از پشت

حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کار تان برای دل های شما و دل های ایشان پاکیزه تر است».

در ذیل آیه صاحب تفسیر نموه چنین بیان می کند:

«هنگامی که رسول خدا ﷺ با زینب ازدواج کرد، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد. انس که خادم مخصوص پیامبر ﷺ بود می گوید: پیامبر ﷺ به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم، من همه را دعوت کردم، دسته دسته می آمدند و غذای خوردن و از اتاق خارج می شدند، تا این که عرض کردم: ای پیامبر خدا! کسی باقی نماند که من او را دعوت نکرده باشم، فرمود: اکنون که چنین است سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر ﷺ ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند آیه نازل شد و دستورات لازم را بیان کرد». ^(۱)

از بعضی قرائی استفاده می شود که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر ﷺ می آمدند، برای حفظ حیشیت همسران پیامبر ﷺ آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هرگاه می خواهند چیزی از آنها بگیرند، از پشت پرده بگیرند.

نکته حائز اهمیت در این مورد که جزء دستورات ویژه برای زنان پیامبر ﷺ است و نه دستور عمومی برای تمام زنان آن است که خداوند این نحوه‌ی پوشش خاص را برای رعایت حجاب در قلب ذکر می‌نماید. نکته دیگری که در این آیه ذکر شده است پاک ماندن قلب مردان را پیش از قلب زنان بیان نموده است و چه بسا بتوان از این نکته استفاده نمود که این تقدم نشان دهنده‌ی آسیب‌پذیری دل مردان بیش از زنان است؛ چرا که زنان پیامبر ﷺ در مأمن و مأواهی زوجیت آن حضرت در امانند، اما کسانی که بیش از پیش از ایشان می‌توانند در معرض خطر باشند، مردانی هستند که به خانه رسول خدا ﷺ مراجعه و با زنان ایشان مواجه می‌شوند؛ البته زنان نیز باید دل خود را پاک نگه دارند و از این رو، پرده پوششی و حفظ حجاب و عفاف برای پاکی دل آنان نیز بهتر است. یکی از راحت‌ترین و مهم‌ترین راه‌ها برای حفظ دل، حفظ نگاه از نامحرم است.

۳- زنان الگو در قرآن

قرآن با غور در تاریخ به الگو پردازی زنان می‌پردازد و دوگونه الگوی مثبت و منفی را رائمه می‌دهد که الگوهای منفی نقش بازدارنده مهمی در ایجاد سعادت داشته و گونه مثبت نیز جزء تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخی بوده‌اند. که بعنوان آرمان مدل جریان تاریخ را به نفع حقیقت تغییر داده‌اند.

الگوی منفی

زن لوط وزن نوح

قرآن کریم نمونه مردم بد را با نقل داستان دو زن بد، تبیین کرده

و می فرماید:

﴿ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِمْرَأَةٌ نُوحٌ وَامْرَأَةٌ لُّوطٌ كَاتَنَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادَنَا صَالِحَيْنِ فَحَاجَتَاهُمَا فَلَمْ يُعْنِيَا عَنْهُمَا مِنْ أَنْهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ﴾.^(۱)

«خدا برای کسانی که کافر شدند زن نوح و لوط را مثل آورده که هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست شوهران آنها در برابر خدا ساخته نبود، به آنان گفته شد با داخل شوندگان، داخل آتش شوید.»

در این جا خداوند نمی فرماید: «ضرب الله مثلا لللاتی کفرن» و نمی فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلنِّسَاءِ الْكَافِرَاتِ». نمی گوید خدا نمونه زنان بد را ذکر کرد، بلکه می گوید نمونه مردم کافر را ذکر کرد. ضرب الله مثلا للذین کفروا نه «للنساء» و نه «لللاتی کفرن». بنابراین معلوم می شود این «للذین کفروا» به معنای مردان کافر نیست بلکه به معنای مردم تبهکار و بزهکار است.

۱. تحریم: ۱۰.

منظور از خیانت نیز در اینجا، خیانت مکتبی، اعتقادی و فرهنگی است، و به همین دلیل ذات اقدس الله به ما فرمود:

﴿لَا تَحُوْنُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَحُوْنُوا أَمَانَاتِكُمْ﴾.^(۱)

«خیانت نکنید به خدا و رسول و خیانت نکنید به امانت هایتان».

به پیامبر خیانت کردن، یعنی، با دین او بدرفتاری کردن.

در اینجا که فرمود: زن لوط و زن نوح به این دو پیامبر که یکی از آنها پیامبر اولوالعزم است و دیگری حافظ شریعت ابراهیم علیه السلام، خیانت کردند، یعنی مکتب شان را نپذیرفتند، و این ها نمونه مردم تبهکار و کافرند.

الگوی مشبت

زن فرعون

قرآن کریم دو نمونه خوب از زنان را نیز به عنوان الگو ذکر می‌کند، زنان با فضیلتی که ذات اقدس الله را نمونه مردم مؤمن می‌شمارد و درباره آنها چنین می‌فرماید:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا إِمْرَأَةٌ فِرْعَوْنٌ إِذْ قَالَتْ رَبِّيْ
اَبْنِ لِيْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَأَجِنِيْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلَهِ
وَأَجِنِيْ مِنْ الْقَوْمِ الطَّالِمِينَ﴾.^(۲)

۱. انفال: ۲۷. ۲. تحریم: ۱۱.

«برای کسانی که ایمان آوردند خداوند همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت برای من خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از دست مردم ستمگر برهان».

تعییر قرآن در آیه این نیست که: همسر فرعون نمونه زنان خوب است، بلکه می‌فرماید: زن خوب نمونه جامعه اسلامی است و جامعه برین از این زن الگو می‌گیرد، نه این که فقط زنان باید از او درس بگیرند و می‌فرماید: نمونه مردم خوب، زن فرعون است. و ضرب الله مثلاً للذين آمنوا امراة فرعون؛ یک چنین زنی در خانه‌ای زندگی می‌کرد که صاحب آن خانه ادعای: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعُلَى»^(۱) پروردگار بزرگتر شما منم. داشت و شعار: «مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرِي»^(۲) برای شما خدایی غیر از خودم نمی‌شناسم.

قرآن در مقام ذکر فضائل این بانو مهم‌ترین آنها را در بعد دعا می‌داند، که در این دعا شش نکته مهم اخذ شده است. علت این که این بانو نمونه مردم خوب است به خاطر آن است که در نیایشش با خداوند عرض می‌کند: «إِذْ قَالْ رَبِّ ابْنِي لِي عَنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ».

این زن در کنار خدا، بهشت را می‌طلبد. دیگران بهشت را می‌طلبند، و در دعاهای شان از خداوند: «جَنَّاتٍ تَحْرِي مِنْ تَحْيِهِ الْأَنْهَارِ»^(۳) بهشت‌هایی

۱. نازعات: ۲۴.

۲. قصص: ۳۸.

۳. فرقان: ۱۰.

که از زیر آنها نهرها جاری است. درخواست می‌کنند، اما این بانو اول خدا را می‌خواهد و بعد در کنار خدا، خانه طلب می‌کند. نمی‌گوید «رب ابن لی بیتا فی الجنة» و نمی‌گوید «رب ابن لی بیتا عندك فی الجنة» بلکه می‌گوید: «رب ابن لی عندك بیتاً فی الجنة».

در این نیایش ششگانه یا دعای شش بُعدی دو درخواست به تولی بر می‌گردد یکی لقاء الله و دیگری بهشت. یعنی یکی «جنة اللقاء» و دیگری جنات تجربی من تحتها الانهار و چهار خواسته دیگر هم به تبری بر می‌گردد:

- ۱ - «وَتَحْنَى مِنْ فِرْعَوْن».
- ۲ - «وَعَمَلَيْهِ».
- ۳ - «تَحْنَى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ».
- ۴ - «أَعْمَالِهِمْ» که مذوق است.

حضرت مریم ﷺ

مقام ویژه مریم ﷺ نمونه دیگری است را که قرآن بیان می‌کند. خداوند پس از معرفی همسر فرعون به عنوان الگوی انسان‌های مؤمن در آیه بعد برای گرامی داشت مقام خاص مریم می‌فرماید:

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَخْصَنْتُ فَرْجَهَا فَنَفَخْتُنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَضَدَّقْتُ بِكَلِمَاتٍ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنْ الْفَانِتِينَ». (۱)

۱. تحریم: ۱۲.

«و مريم دختر عمران را، که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدم و سخنان پروردگار خود و کتاب های او را تصدیق کرد و از عبادت پیشگان بود».

يعنى «و ضرب الله مثلاً للذين آمنوا مريم ابنت عمران» و چون مقام مريم، بالاتر از مقام زن فرعون بود. لذا اين ها را يك جا ذكر نکرد، بلکه در دو آيه جدا ذکر فرمود برخلاف آن دو کافره که در يك آيه ذکر شدند.

حضرت مريم در اثر احسان، صیانت، عفت و در اثر دریافت آن روح غیبی به جایی رسید که صدقت بكلمات ربها و کتبه وکانت من القانتین گشت. اما پرورش مريم ﷺ بنا به شریعت موسی ﷺ بوده و در این موضوع در خبری از امام باقر علیه السلام آمده است که:

«چون مريم به سن بلوغ زنان رسید خداوند به ذکریا وحی فرمود که برای مريم پرده‌ای بکشد که پنهان باشد که این حاکی از حجاب است».

نتیجه: بالگوگزاری قرآنی آشنا شدیم، عناصر و مقوماتی که قرآن برای الگو شدن مثبت و منفی زن درنظر گرفته است فراتر از تاریخ، نژاد، زبان و موقعیت زمانی برمی‌گردد. در زمانه‌ای که پدرسالاری حتی در مفاهیم دینی آن زمان رسوخی فراوان یافته بود، قرآن زن خدای مصر (فرعون) را به عنوان انسانی ممتاز که بر ضد ساختارهای بیمار و کفرآلود جامعه خود از درون کاخ همسرش مقاومت می‌کند، معرفی می‌نماید و در متن بیت پیامبران نیز الگوها یی معرفی می‌کند که به پیامبر و جامعه خود خیانت کرده‌اند. این الگوها می‌توانند بهترین معیار فرا روی زن مسلمان باشد.

ب) حجاب در روایات

شواهد روایی متعددی نیز گویای این نکته‌اند که حجاب در زمان رسول خدا واجب شد و آن جناب با کسانی که خود را با وضعیت جدید و فق نداده بودند و هنوز از پوشش مرسوم گذشته استفاده می‌کردند برخورد می‌کرد و تذکر می‌داد.

۱- مصادیق حجاب

در روایاتی از سوی رسول خدا ﷺ محدوده حجاب بیان شده است. به عنوان نمونه در روایتی آمده است که نمایان ساختن تمام بدن برای زوج رواست و سروگردن را می‌توان در برابر پسر و برادر آشکار کرد، اما در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده کرد: پیراهن (درع)، روسربی (خمار)، پوششی وسیع تر از روسربی که بر روی سینه می‌افتد^(۱) (جلباب) و چادر (ازار).^(۲)

شیخ صدوq به سند خود از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران خود از رسول خدا ﷺ نقل می‌کنند که آن حضرت فرمود:

«روا نیست زنی که به دوران عادت ماهانه بلوغ رسیده موی جلوی سر و گیسوان خود را آشکار کند».^(۳)

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرين، ذیل واژه جلب.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان، ج ۷، ص ۲۷۱: «عن النبي ﷺ قال للزوج ما تحت الدرع ولابن والاخ ما فوق الدرع ولغير ذي محروم أربعه أبواب درع وختار وجلباب وإزار».

۳. محمد صدوq، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۶۷؛ محمد کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۲۰.

هم چنین در روایتی آمده است که پیامبر ﷺ با جابر بن عبد الله انصاری به خانه فاطمه ؓ رفتند. پیامبر اجازه ورود خواست و فرمود من و کسی که همراه من است وارد شویم. فاطمه فرمود: روسرب بر سر ندارم. پیامبر ﷺ فرمود: قسمت اضافه روپوش خود را برابر سر خود بگیر و بعد پیامبر ﷺ و جابر بر حضرت زهرا وارد شدند.^(۱)

قبل از غزوه طائف دو نفر که عموم مردم «غیر اولی الاربه؛ مردی که از زن بی نیاز است». به حساب می‌آوردن جمال و وضع ظاهری زنی از اهالی طائف را تعریف می‌کردند که چنین و چنان است. پیامبر ﷺ سخن ایشان را شنید و درباره این دو نفر فرمود: می‌بینم که شما دو نفر به زنان تمایل دارید «غیر اولی الاربه نمی‌باشد» آن‌گاه دستور داد آن دو را به محلی به نام «عربایا» تبعید کردند.^(۲) این قضیه حاکی از آن است که قبل از فتح طائف که در شوال سال هشتم هجری اتفاق افتاد^(۳) مسئله حجاب و رعایت حریم زنان مطرح بوده است.

این روایات اگرچه از نظر سند و دلالت نیازمند بررسی است، اما روای هم رفته حاکی از این موضوع است که حجاب قبل از آن که بین مسلمانان و ایرانیان یا رومیان ارتباطی برقرار شود، تشریع شده و پشتونهای دینی داشته است و چنین نبود که پس از تعامل با دیگر ملل، بین مسلمانان پیدا شده باشد.

۱. محمد کلینی، همان، ج ۵، ص ۵۲۸.

۲. محمد عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۵؛ محمد کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۲۳.

۳. احمد کوفی، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۶۵؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۶۸.

۲- فاطمه‌علیها السلام آرمان الگوی زن مسلمان

در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه‌علیها السلام وقتی می‌خواستند به بیرون منزل و نزد پیامبر اکرم صلوات الله علیه و سلام بروند، از پوشش‌های خاصی، مثل جلباب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده می‌کردند، علاوه بر این، یکی از حوادثی که بیانگر مقدار حجاب حضرت فاطمه‌علیها السلام در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم است، آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه‌ی فدک است. در داستان غم‌انگیز غصب فدک آمده است: وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند که حضرت را از فدک محروم نمایند، ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش، برای دفاع از حق خویش از منزل به مسجد آمدند. راوی داستان، شکل خاص حجاب حضرت را این‌گونه توصیف نموده است:

«لَائَتْ خِتَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اسْتَمَلَتْ بِحِلْبَابِهَا وَ أَفْبَلَتْ

فِي لُبَّةِ مِنْ حَقَدَتِهَا وَ نِسَاءٍ قَوْمِهَا تَطْأُذُبُّ يَوْلَهَا». ^(۱)

«حضرت زهرا علیها السلام هنگام خروج از منزل مقننه را محکم بر سر بستند و جلباب و چادر را، به گونه‌ای که تمام بدن آن حضرت را می‌پوشاند و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید، به تن کردند و به همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود به سوی مسجد حرکت نمودند».

۱. الاحتجاج: ج ۱، ص ۹۸.

قضیه‌ی فوق گویای آن است که پوشش بیرون از منزل حضرت «خمار» و «جلباب» بوده که قرآن به عنوان حجاب زنان در بیرون منزل و در مواجهه با نامحرم از آن یاد کرده است.

(۱) اهمیت حجاب در نظر فاطمه زهراء

حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} از پدران گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} نقل فرمود که:

«روزی شخص نایبایی اجازه ورود خواست.
فاطمه^{علیها السلام} برخاست و چادر به سر کرد. رسول خدا فرمود:
چرا از او رو می‌گیری، او که تو را نمی‌بیند؟ فاطمه عرض کرد: او مرا نمی‌بیند، اما من که او را می‌بینم و او اگرچه مرا نمی‌بیند ولی بوی مرا که حس می‌کند».

رسول خدا فرمود:

«شهادت می‌دهم که تو پاره تن منی».

روزی رسول خدا^{علیه السلام} از اصحاب خود پرسید:
«نژدیکترین حالات زن به پروردگارش کدام است؟».
اصحاب نتوانستند جواب بدھند. این سؤال به گوش فاطمه^{علیها السلام} رسید.
فاطمه فرمود:

۱ . بحار الانوار، ج ۴۳ ، صفحات ۹۱ و ۹۳ و ۵۴ و ۸۱ و ۱۸۹ .

«نژدیکترین حالات زن به پروردگارش وقتی است که در خانه اش بنشیند و خود را در کوچه و بازار، جلو چشم نامحرمان قرار ندهد».

وقتی رسول خدا این سخن را شنید، فرمود:

«فاطمه پاره تن من است».

امیر المؤمنین ﷺ می فرماید:

«روزی رسول خدا از ما پرسید: بهترین کار برای زنان چیست؟».

فاطمه ﷺ پاسخ داد:

«بهترین کار برای زنان این است که مردان را نبینند و مردان نیز آنها را نبینند».

رسول خدا فرمود:

«فاطمه پاره تن من است».

رسول خدا بعد از ازدواج فاطمه ﷺ کارها را بین او و علی ﷺ تقسیم کرد و فرمود کارهای منزل با فاطمه و کارهای خارج از منزل با علی.

فاطمه ﷺ می فرماید:

«هیچ کس نمی داند من چقدر خوشحال شدم که رسول خدا مرا از ظاهر شدن در پیش چشم مردان معاف کرد».

روزی فاطمه زهرا ﷺ به اسماء فرمود:

«چه بد است این تخته هایی که بدن مرده را برای تشییع جنازه

روی آن می‌گذارند! زیرا وقتی زنی را روی آن قرار می‌دهند و پارچه‌ای بر بدنش می‌کشند، حجم بدن او معلوم است».

اسماء گفت:

«من که در حبشه بودم، می‌دیدم مردم آنجا تابوتی از چوب درست می‌کردند و مرده را داخل آن می‌گذاشتند».

سپس اسماء با چوب خرما تابوتی لبه‌دار درست کرد و به فاطمه علیها السلام نشان داد. حضرت فاطمه بسیار خوشحال شد و فرمود:

«این خیلی خوب است. وقتی مرده را داخل آن قرار دهدن و پارچه‌ای روی آن بکشند، دیگر معلوم نمی‌شود مرده مرد است یا زن».

و فرمود:

«پس از مرگم، مرا در همین تابوت بگذارید».

۳- چهل حدیث درباره پوشش زن و مرد

۱- امام علی علیهم السلام فرموده‌اند:

«پوشیده و محفوظ داشتن زن مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست».^(۱)

۱. غزل الحکم: ۵۸۲۰

۲- امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«حجاب زن برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر می باشد». ^(۱)

۳- امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

«با پوشش و حجابی که برای همسران قرار می دهی،

چشم آنان را از هوس و حرام باز می داری، چراکه حجاب

برای آنها ثبات بیشتری به ارمنان می آورد. از خروج

بی حساب و بی رویه زنان جلوگیری کن، زیرا مفاسدی دارد؛

و اگر می توانی، کاری کن که همسران غیر از تو را نشناسند

و با مردان رفت و آمد نداشته باشند». ^(۲)

۴- حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران گرامیش از حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمود که:

«روزی شخص نایابنایی اجازه ورود خواست.

فاطمه علیه السلام برخاست و چادر به سر کرد. رسول خدا فرمود:

چرا از او رو می گیری، او که تو را نمی بیند؟ فاطمه عرض

کرد: او مرا نمی بیند، اما من که او را می بینم. و او اگرچه مرا

نمی بیند، ولی بوی مرا که حس می کند».

۵- رسول خدا علیه السلام از حضرت جبرئیل علیه السلام سؤال نمود که آیا فرشتگان

خنده و گریه دارند؟ جبرئیل فرمود:

۱. مستدرک: ج ۵.

۲. نهج البلاغه، وصیت‌نامه به امام حسن عسکری.

«بله. (یکی از آنچاهایی که فرشتگان می‌خندند) زمانی است که زن بی‌حجابی و بد‌حجابی می‌میرد، و بستگان او را در قبر می‌گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می‌پوشانند تا بدنش دیده نشود. فرشتگان می‌خندند و می‌گویند: تاوقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک می‌کرد و به گناه می‌انداخت (پدر و برادر و شوهرش و... از خود غیرت نشان ندادند) و او را نپوشاندند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می‌پوشاند.»

۶- در یک روز بارانی حضرت علی علیہ السلام با پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم در بقیع بودند که زنی سوار بر الاغ از آن جا عبور می‌کرد. ناگهان پای الاغ در چاله‌ای فرو رفت و زن از بالای آن به زیر افتاد. رسول خدا به سرعت روی خود را برگرداند. حاضران به رسول خدا گفتند این زن شلوار به تن دارد. حضرت سه بار فرمود:

«خداؤند زنان شلوار پوش را رحمت کند. سپس فرمودند: ای مردم! شلوار را به عنوان پوشش برگزینید؛ چرا که از پوشاننده‌ترین لباس‌های شماست و به وسیله‌ی آن از زنان خود به هنگام خروج آنان از منزل محافظت کنید.»

البته باید توجه داشت که پیامبر، شلوار را به عنوان مکمل پوشش مطرح کردند، نه جایگزین پوشش.

۷ - پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلم فرموده‌اند:

«خدا مردانی را که شبیه زن می‌شوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار می‌دهند، نفرین کرده است.»

۸ - رسول خدا^{علیه السلام} فرمودند:

«سه گروه، هرگز داخل بهشت نمی‌شوند: ۱- زنی که خود را در لباس و حرکات و امور دیگر شبیه مرد سازد و...».

۹ - امام علی^{علیه السلام} می‌فرماید:

«بهترین لباس؛ لباسی است که تو را از خدا به خود مشغول نسازد».

۱۰ - در حدیث قدسی آمده است:

«به بندگانم بگوئید به لباس دشمنانم در نیایند و خود را شبیه دشمنان من نکنند که در این صورت آنها هم دشمنان من خواهند بود».

۱۱ - پیامبر^{صلوات الله علیه و آله و سلم} می‌فرمایند:

«خداؤند شما را از عریان شدن نهی کرده است پس شرم کنید از فرشتگانی که همراه شما هستند همان گرامیانی که از شما جدا نمی‌شوند مگر هنگام قضای حاجت و خلوت کردن با همسر».

۱۲ - از رسول خدا^{علیه السلام} پرسیدند:

«آیا در تنهایی می‌توانیم کشف عورت کنیم؟

حضرت جواب دادند: خداوند بیش از مردم سزاوار است که از او شرم شود». ^(۱)

۱. سنن ابن ماجه.

۱۳ - رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمودند:

«خداوند شما را از عریان شدن بازداشته است؛ لذا از عریان

شدن بپرهیزید». ^(۱)

۱۴ - حضرت علی^{علیه السلام} می فرمایند:

«وقتی کسی عریان شود، شیطان به او نظر می اندازد و در او

طعم می کند؛ پس خود را بپوشانید». ^(۲)

۱۵ - پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود:

«صیانت زن او را شاداب تر و زیبایی اش را پایدارتر می کند».

۱۶ - پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود:

«غذائی بخور که خود می پسندی ولی لباسی بپوش که مردم

می پسندند».

۱۷ - در روایت است که برای پیامبر چند قواره پارچه آوردند.

پیامبر قواره‌ای را به یکی از یاران خود داد و به او فرمود که این را دو قسمت کن:

قسمتی را برای خود جامه کن و قسمت دیگر آن را به همسرت بده تا برای خود

روسری کند. بعد به وی فرمود:

«به همسرت بگو برای این پارچه آستری فراهم کند

تا بدن وی از زیر آن نمایان نباشد». ^(۳)

۱. بخار الانوار: ج ۵۶ . ۲. تهدیب.

۳. ابی داود سجستانی، سنن ابی داود: ج ۲، ص ۲۷۲ .

۱۸ - رسول خدا^{عَزَّوَجَلَّ} فرمودند:

«هلا کت زنان امت من در دو چیز است: طلا و لباس
نازک». ^(۱)

۱۹ - حضرت علی^{عَلَيْهِ السَّلَامُ} فرمودند:

«بر شما باد بر پوشیدن لباس ضخیم؛ چرا که هر کس لباسش
نازک باشد، دینش نازک است».

۲۰ - اسماء دختر ابوبکر و خواهر عایشه به خانه پیغمبر اکرم^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} آمد
در حالی که جامه‌های نازک و بدن‌نما پوشیده بود. رسول اکرم^{صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} روی خویش
را از اوی برگرداند و فرمود:

«ای اسماء همین که زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست
چیزی از بدن او دیده شود مگر از مچ دست به پایین
و صورتش». ^(۲)

۲۱ - رسول خدا^{عَزَّوَجَلَّ} وضعیت دوران ما را از قبل پیش‌بینی می‌کنند:

«در آخر امت من، مردم‌ها بی‌هستند که سوار بر وسایل
نقلیه خود، بر در مساجد پیاده می‌شوند. زنان اینان،
پوشیده‌هایی بر هنگام که موهای شان برآمده است.
این‌ها زنان نفرین شده‌اند». ^(۳)

۱. شیخ مفید، امالی.

۲. الدر المثور: ج ۵

۳. المحاسن: ج ۱.

۲۲ - رسول خدا^{علیه السلام} می فرماید:

«برای زن جایز نیست مج پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شد اول اینکه: خداوند سبحان همیشه او را لعنت می کند. دوم اینکه: دچار خشم و غضب خداوند بزرگ می شود. سوم اینکه: فرشتگان الهی هم او را لعنت می کنند. چهارم: عذاب دردناکی برای او در روز قیامت آماده شده است. هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیرشوهرش آشکار نمی کند و همچنین موی سر و مج پای خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کارها را برای غیرشوهرش انجام دهد دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است».

۲۳ - رسول خدا^{علیه السلام} فرمودند:

«زر و زیور خود را در منظر و دیدگاه غیرشوهر مگذار و در غیاب شوهر خود را خوشبو مکن و مج پا را نشان مده اگر چنین کنید دین تان را تباہ و خدا را به خشم آورده اید».

۲۴ - پیامبر اکرم^{علیه السلام} زنان را از پوشیدن لباس های توجه برانگیز بر حذر می داشتند.

۲۵ - امام صادق^{علیه السلام} به یکی از خواهران محمد بن ابی عمیر فرمود: «وقتی که به دیدار برادرت رفتی لباس های رنگارنگ و تحریک آمیز بر تن نکن».

۲۶ - رسول حق ﷺ به حولا فرمود:

«رسری خود را که جلب نظر می‌کند نشان مده اگر چنین
کنی دین تان را تباہ و خدا را به خشم آورده‌ای».

۲۷ - امام رضا علیه السلام فرمود:

«هر کس لباس بپوشد تا مباهات و جلوه‌گری کند خدا
رحمتش را از او باز می‌دارد.

۲۸ - پیامبر ﷺ فرمود:

«لباسی بپوش که انگشت‌نمای مردم نشوی و عزت
و احترامت هم محفوظ بماند».

۲۹ - فضیل بن یسار می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم که آیا ساعده‌ای
زن از قسمت‌هائی است که باید از غیر محارم بپوشاند؟ فرمود:

بلی و آنچه زیر روسری قرار می‌گیرد باید پوشیده شود
همچنین از محل دستبند به بالا باید پوشیده شود». ^(۱)

۳۰ - نمایان ساختن تمام بدن برای زوج رواست و سروگردان را می‌توان
در برابر پسر و برادر آشکار کرد، اما در برابر نامحرم باید از چهار پوشش استفاده
کرد:

«پراهن (درع)، روسری (خمار)، پوششی وسیع تر از
روسری که بر روی سینه می‌افتد (جلباب) و چادر (ازار).

۱. کافی: ج ۵

۳۱ - عایشه می‌گوید:

«دختر عبدالله بن طفیل که برادر مادری من بود در حالی که زینت کرده بود به خانه‌ام آمد. در همان هنگام پیامبر ﷺ نیز وارد شد و هنگامی که او را دید از او روی برگرداند. عایشه گفت یار رسول الله این دختر، بردارزاده من و خردسال است! پس پیامبر فرمود: هنگامی که زن به دوران عادت ماهانه رسید بر او جایز نیست که جز روی خود موضع دیگری را نمایان کند». ^(۱)

۳۲ - پیامبر ﷺ سه بار فرمود:

«خدایا! زنان شلوارپوش را بیامز. ای مردم! شلوار بپوشید که شلوار پوشاننده ترین جامه‌های شماست و زنان خود را در موقعی که بیرون می‌آیند با شلوار حفظ کنید».

۳۳ - امام صادق علیه السلام می‌فرمودند:

«سزاوار نیست زن مسلمانی، لباسی بپوشد که بدن وی را نمی‌پوشاند».

۳۴ - عبدالله بن عباس، مفسّر و شاگرد سرشناس امیرالمؤمنین علیه السلام گفته است:

«زن (باید) مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند». ^(۲)

۱. جامع البيان: ج ۹ .

۲. مجمع البيان: ج ۷ .

۳۵- از حدیث امام باقر علیه السلام استفاده می‌شود که محارم زن مانند برادر، پدر و... حق ندارند به همه جای زن بنگرند و زن نیز باید بگذارد پایین تر از جای گردنبند و بالاتر از مچ دست آشکار گردد. چنین نیست که زن نزد محرم‌ها، هر لباسی بپوشد و با هر آرایشی بیرون آید و اندام خود را بنمایاند.

۳۶- یکی از اصحاب پیامبر ﷺ می‌گوید روزی نشسته بودم و لباس کنار رفت و ران پایم پیدا شد. پیامبر ﷺ که در حال عبور بودند، به من گفتند: «ران خود را بپوشان که جزء عورت است». ^(۱)

۳۷- حضرت موسی علیه السلام آنقدر بر پوشیدگی خود محافظت می‌کرد که مردم می‌پنداشتند وی بیماری جسمانی دارد. رسول خدا ﷺ درباره‌ی او می‌فرمود:

«همانا موسی مردی با حیا و پوشیده بود که به دلیل حیايش، هیچ نقطه از بدن وی دیده نشد ولذا هنگامی که می‌خواست وارد آب شود تا بدنش وارد آب نمی‌شد، لباس خود را بیرون نمی‌آورد؛ در حالی که بنی اسرائیل حیا نمی‌کردند و در برابر هم برای شستشو بر هنه می‌شدند و به یکدیگر نگاه می‌کردند».

۳۸- پیامبر اکرم ﷺ هم هرگاه می‌خواستند غسل کنند، کسی به وسیله‌ی پرده ایشان را مستور می‌ساخت.

۱. مسند احمد.

۳۹ - امام صادق ع پوشیدگی شدید لقمان را از علل حکیم شدن وی می‌دانند.

۴۰ - پیامبر ص روزی یکی از کارگران خود را دید که در فضای باز غسل می‌کند. به وی فرمود:

«نمی‌بینم از خدایت شرم کرده باشی! مزدت را بگیر مانیازی به تو نداریم».

فصل چهارم

فلسفه و فوائد حجاب

● فلسفه حجاب

الف) فلسفه تشریعی حجاب

ب) فلسفه عقلایی حجاب

● آثار و فواید حجاب در ابعاد مختلف

الف) فایده‌ی حجاب در بُعد فردی

ب) فایده‌ی حجاب در بُعد خانوادگی

ج) فایده‌ی حجاب در بُعد اجتماعی

د) فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی

● حدود و شعور حجاب در اسلام

● اختلاط زن و مرد در اسلام

فلسفه حجاب

امروزه در مباحث علوم برای هر علمی «چرایی» مطرح می‌شود که فلسفه آن علم نامیده می‌شود و در گروه «فلسفه مضارف» قرار می‌گیرد. فلسفه هر علم بدنیال کشف چرایی آن علم است تا بتواند منظومه‌ای مبتنی بر منطق آن علم طراحی نماید.

حجاب از ضروریات دینی است که پرسش‌های فراوانی فراروی خود، از آغاز صدور حکم تا امروز به خود دیده است. نقدها و نقبهایی که این آموزه دینی را فربه‌تر نموده است و چالش‌هایی که هر روز با پاسخی درخور پرسشی دیگر کوک می‌کنند در این بخش بدنیال بررسی فلسفه حجاب هستیم. از آن جهت که حجاب مفهومی درون دینی است پس باید فلسفه تشریع آن را بررسی نموده و نیز چون مفهومی است که مصدق و تعین اجتماعی یافته است و در حوزه جامعه مبتلا به زندگی مردم است باید فلسفه عقلی آن را بررسی کنیم.

الف) فلسفه تشریعی حجاب

هدف اصلی تشریع احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی

ترکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتُقَاكُمْ». ^(۱)

«بزرگوار و با افتخارترین شمانزد خدا با تقواترین شماست».

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَّيَّنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَنْذُرُ إِلَيْهِمْ آيَاتٍ
وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ
لَفِي صَلَالٍ مُّبِينٍ». ^(۲)

«اوست خدایی که میان عرب امی (قومی) که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق رشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند».

از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریع حکم الهی، واجب حجاب اسلامی، دست‌یابی به ترکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی هم چون:

«فُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ
أَزْكِي لَهُمْ». ^(۳)

۱. حجرات: ۱۳.

۲. جمعه: ۲.

۳. نور: ۳۰.

«ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا
بپوشند و فروج و اندام‌شان را محفوظ دارند، که این
برپاکیزگی جسم و جان ایشان اصلاح است».

ب) فلسفه عقلی حجاب

۱- آرامش روانی

نبوذن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزوئی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی‌آورد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد، همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله ورتر می‌شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت:

۱- تاریخ همانطوری که از آزمنان ثروت یاد می‌کند که با حرص و آزی حیرت‌آور در پی‌گرد آوردن پول و ثروت بوده‌اند و هرچه بیشتر جمع می‌کرده‌اند حریص‌تر می‌شده‌اند، همچنین از آزمنانی در زمینه مسائل جنسی یاد می‌کند. این‌ها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف تملک زیبا رویان در یک حدی متوقف نشده‌اند. صاحبان حرم‌سراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته‌اند چنین بوده‌اند.

۲- حس «لغز» در بشر چه حسی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محظوظ و معشوق خود را ستایش

می‌کند، به پیشگاه او نیاز می‌برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می‌دهد، خود را نیاز می‌برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می‌دهد، خود را نیاز مند کوچکترین عنایت او می‌داند، مدعی می‌شود که محبوب و معشوق «صد ملک جان به نیم نظر می‌تواند بخشد، پس چرا در این معامله تقصیر می‌کند» از فراق او دردمدانه می‌نالد.

چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی‌کند؟ آیا تاکنون دیده‌اید که یک آدم پول پرست برای پول، و یک آدم جاه‌پرست برای جاه و مقام غزل‌سرایی کرده است؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزل‌سرایی کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می‌آید؟ چرا همه از دیوان حافظ این قدر لذت می‌برند؟ آیا جز این است که همه کس آن را با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می‌بینند؟ چه قدر اشتباه می‌کنند کسانی که می‌گویند یگانه عامل اساسی فعالیت‌های بشر عامل اقتصاد است. بشر برای عشق‌های جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنان‌که برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت‌های صرفاً مادی از قبیل آب و نان و... موسیقی ندارد.

خلاصه این دستور اینست که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزنند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن اینست که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربائی نپردازند. به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ

شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان طور که بشر - اعم از مرد و زن - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد.

۲- استحکام پیوند خانوادگی

شکی نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود. و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسربدی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتعات والتدازهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود.

فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی اینست که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار بود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانیان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می‌شود، جواب می‌دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه‌ایم، و یا به عنای دیگر از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند همین است. و حال آنکه در قدیم یکی از شیرین ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیا اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد، «شب زاف را کم از تخت پادشاهی» نمی‌دانستند.

ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می‌گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می‌دانستند، ولی امروز کامجوئی‌های جنسی در غیر کادر ازدواج به حد اعلی فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاق‌ها وجود ندارد.

معاشرت‌های آزاد و بی‌بند و بار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت درآورده است که باید آن را با توصیه‌های اخلاقی و یا احیانا - چنان‌که برخی از جرائد پیشنهاد می‌کنند - با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد.

تفاوت آن جامعه که روابط جنسی را محدود می‌کند به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی، با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می‌شود اینست که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت، و در اجتماع دوم آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آنها را ملزم می‌سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌بخشد.

سیستم روابط آزاد اولاً موجب می‌شود که پسران تا جائی کهممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز زنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می‌نهد، اقدام به ازدواج کنند و در این موقع زن را فقط برای فرزند زادن و احیاناً برای خدمت‌کاری و کلفتی بخواهند، و ثانیاً پیوند ازدواج‌های موجود را سست می‌کند و سبب می‌گردد به جای اینکه خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر همسر خود را عامل سعادت خود بداند بر عکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت بینند و چنانکه اصطلاح شده است یکدیگر را زندانیان بنامند.

۳- بالا بردن ارزش انسانی

ریشه اجتماعی پدید آمدن حریم و حائل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد به استثمار زن، یا حسادت مرد، یا عدم امنیت اجتماعی، یا عادت

زنانگی نباید جستجو کرد و لاقل باید کمتر در این‌ها جستجو کرد. ریشه این پدیده را در یک تدبیر ماهرانه غریزی خود زن باید جستجو کرد.

به‌طور کلی بحثی است در باره ریشه اخلاق جنسی زن از قبیل حیا و عفاف، و از آن جمله است تمایل به ستر و پوشش خود از مرد. در این جا نظریاتی ابراز شده است.

دقیق‌ترین آنها اینست که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گران‌بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برد است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از لحاظ جسمی نمی‌تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند از عهده زور بازوی مرد برنمی‌آید، و از طرف دیگر نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظہر عشق و طلب، و زن را مظہر معشوقيت و مظلومیت قرار داده است. در طبیعت، جنس نر گیرنده و دنبال‌کننده آفریده شده است. به قول

«ویل دورانت»:

«آداب جفتگوئی عبارت است از حمله برای تصرف در مردان، و عقب‌نشینی برای دلبری و فریبندگی در زنان... مرد طبعاً جنگی و حیوان‌شکاری است، عملش مثبت و تهاجمی است. زن برای مرد همچون جائزه‌ای است که باید آن را برباید».

وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست همانطور که متولّ به زیور و خودآرائی و تجمل شد که از آن راه مرد تصاحب کند، متولّ به دور نگهداشتن خود از دسترس مرد نیز شد. دانست که نباید خود را رایگان کند بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند و در نتیجه مقام و موقع خود را بالا برد.

«ویل دورانت» می‌گوید:

«حیا امر غریزی نیست بلکه اکتسابی است. زنان در یافتن که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند.»

«ویل دورانت» می‌گوید:

«خودداری از انبساط و امساك در بذل و بخشش بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهانی انسان را در معرض عام تشریح می‌کردند توجه ما به آن جلب می‌شد ولی رغبت و قصد به ندرت تحریک می‌گردید. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بی آن که بداند حس می‌کند که این خودداری ظرفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد.»

مولوی، عارف نازک‌اندیش و دوربین خودمان مثلی بسیار عالی در این زمینه می‌آورد، اول درباره تسلط معنوی زن بر مرد می‌گوید:

زُيْنَ لِلنَّاسِ حَقٌّ آرَاستهُ اسْتَ زانچه حق آراست چون تانند رست
 چون پی یُسْكُنُ إِلَيْهَاشَ آفَرِيد کی تواند آدم از حوا برید
 رستم زال ار بود، وز حمزه بیش هست در فرمان اسیر زال خویش
 آنکه عالم مست گفتارش بدی کَلَمَینِی یا حُمِيرَا می‌زدی
 آنگاه راجع به تأثیر حریم و حائل میان زن و مرد در افزایش قدرت
 و محبویت زن و در بالا بردن مقام او و درگداختن مرد در آتش عشق و سورز،
 مثلی لطیف می‌آورد: آنها را به آب و آتش تشییه می‌کند، می‌گوید مثل مرد مثل
 آب است و مثل زن مثل آتش، اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود
 آب بر آتش غلبه می‌کند و آن را خاموش می‌سازد، اما اگر حائل و حاجبی میان
 آن دو برقرار گردد مثل این که آب را در دیگی قرار دهند و آتش در زیر آن
 دیگ روش نکنند، آن وقت است که آتش آب را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد،
 اندک اندک او را گرم می‌کند و احياناً جوشش و غلیان در او به وجود می‌آورد،
 تا آنجاکه سراسر وجود او را تبدیل به بخار می‌سازد.

می‌گوید:

آب غالب شد بر آتش از لهیب ز آتش او جوشد چو باشد در «حجب»
 چونکه دیگی حایل آمد آن دو را نیست کرد آن آب را کردش هوا
 مرد برخلاف آنچه ابتدا تصور می‌رود، در عمق روح خویش از ابتدال
 زن و از تسلیم و رایگانی او متنفر است. مرد همیشه عزت و استغناء و بی‌اعتنایی
 زن را نسبت به خود ستوده است.

به طور کلی رابطه‌ای است میان دست نارسی و فراق از یک طرف و عشق و سوز و گران‌بهائی از طرف دیگر، همچنان‌که رابطه‌ای است میان عشق و سوز از یک طرف و میان هنر و زیبائی از طرف دیگر، یعنی عشق در زمینه فراق‌ها و دست نارسی‌ها می‌شکفده و هنر و زیبائی در زمینه عشق رشد و نمو می‌یابد.

«برتراند راسل» می‌گوید:

«از لحظه هنر مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیرممکن گردد».

هم او می‌گوید:

«در جایی که اخلاقیات کاملاً آزاد باشد، انسانی که بالقوه ممکن است عشق شاعرانه‌ای داشته باشد عملاً بر اثر موفقیت‌های متوالی به واسطه جاذبه شخصی خود، ندرتاً نیازی به توصل به عالی‌ترین تخیلات خود خواهد داشت».

«ویل دورانت» در لذات فلسفه می‌گوید:

«آنچه بجوئیم و نیاییم عزیز و گران‌بها می‌گردد. زیبائی به قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می‌گردد».

از همه عجیب‌تر سخنی است که یکی از مجلات زنانه از «آلفرد هیچکاک» که به قول آن مجله به حسب فن و شغل فیلمسازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد نقل می‌کند.

او می‌گوید:

«من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پرآنتریک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری واردارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند یعنی کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر به خود زحمت دهد».

ایضاً همان مجله در شماره دیگری از همین شخص چنین نقل می‌کند: «زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روییندی که به کار می‌بردند خود بخود جذب می‌نمودند و همین مسأله جاذبه نیرومندی بدانها می‌داد، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می‌دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می‌رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می‌شود».

می‌گویند: «مشتاقی است مایه مهجوری». این صحیح است. اما عکس آن هم صحیح است که: «مهجوری است مایه مشتاقی». امروز یکی از خلاهایی که در دنیای اروپا و امریکا وجود دارد خلاعشق است. در کلمات دانشمندان اروپائی زیاد این نکته به چشم می‌خورد که اولین قربانی آزادی و بی‌بند و باری امروز زنان و مردان، عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است.

در جهان امروز هرگز عشق‌هایی از نوع عشق‌های شرقی از قبیل عشق‌های مجنون و لیلی، و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی‌کند.

نمی‌خواهم به جنبه تاریخی قصه مجنون و لیلی، و خسرو و شیرین تکیه کرده باشم، ولی این قصه‌های بیان‌کننده واقعیاتی است که در اجتماعات شرقی وجود داشته است.

از این داستان‌ها می‌توان فهمید که زن بر اثر دور نگهداشتن خود از دسترسی مرد تاکجا پایه خود را بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است؟ قطعاً در ک زن این حقیقت رادر تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز تأثیر فراوان داشته است.

آثار و فواید حجاب

حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که بعضی از مهم‌ترین فواید آن عبارت‌اند از:

الف) فایده‌ی حجاب در بعد فردی

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فرونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی‌آورد. غریزه‌ی جنسی،

غیریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیش‌تر اطاعت شود بیش‌تر سرکش می‌گردد؛ همچون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعله‌ورتر می‌گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی‌حیایی و برهنگی، اطاعت از غیریزه‌ی جنسی بیش‌تر شده است، هجوم مردم به مسئله‌ی سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است. این مطلب پاسخ روشن و قاطع به افرادی است که قایل اند همه‌ی گرفتاری‌هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غیریزه‌ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت‌هast؛ و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد شود، این حرص و ولعی که وجود دارد، ازین می‌رود. البته از این افراد باید پرسید؛ آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است، حرص و ولع جنسی در بین آنان فروکش کرده است یا افزایش یافته است؟!

پاسخ هر انسان واقع‌بین و منصفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل‌های جدیدتری از تمتعات و بهره‌برداری‌های جنسی در آنها رواج و رسمیت می‌یابد.

یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه‌ی غرب را در مواجهه با غیریزه‌ی جنسی این‌گونه توصیف کرده است:

«کسانی می‌گویند مسئله‌ی غیریزه‌ی جنسی و مشکل زن و حجاب در جوامع غربی حل شده است؛ آری، اگر از زن روی‌گرداندن و به بچه و سگ و یا هم جنس روی آوردن

حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!». (۱)

ب) فایده‌ی حجاب در بعد خانوادگی

یکی از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی‌تر زن و شوهر، و در نتیجه استحکام بیش‌تر کانون خانواده می‌گردد؛ و بر عکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. یکی از نویسنده‌گان، تأثیر بر هنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این‌گونه بیان کرده است:

در جامعه‌ای که بر هنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه‌ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه‌ی خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهراش شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد.

۱. صبوری اردوباری، ۱۳۶۶، ص ۳۰۲.

در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه‌ای می‌دهد؛ و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و همه‌ی خواهران جوان لابد می‌دانند که همچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می‌دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت‌اند در فردای بی‌طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده‌ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند.^(۱)

ج) فایده‌ی حجاب در بعد اجتماعی

بی‌حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع، و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و... همواره باقیافه‌های محرك و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می‌یابد. برخلاف نظام‌ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را بالذت‌جویی‌های جنسی درهم می‌آمیزند، اسلام می‌خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این‌گونه لذت‌ها پاک شده، و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود.^(۲)

۱. حداد عادل، ۱۳۶۸، ص ۶۹ - ۷۰ . ۲. مطهری، ۱۳۷۵، ص ۸۴ - ۹۴.

آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امنیت اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از:

- ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه.
 - جلوگیری از تهییح و تحریک جنسی و خشی نمودن لذایذ نفسانی.
 - کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی.
 - حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی.
 - حضور معنوی گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی.
 - کاهش تقاضای مدپرستی بانوان.
 - حفظ ارزش‌های انسانی، مانند عفت، حیا و ممتاز در جامعه.
 - مصونیت زنان در همه زمان‌ها و مکان‌ها.
 - سلامت و زیبایی موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی.
 - هدایت، کنترل و بهره‌مندی صحیح از امیال و غراییز انسانی.
 - مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب.
 - از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار.
- اکنون به توضیح برخی از فواید مذکور می‌پردازیم تا اثبات گردد حجاب از لوازم جدایی ناپذیر و ابزارهای اولیه و پایه‌ای جهت برقراری مداوم امنیت اجتماعی است.

ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه

نفس آدمی دریایی از خواستنی‌ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می‌شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلك و درد طاقت‌فرسایی، حجاب؛ داروی درمان‌کننده و موجود امنیّت و صفائ روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می‌گوید:

«سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان،

رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد».^(۱)

حفظ و استیفادی نیروی کار

اسلام با التفات ویژه به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می‌خواهد که محیط اجتماع از لذت‌های ناهنجار جنسی، پاک شده و راه را جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار بگشاید. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت‌های جنسی از محیط کار و قادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهمن زدن امنیّت اجتماعی آنان می‌گردد.^(۲)

۱. صبور اردوباری، ۱۳۶۶، ص ۲۱۹. ۲. مطهری، ۱۳۷۵، ص ۸۴-۹۴.

مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب

مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی ﷺ به جنگ فرهنگی متول شده گفت:

«إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ
الْفَسَادَ». ^(۱)

«می ترسم آین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین
فساد برپا نماید!».

یکی از جنبه‌های مهم تهاجم فرهنگی غربی‌ها مبارزه با حجاب و ازین بردن امنیت اجتماعی بوده و هست و این امر مشخصاً از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که تحت عنوان متحداً الشکل شدن، با حجاب به مبارزه برخاستند و پوشیدن لباس روحانیت را قدغن، و مجالس عزاداری امام حسین ﷺ را نیز منوع کردند.^(۲)

آنها همچین به عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتذال را ترویج دادند و حجاب را مانع اصلی این آزادی حقیقی معرفی کردند و امنیت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختند. حفظ حجاب و امنیت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت

۱. مؤمن: ۲۶.

۲. هاشمی رفسنجانی، انقلاب یا بعثت جدید: ص ۱۷.

مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می‌دهند:

- باعث تبلیغ فرهنگ، ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می‌گردند.

- جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیت‌های هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می‌شوند.

- حفظ حجاب نه تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می‌شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسؤولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می‌نماید.^(۱)

فایده‌ی حجاب در بُعد اقتصادی

استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط این که خود چادر مشکی دست‌خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضًا مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می‌گردد، به گونه‌ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و با وقار، به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح‌های چلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب

۱. دهقان، ص ۱۸۰ - ۱۸۲.

و پوشش تناسبی ندارند روی می‌آورند. یکی از دانشجویان محجبه درباره‌ی رواج فرهنگ‌مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است: یادم می‌آید آن وقت‌ها که حجاب نداشتیم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه‌ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی‌شدم فردا بپوشم! احساس می‌کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را به عاریه بگیرم و بپوشم، تامن هم بالباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم‌ها سلب کرده بود.^(۱)

علاوه بر فواید یاد شده، به طور فهرست‌وار فواید و آثار دیگری نیز برای حجاب و پوشش می‌توان نام برد، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- حفظ ارزش‌های انسانی؛ مانند عفت، حیا و متنانت در جامعه و کاهش مفاسد اجتماعی.

- هدایت، کنترل و بهره‌مندی صحیح و مطلوب از امیال و غراییز انسانی.

- تأمین و تضمین سلامت و پاکی نسل افراد جامعه.

حدود و ثغور حجاب در اسلام

یکی از مسائلی که مورد توجه است بحث فقهی حجاب یعنی حدود و ثغور آن است که نظریات مختلفی ارائه شده است اما آنچه موضع مشترک تمام فقهاء است که مستند به آیات می‌باشد، پوشش تمام بدن است که در موضوع آیات قرآن

۱. اردوباری، ۱۳۶۶، ص ۲۲۲.

و روایات مراحل آن همچون خمار، جلباب و... ارائه شد حال در این بخش نگاهی دقیق‌تر به بحث حدود حجاب و استثنایات آن خواهیم داشت.

استثنایات در رعایت حجاب

در این فصل با توجه به موارد متعددی که در هر دو کتاب درباره این عنوان وجود داشت صلاح دیده شد که در یک بخش جداگانه با آن پرداخته شود. در ضمن این بحث به مواردی که رعایت حجاب لازم هست و لازم نیست و تا چه حدی لازم است، نیز اشاره خواهد شد:

«وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْصُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَخْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
وَلَا يُبَدِّلْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ
عَلَى جُبُونِهِنَّ وَلَا يُبَدِّلْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ
أَوْ آبَاءِ بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ أَنَّائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِخْرَانِهِنَّ
أَوْ بَنِي إِخْرَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْرَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْرَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ
أَوْ مَا مَلَكْتُ أَيْمَانُهِنَّ أَوْ التَّابِعَيْنَ غَيْرِ أُولَئِي الْإِرْبَةِ مِنْ الرِّجَالِ
أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عَوْرَاتِ السِّنَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ
بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُعْنِيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا
أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».^(۱)

«و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فروگیرند، و دامان

خویش را حفظ کنند، وزینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهران‌شان یا پدران‌شان یا پدر شوهران‌شان یا پسران‌شان یا پسران همسران‌شان یا برادران‌شان یا پسران برادران‌شان، یا پسران خواهران‌شان، یا زنان هم‌کیش‌شان یا بردگان‌شان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید».

در این آیه همزمان دو استثنای کلی بیان شده است:
یکی برای خود زنان در اینکه تا کجا بدن و دست و موی خود را پوشانند؟

دوم اینکه برای چه کسانی حجاب بگیرند و برای چه کسانی لزومی ندارد؟

الف) استثناء وجه و کفین

در این که آیا حکم حجاب صورت و دست‌ها حتی از مچ به پائین رانیز شامل می‌شود یا نه، در میان فقهاء بحث فراوان است، بسیاری عقیده دارند که پوشاندن

این دو (وجه و کفین) از حکم حجاب مستثنی است، در حالی که جمعی فتوا به وجوب پوشاندن داده، یا حداقل احتیاط می‌کنند، البته آن دسته که پوشاندن این دو را واجب نمی‌دانند نیز آن را مقید به صورتی می‌کنند که منشا فساد و انحرافی نگردد، و گرنه واجب است.

همان‌گونه که در شان نزول نیز گفته‌ایم عرب‌ها در آن زمان روسی و مقنعه‌ای می‌پوشیدند که دنباله آن را روی شانه‌ها و پشت سر می‌انداختند به طوری که مقنعه پشت گوش آنها قرار می‌گرفت و تنها سر و پشت گردن را می‌پوشاند، ولی قسمت زیر گلو و کمی از سینه که بالای گریبان قرار داشت نمایان بود. اسلام آمد و این وضع را اصلاح کرد و دستور داد دنباله مقنعه را از پشت گوش یا پشت سر جلو بباورند و به روی گریبان و سینه بیندازند و نتیجه آن این بود که تنها گردی صورت باقی می‌ماند و بقیه پوشانده می‌شد.

ولی باز تأکید و تکرار می‌کنیم که این حکم در صورتی است که سب سوءاستفاده و انحراف نگردد. ذکر این نکته نیز لازم است که استثناء وجه و کفین از حکم حجاب مفهومش این نیست که جائز است دیگران عمدًا نگاه کنند، بلکه در واقع این یک نوع تسهیل برای زنان در امر زندگی است.

ب) لزوم رعایت حجاب زنان برای زنان غیرمسلمان

نهمین گروهی که مستثنی شده‌اند و زن حق دارد زینت باطن خود را در برابر آنها آشکار کند زنان هستند، منتهی با توجه به تعبیر نسائهنم (زنان خودشان) چنین استفاده می‌شود که زن‌های مسلمان تنها می‌توانند در برابر زنان مسلمان حجاب

را برگیرند، ولی در برابر زنان غیر مسلمان باید با حجاب اسلامی باشند و فلسفه این موضوع چنان که در روایات آمده این است که ممکن است آنها بروند و آنچه را دیده‌اند برای همسرانشان توصیف کنند و این برای زنان مسلمانان صحیح نیست.

ج) حجاب در برابر اطفال

«وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمُ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ اللَّهِ يَعْزِيزُ

مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».^(۱)

و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آنها بودند اجازه می‌گرفتند، این چنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است.

دوازدهمین گروهی که حجاب در برابر آنها واجب نیست، اطفالی هستند که از شهوت جنسی هنوز بهره‌ای ندارند. منظور اطفالی است که بر اثر عدم احساس جنسی نه توانایی دارند و نه آگاهی.

بنابراین اطفالی که به سنی رسیده‌اند که این تمایل و توانایی در آنها بیدار شده باید بانوان مسلمان حجاب را در برابر آنها رعایت کنند.

د) عدم لزوم حجاب در سالخوردهان

«وَالْفَوَاعِدُ مِنِ النِّسَاءِ الْلَا تِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَئِسَ عَلَيْهِنَّ
جُنَاحٌ أَنْ يَضْعُنَّ ثِيابَهُنَّ عَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ
خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». ^(۱)

«وزنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند گناهی بر آنها نیست که لباس‌های خود را بر زمین بگذارند به شرط اینکه در برابر مردم خود آرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند برای آنها بهتر است و خداوند شنوا و دانا است».

در این آیه مورد استثنایی برای حکم حجاب زنان بیان می‌کند وزنان پیر و سالخورده را از این حکم مستثنی می‌شمرد. در واقع برای این استثناء دو شرط وجود دارد:

نخست اینکه به سن و سالی برسند که معمولاً ^۱امیدی به ازدواج ندارند، و به تعییر دیگر جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده‌اند. دیگر اینکه در حال برداشتن حجاب خود را زینت ننمایند.

روشن است که با این دو قيد مفاسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام این حکم را از آنان برداشته است. این نکته نیز روشن است که منظور برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس‌ها نیست بلکه تنها کنار گذاشتن لباس‌های رو است که بعضی روایات از آن تعییر به چادر

و روسی کرده است. از آنجاکه ممکن است بعضی از زنان سالخورده از این آزادی مشروع سوء استفاده کنند، و احیاناً با مردان به گفتگوهای نامناسب پردازند و یا طرفین در دل افکار آلوده‌ای داشته باشند در آخر آیه به عنوان یک اخطار می‌فرماید: «خداؤند شنو و داناست».

علامه طباطبائی نیز در ذیل همین آیه می‌فرمایند:

«این آیه در معنای استثنایی است از عموم حکم حجاب، و معنایش این است که بر هر زنی حجاب واجب است الا زنان مسن، که می‌توانند بی‌حجاب باشند، البته در صورتی که کرشمه و تبرج نداده باشند. و جمله وَ أَنْ يَسْعَفُ فُنْ حَيْرٌ لَهُنَّ كَنَا يَهُ اسْتَ ازْ خَوْدِ بُوشِی، یعنی همین زنان سالخورده نیز اگر خود را پوشانند بهتر از برخene بودن است، و جمله وَ اللَّهُ تَسْبِيحُ عَلِيمٌ تعلیل حکمی است که تشریع کرده، و معنایش این است که خدا شنوا است آنچه را که زنان به فطرت خود درخواستش را دارند، و دانا است به احکامی که به آن محتاجند».

شرکت زن در مجتمع عمومی

اسلام به اهمیت و ارزش فوق العاده پاکی و لذوم قانونی بودن روابط جنسی زن و مرد چه به صورت نظر و چه به صورت لمس و چه به صورت شنیدن و چه به صورت همخوابگی توجه کامل دارد، به هیچ وجه راضی نمی‌شود با هیچ نام

و عنوانی خدشه‌ای برآن وارد شود، اما دنیای امروز این ارزش فوق العاده انسانی را نادیده گرفته است.

جهان امروز به نام آزادی زن، و صریح‌تر: «آزادی روابط جنسی» روح جوانان را سخت فاسد کرده است. به جای اینکه این آزادی به شکften استعدادها کمک کند، به شکل دیگر و به صورت دیگر غیرآنچه در قدیم وجود داشت، نیروها و استعدادهای انسانی راهدر داده است و می‌دهد. زن از کنج خانه بیرون آمده، اما به کجا رو آورده است؟ به سینماها، کنار دریاها، حاشیه خیابان‌ها، مجالس شب‌نشینی! زن امروز به نام آزادی، خانه را خراب کرده بدون اینکه مدرسه یا جای دیگر را آباد کرده باشد.

در اثر این بی‌بند و باری و دورافکنند قیود انسانی، از راندمان تحصیل جوانان کاسته شده، جوانان از تحصیل و مدرسه فراری شده‌اند، جنایت‌های عشقی فراوان شده، بازار سینماها رونق گرفته، جیب کارخانه‌داران مولد لوازم آرایشی پر شده، ارزش راقص‌ها و رقصه‌ها و کولی‌ها صد برابر دانشمندان و متفکران و مصلحان اجتماعی شده است.

مطلوب دیگر اینکه: اسلام با همه توجهی که به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد - همانطور که روش این آئین پاک خدائی است که یک آئین معبد و متعادل است و از هر افراط و تفریطی به دور است و امتش را «امت وسط» می‌خواند - از جنبه‌های دیگر غافل نمی‌شود. زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نمی‌کند. در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می‌کند، مانند حج که بر زن و مرد متساویاً واجب است و حتی شوهر حق ممانعت ندارد و در بعضی موارد به ترجیح اکتفا می‌کند.

چنان‌که می‌دانیم جهاد بر زنان واجب نیست، مگر وقتی که شهر و حوزه مسلمین مورد حمله واقع شود و جنبه صدرصد دفاعی به خود بگیرد. در این صورت همانطور که فقهاء فتوا می‌دهند بر زنان نیز واجب می‌شود،^(۱) ولی در غیر این صورت واجب نیست. در عین حال رسول خدا به برخی از زنان اجازه می‌داد که در جنگ‌ها برای کمک به سربازان و مجروهین شرکت کنند. قضایای زیادی در تاریخ اسلام در این زمینه هست.^(۲)

بر زنان واجب نیست که در نماز جموعه شرکت کنند مگر آنکه حضور به هم رسانند. بعد از حضور واجب است شرکت کنند و ترک نکنند.^(۳) بر زنان واجب نیست که در نماز عیدین شرکت کنند ولی از شرکت دادن ممنوع نمی‌باشند. برای زنان صاحب هیئت و جمال شرکت در این مجامع مکروه است.^(۴)

پیغمبر اکرم ﷺ زنان خود را با قید قرعه با خود به سفر می‌برد. بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند.^(۵)

پیغمبر اکرم ﷺ زنان را اجازه می‌داد که به خاطر حاجتی که دارند بیرون روند و کار خویش را انجام دهند. سوده دختر زمعه، همسر رسول خدا زنی بلند بالا بود. یک شب با اجازه رسول خدا از خانه به خاطر کاری بیرون آمد.

۱. رجوع شود به مسالک، اول کتاب جهاد.

۲. صحیح مسلم: ج ۵، ص ۱۹۶ - ۱۹۷؛ سنن ابو داود: ج ۲، ص ۱۷؛ جامع ترمذی: ص ۲۴۷.

۳. وسائل: ج ۱، ص ۲۴۵۶. ۴. همان: ج ۱، ص ۴۷۴۳.

۵. صحیح بخاری: ج ۷، ص ۴۳۰.

با اینکه شب بود عمر بن الخطاب سوده را به خاطر بلند بالائیش شناخت. عمر در این جهت تعصب شدیدی داشت و همواره به پیغمبر توصیه می‌کرد اجازه ندهد زنانش بیرون روند. عمر بالحن خشنی به سوده گفت: تو خیال‌کردی که ما ترانشناختیم؟! خیر شناختیم. پس از این در بیرون آمدن خود دقت بیشتری بکن. سوده از همانجا مراجعت کرد و ماجرا را به عرض رسول خدا رساند در حالی که رسول خدا مشغول شام خوردن بود و استخوانی در دستش بود. طولی نکشید که حالت وحی بر آن حضرت عارض شد. پس از بازگشت به حالت عادی فرمود:

«انه قد اذن لکن ان تخرجن لحوائجکن». ^(۱)

«اجازه داده شد به شما که اگر حاجتی دارید بیرون روید».

اختلاط زن و مرد در اسلام

اسلام در عین اینکه به زنان اجازه شرکت در مساجد را می‌دهد دستور می‌دهد به صورت مختلط نباشد، محل‌ها از یکدیگر جدا باشد. می‌گویند پیغمبر اکرم ﷺ در زمان حیات خویش اشاره کرد که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان مجزا باشد. روزی اشاره به یکی از درها کرد و فرمود: «لو ترکنا هذا الباب للنساء».

«یعنی خوب است این در را به بانوان اختصاص بدھیم».

۱. صحیح مسلم: ج ۷، ص ۶.

و نیز می‌گویند: پیغمبر اکرم دستور داد که شب هنگام که نماز تمام می‌شود، اول زن‌ها بیرون بروند، بعد مرد‌ها، رسول خدا خوش نمی‌گذاشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند. زیرا فتنه‌ها از همین اختلاط‌ها برمی‌خizد.

رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} برای اینکه برخورد و اصطکاکی رخ ندهد دستور می‌داد مردان از وسط، وزنان از کنار کوچه یا خیابان بروند.^(۱) یک روز رسول خدا در بیرون مسجد بود. دید مردان و زنان باهم از مسجد بیرون آمدند. به زن‌ها خطاب کرد و فرمود بهتر اینست شما صبر کنید آنها بروند. شما از کنار بروید و آنها از وسط.^(۲)

راستی اگر کسی بیمار دل نباشد تصدق می‌کند که راه اسلام راه معتمد و متعادلی است. اسلام در عین اینکه نهایت مراقبت را برای پاکی روابط جنسی به عمل آورده است، هیچ‌گونه مانعی برای بروز استعدادهای انسانی زن به وجود نیاورده است بلکه کاری کرده است که اگر این برنامه دور از هر افراط و تفریطی اجرا شود، هم روحیه‌ها سالم می‌ماند، و هم روابط خانواده‌ها صمیمی‌تر و جدی‌تر می‌گردد، و هم محیط اجتماع برای فعالیت صحیح مرد و زن آماده‌تر می‌شود.

اختلاط بی‌حد و مرز و فارغ از چارچوب‌های ارزشی و هنجاری جامعه،
صدمات جبران ناپذیری به نهاد خانواده خواهد زد مهمترن آسیب،

۱. کافی: ج ۵، ص ۵۱۸. ۲. سنن ابی داود: ج ۲، ص ۶۵۸.

ناشی از وضعیت فروپاشی حس اعتماد همسران درون یک خانواده نسبت به یکدیگر است که همین امر زمینه‌های روانی جدایی عاطفی همسران را فراهم می‌آورد که یکی از معضلات جدی امروز جوامع صنعتی و در حال توسعه می‌باشد. بررسی مبانی فقهی دین اسلام مؤثرترین عامل باز دارنده این وضعیت است و در صورت رعایت این شروط فقهی، سالم‌سازی محیط اجتماعی از پیامدهای این رویکرد است.

نه حبس و نه اختلاط

پیشرفت جوامع بشری، ارتباطات گستردگی، بهم ریختگی حریم خصوصی و حوزه عمومی در هم تبادلگی نظام‌های ارتباطی و کاری، اضمحلال شیوه تقسیم کار سنتی و ظهور شیوه‌های مدرن مدیریت اجتماعی، و توسعه نظام آموزشی و آکادمیک و برخورداری اکثریت جامعه زنان و حضور بی‌واسطه در جامعه به عنوان نیروی کار، جملگی اختلاط ضروری و اجتناب‌ناپذیر زن و مرد را فراهم آورده است. حال باید به این پرسش پاسخ داد که در مقابل این پدیده مبتلا به، دانش هنگاری مسلمانان چه حکمی را تجویز می‌نماید، برای پاسخ چند نکته باید در نظر گرفته شود تا سپس بتوان تصویر روشن‌تری از حکم ارائه داد:

- ۱ - در اندیشه شیعی، اجتهاد پویا مکانیزم فعالی برای توجه به عنصر زمان و مکان و در نظر گرفتن واقعیت‌ها و ضرورت‌هast.
- ۲ - مصلحت نیز مفهومی در خور لحاظ در مبانی فقهی ماست.

۳- اسلام دین اعتدال است و به هیچ وجه رویکردهای مکاتب و ادیان

دیگر در خصوص زنان را بر نمی تابد.

از آنچه مجموعاً بیان شد، معلوم گشت آنچه اسلام می‌گوید نه آن چیزی است که مخالفان اسلام، اسلام را بدان متهم می‌کنند، یعنی محبوسیت زن در خانه، و نه نظامی است که دنیای جدید آن را پذیرفته است و عواقب شوم آن را می‌بیند، یعنی اختلاط زن و مرد در مجامع حبس کلی زن در خانه، نوعی مجازات بود که به طور موقت در اسلام برای زنان بدکار مقرر شد.

«وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوهَا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوهَا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّأُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا».^(۱)

«زنانی از شما که مرتكب زنا می‌شوند، چهار شاهد بر آنان بگیرید. اگر چهار شاهد شهادت دادند به ترتیبی که به تفصیل در سنت بیان شده و فقه متصدی آن است آنان را در خانه حبس کنید تا عمرشان به پایان رسد یا خدا راه دیگری بر ایشان معین کند».

تفسران می‌گویند:

«مقصود اینست که اسلام، با اختلاط مخالف است نه با شرکت زن در مجامع و لو با حفظ حریم».

اسلام می‌گوید: نه حبس و نه اختلاط بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا^{علیه السلام} همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجتمع منع نمی‌شده‌اند ولی همواره اصل «حریم» رعایت شده است. در مساجد و مجتمع، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است.

فصل پنجم

بد حجابی؛ بررسی، آثار و راهبردها

- بررسی پدیده بد حجابی
 - تاثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی بر نوع پوشش
 - ارزش‌های نو و مسئله پوشش
 - زمینه‌های طبیعی و روان‌شناسی تمایل به بد پوششی
 - بایسته‌ها و ضرورت‌ها
- آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بد حجابی
 - الف) آثار و پیامدهای فرهنگی
 - ب) آثار و پیامدهای اجتماعی
- راهبردهای گسترش فرهنگ حجاب

بررسی پدیده بدهجایی

پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان با رابطه علی - معلومی بررسی کرد و به نتیجه مقرن به واقع رسید. چون پدیده‌های اجتماعی از عوامل و دلایل متعددی سرچشمه می‌گیرند بجای بررسی علی - معلومی پدیده‌های اجتماعی باید فرایند تأثیر - تأثر را بررسی نمود. پدیده بدهجایی نیز از این دسته مقولات است که با فرمول ریاضی یا علم تجربی نمی‌توان علل العلل مشخصی برای آن پیدا کرد. بسترها فرهنگی، اجتماعی، ساخت اقتصادی و سیاسی و رسانه و عوامل متعدد دیگری می‌تواند در خلق این فرایند اجتماعی تأثیرگذار باشد. لذا در این فصل از مقاله یکی از صاحب‌نظران در حوزه زنان استفاده کرده‌ایم که با رصد دقیق موضوع و رویکرد مسأله محور به آسیب‌شناسی پدیده حجاب پرداخته است. و با بررسی دقیق مسائل، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توانسته است به ترسیم نوینی از موضوع «بدهجایی» دست یابد که تقریباً ترکیبی جامع از بسترها، دلایل و عوامل بدهجایی را بدست آورده است. در این فصل بخش عمده مقاله «نظام اسلامی و مسائل پوشش زنان» که در کتابی به همین عنوان منتشر شده، می‌آید تا خوانندگان محترم به تحلیل دقیق‌تری از موضوع بدهجایی دست یابند.

تأثیر تحولات اجتماعی و اقتصادی بر نوع پوشش

یکی از مهم‌ترین دلایل بدحجابی تغییر در ساختارهای جامعه است؛ برای مثال تغیراتی که با ظهور انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمد، در حوزه فرهنگ منجر به ترویج مفاهیمی چون قناعت، دیگرگرایی و خدمت به خلق، ترجیح مصالح اجتماعی بر منافع شخصی، معنویت‌گرایی و بی‌توجهی به زخارف دنیوی شد. سادگی در پوشش و آرایش، روحیه از خودگذشتگی و ایثار، فرهنگ حاکم بر توده مردم بود و در نقطه مقابل، کسانی که در سلوک اجتماعی متمایز از توده مردم بودند، تحقیر می‌شدند. در این شرایط، صبر در برابر مشکلات و کنترل نفس در مقابل احساس نیازهای مالی، جنسی و رفتاری افزایش یافت؛ چنان‌که مقاومت اجتماعی نیز در برابر سختی‌های عمومی بیشتر شد. در این حالت فضای عمومی جامعه همسو با افرادی بود که ساده‌تر و عفیفانه‌تر می‌پوشیدند و اگر شخصی در مقابل بدحجابی‌ها عکس العمل منفی نشان می‌داد، مورد حمایت معنوی قرار می‌گرفت؛ از این‌رو ناهیان از منکر احساس قدرت و گناهکاران احساس ضعف می‌کردند. مسئول دفتر مطالعه و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم با بیان این که مهم‌ترین تحول کشور پس از اتمام جنگ، عزم به ایجاد تحول در ساختارها براساس الگوی توسعه بود، یادآور شد: در الگوهای توسعه، می‌توان به وضوح حاکمیت اقتصاد آزاد بر حوزه فرهنگ و سیاست را مشاهده کرد. سرمایه‌داری روح حاکم بر مدرنیته است و به همین دلیل، در فرهنگ مدرن -که تار و پود الگوهای توسعه محسوب می‌شود - اقدار و توسعه هر جامعه به تولید ثروت

و از دیاد مصرف تفسیر می‌شود. به همین دلیل شاخص‌های رشد فرهنگی و اجتماعی به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که برآیند آن، توسعه تجارت آزاد و گسترش بازارهای مصرف باشد. نتیجه حاکمیت این نگاه، آن است که ارزش‌های اجتماعی به سمت دنیاگرایی، حرص به مصرف، رقابت بر سر احراز مناصب قدرت و ثروت، تقویت حس خودنمایی و توجه به خود، تغییر مسیر می‌دهد و مفاهیمی چون قناعت، مانع دستیابی به آرمان‌های توسعه تلقی می‌شود و مردم به ارضای تمایلات شخصی - که زمینه‌ساز مصرف بیشتر است - دعوت می‌شوند و بالطبع نسبت به سرنوشت یکدیگر نیز تغافل می‌ورزند. اگر در گذشته، جامعه ما به مثابه عنصری متشکل از مولکول‌های به هم پیوسته بود، جامعه جدید به تعبیر اریک فروم بر اتم‌ها (افراد) استوار است؛ جامعه‌ای متشکل از ذرات کوچکی به نام فرد که از هم بیگانه‌اند؛ گرچه با هم در ارتباطند.

وی همچنین افزود: از آنجاکه تسلیم شدن انسان در برابر تمایلات نفسانی، اساس مصرف‌گرایی است، می‌توان انتظار داشت که در جامعه مصرفی، تمایل به بدپوشی و سهل‌انگاری در برقراری رابطه دو جنس نیز بیشتر مشاهده شود. در این جا نقش علوم اجتماعی و روان‌شناسی لیبرال، که با تعریف انسان مطلوب، به انسانی که آزادانه به امیال خویش می‌پردازد، زمینه را برای دور شدن از اصول اخلاقی و تمایل به مصرف فراهم می‌کنند، نمی‌توان از نظر دور داشت. به طور کلی از آنجاکه روح حاکم بر مدرنیته، سرمایه‌داری و ارزش‌های موردنظر آن، اقتدار و ثروت است، توجه به هویت جنسی و نقش‌های جنسیتی

به نفع این ارزش‌های ننگ می‌بازد و زن و مرد یکسان به سمت احراز موقعیت‌های اقتدارساز و ثروت‌آفرین دعوت می‌شوند.

ارزش‌های نو و مسئله پوشش

بدون شک مسائلی چون اشتغال زنان و طرح مسائلی درباره حقوق زنان، برابری آنان با مردان و... بر تمایل به تغییر نوع پوشش اثر داشته است. ترویج ارزش‌های نو، این احساس را به قوت در جامعه زنان زنده می‌کند که زنان چون در طول تاریخ از موقعیت‌های اقتدارآفرین و از منابع ثروت دور بوده‌اند، فرودست هستند و باید به احراز این موقعیت‌ها اهتمام ورزنند.

مفهوم «برابری» در معنای خاص آن که زدودن تمام تفاوت‌ها و محرومیت‌های جنسیتی و احراز موقعیت‌های مشابه با مردان است، در شرایط جدید ارزشمند تلقی می‌شود و نظام آموزشی رسمی، رسانه‌های ملی و محلی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، همگی بر آن مهر تأیید می‌زنند و نظام تحریکات هم، زن و مرد را به همین سمت می‌کشانند. در این حالت، هویت جنسی دختران به درستی شکل نمی‌گیرد و احساس برابری سبب می‌شود او لائقش‌های یکسان را طلب کنند و ثانیاً بر آموزه‌هایی که تفاوت‌های حقوقی را تبیین می‌کند، خرد بگیرند و علیه قوانین موجود، واکنش نشان دهند؛ از سوی دیگر مفهوم شادکامی که در فرهنگ مسلط، جایگزین زندگی متعهدانه شده است، سبب می‌شود نسل جوان بر هرچه شادکامی فردی آنان را محدود می‌کند، غضبناک شوند. از این‌رو می‌توان دریافت که چگونه عفاف در ساختار فرهنگی

و اجتماعی نوین، خود را با ارزش‌های نظم نوین هماهنگ می‌کند. در ابتدای راه، مدیران بر حضور حداکثری زنان در مناصب اجتماعی و اقتصادی، با حفظ حجاب و رعایت عفاف، تأکید و قوانین تشدید‌کننده‌ای را نیز وضع می‌کنند، اما از آنجاکه ساختارهای حاکم، بستر رشد فضایل اخلاقی و عفاف نیست و انگیزه‌های خود نگهداری را روز به روز تضعیف می‌کند، آن‌چه در جامعه بیشتر به چشم می‌خورد، عفاف ریاکارانه، یعنی رعایت ضوابط به قصد محبوبیت بیشتر و دسترسی آسان‌تر به مناصب است؛ اما رفته‌رفته حساسیت‌های مدیران - که خود نیز تحت تأثیر تغییرات ارزشی است - رنگ می‌بازد و آثار سهل‌انگاری در حجاب نمایان‌تر می‌شود. در اینجا ابتدا حساسیت برای اعمال ضابطه حجاب کم می‌شود و با وجود تأکید بر رعایت قانون، در عمل، اجرای آن با اغماس همراه می‌شود؛ اما رفته‌رفته مسئولان نیز این باور را اعلام می‌کنند که اجبار، در حجاب تأثیری ندارد و یا آن‌که حجاب، مسئله‌ای شخصی است و عفاف نیز به حالتی درونی تفسیر می‌شود که البته هیچ نمای بیرونی در جهت‌دهی به روابط زن و مرد و آراستگی در پوشش نخواهد داشت. از سوی دیگر، تغییر در ساختارهای سیاسی و حرکت به سمت ایجاد فضای باز سیاسی، تنش‌زدایی در عرصه بین‌الملل و همنوایی با مجامع بین‌المللی - که به ویژه در دهه هفتاد بر طبل آن کوییده شد - سبب شد نهادهای دولتی و غیردولتی به ترویج مفاهیم رایج در عرصه بین‌المللی از جمله آزادی، حقوق بشر و برابری زن و مرد پردازند و مفاد معاهدات بین‌المللی، از جمله کنوانسیون محوکلیه اشکال تعیض علیه زنان را ترویج کنند که این مفاهیم نیز خود بستر تمایل به ضابطه گریزی در

رفتار و پوشش را ترویج می‌کرد. به گفته وی، در چنین شرایطی که ساختارها به سمت و سویی دیگر فرا می‌خوانند، زندگی عفیفانه حرکت برخلاف جریان رودخانه است و بسته به میزان تأثیرات ساختاری، رعایت عفاف مسئولانه مشکل و مشکل‌تر می‌شود. در این شرایط، اقداماتی که توسط نیروی انتظامی یا برخی قوای دیگر و تحت فشار اقلیت مؤثر بر تصمیمات انجام می‌پذیرد، به دلیل آن که قادر نیست مسیر انتظارات و مطالبات عمومی را تغییر دهد و ارزش‌های جدیدی بیافریند، نتیجه را کم اثر می‌کند و گاه نیز -از قضا- تأثیراتی معکوس بر جای می‌گذارد.

زمینه‌های طبیعی و روان‌شناسی تمايل به بدپوششی خصلت احساسی - عاطفی زنان و تفوق روحیه احساسی بر روحیه عقلانی و محاسبه‌گریکی از خصوصیات مهم زنان است که در تکمیل و تکامل نهاد خانواده مهمترین نقش را ایفا می‌کند و بهمین جهت است که زنان بیشتر در پی تسخیر مردان هستند. اگر دغدغه اصلی مردان تسخیر طبیعت است، دغدغه زنان، تسخیر انسان‌ها و نفوذ در دیگران، به ویژه مردان است. تمايل به زینت‌آرایی، اهتمام به جلب توجه مرد و نفوذ در قلب وی در متون اسلامی به صراحةً بیان شده است. این غریزه آنگاه که در خدمت مصالح خانواده و تقویت رابطه زناشویی قرار گیرد، کارآیی ویژه‌ای برای زن می‌سازد و آنگاه که در روابط اجتماعی و بدون مدیریت صحیح، بروز کند مشکلات زیادی می‌آفیند. از نگاه اسلام برای هدایت این غریزه و کنترل آن، تدبیری اندیشیده

شده است که بخشی از این تدابیر، تکوینی و بخشی تشریعی است. دست خلقت، حیای بیشتری به زن ارزانی کرده است و نظام تربیتی اسلام با توصیه به کم کردن زمینه‌های اختلاط و خودنمایی و رعایت حریم میان زن و مرد، ترغیب زن به خودآرایی در برابر همسر و تجویز خودآرایی در برابر همجنّس، سعی کرده است این نیاز طبیعی را زمینه‌ای برای نشاط فردی و خانوادگی قرار دهد. به نظر می‌رسد ارضا نشدن این نیاز طبیعی، به شکل مشروع، می‌تواند زمینه را برای بروز آن به اشکال دیگر فراهم آورد. از آنجاکه میل به خودنمایی زنانه ضرورتاً منشاء جنسی ندارد، نمی‌توان بر بدپوشی زنان به‌طور حتم انگک انحراف جنسی زد؛ اما می‌توان فهمید که چگونه نظام سرمایه‌داری با توجه به این ویژگی روان شناختی توانسته است روابط زن و مرد را به سمت توسعه مصرف، مدیریت کند.

ضعف خانواده در هدایت و نظارت

کوچکترین نهاد اجتماع خانواده نام دارد. خانواده نهادی است که در آن نقش‌پذیری فردی و اجتماعی، تقسیم‌کار، مسؤولیت‌پذیری، آشنایی با نقش‌های محول و انتظارات و بسیاری از خصوصیاتی که در حوزه اجتماعی تبدیل به کارکرد یا نقش می‌شوند وجود دارد و فرد در یک خانواده بصورت اکتسابی آن را می‌آموزد و درونی می‌سازد البته این کارکرد مخصوص خانواده‌های سنتی است در خانواده امروزی بهم ریختگی حریم خصوصی و حوزه عمومی و رنگ باختن اهمیت و قداست خانواده باعث شده است که ضعف نظارتی و کنترلگری خانواده یکی از دلایل پدیده‌های ناهنجار اجتماعی باشد.

خانواده امروز را دو مسئله مهم رنج می‌دهد. اول آن که احساس می‌کند چون گذشته، اقتدار و ابتکار عمل را در دست ندارد و گویا توسط دشمنان بیرونی خود، محدود و ناتوان می‌شود؛ از این‌رو زمانی که پدران و مادران متدين و دلسوز، برنامه‌هایی برای اصلاح فرزندان در نظر دارند، اغلب احساس می‌کنند که نه طایفه به حمایت آنان برمی‌خیزد، نه رسانه‌ها موقعیت والدین را در خانه، به عنوان کانون اقتدار، مسئولیت و هماهنگی، تثییت می‌کنند، نه مدرسه به کمک آنان می‌شتابد و نه حتی سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی به آنان میدان می‌دهند. لذا رفتارهای احساس مسئولیت والدین نسبت به آتیه فرزندان کم رنگ می‌شود و به این نتیجه می‌رسند که نباید در شئونات فرزند دخالت کنند.

از سوی دیگر، صرف نظر از مشکل فوق، خانواده با ضعف‌هایی مواجه است که توانمندی‌اش را در کنترل و اصلاح اخلاقی و رفتاری همسران و فرزندان با چالش مواجه می‌کند. امروزه خانواده چون گذشته، مصرف‌کننده آموزه‌های تربیتی دینی نیست و مرجع پاسخ‌گویی به نیازهای علمی خانواده، نهادهایی هستند که نه تنها از آموزه‌های وحیانی ارتزاق نمی‌کنند که بر مبانی الحادی بنا شده‌اند. هم‌اکنون خانواده نسبت به حضور و موقعیت رسانه‌هایی در جمع خود رضایت می‌دهد که از مهم‌ترین عوامل تحریک جنسی و بدآموزی‌های اخلاقی‌اند. روابط جنسی همسران نیز در بسیاری موارد به رفع نیازهای طبیعی آنان نمی‌انجامد و این خود سبب بروز هرچه بیشتر رفتارهای نابهنه‌نگار در محیط اجتماعی می‌شود. غیرت‌ورزی که در گذشته می‌توانست سد دفاعی محکمی در برابر تعرضاًت بیرونی و سهل‌انگاری‌های درونی باشد،

به شدت رنگ باخته و جای خود را به تسامح و تساهل داده است. مهارت آموزی‌های مناسب برای جامعه‌پذیری فرزندان انجام نمی‌شود و حساسیت والدین نسبت به انتقال ارزش‌های اخلاقی به نسل آینده، چون گذشته نیست. در این جایز رسانه‌ها موضوع شکاف میان نسلی را به گونه‌ای مطرح کرده‌اند که پدران و مادران را نسبت به عدم دخالت در شؤونات فرزندان، به این بهانه که آنان برای زمانی دیگر ساخته شده‌اند، متلاطف کنند. به وضوح می‌توان ضعف خانواده را معلول تغییرات ساختارها ارزیابی کرد.

تأثیر فناوری رسانه‌ای به نوع پوشش

عصر حاضر، عصر ارتباطات است که همین سرعت و پیچیدگی و پیشرفت ارتباطات منجر به پدیداری مفهوم دهکده جهانی از سوی مک‌لوهان شد. خصوصیت این عصر بیماران اطلاعات داده‌ها و دانش‌های است که فرصت خوبی را برای بهره‌مندی انسان معاصر فراهم می‌آورد اما معرفت‌شناسی این وضعیت به همین اندازه خوب نیست بلکه با اتكاء به مبانی معرفتی خود و جایگزینی «الذت» بجای «سعادت» مهم‌ترین فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی به مسلح برده شده‌اند و عصر رسانه آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره جامعه و سنت‌های حاکم آن وارد آورده است. حال نقش رسانه در بدهجایی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اگر مقایسه‌ای میان تمایل به بدپوشی و ورود تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای (ویدئو، ماهواره و اینترنت) به درون خانواده‌ها انجام دهیم، به نتایج

مفیدی دست خواهیم یافت. استفاده از ویدئو از ابتدای دهه شصت رواج یافت؛ ماهواره از اوایل دهه هفتاد به خانواده‌ها وارد شد و اینترنت از اوخر دهه هفتاد؛ لذا تأثیرات این ابزارهای رسانه‌ای به ویژه ماهواره و اینترنت را بر اخلاق عمومی نسل جوان و افزایش تحریک‌پذیری جنسی آنان نمی‌توان از نظر دور داشت. هم‌اکنون لوح‌های فشرده (DVD و CD) شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و پایگاه‌های اینترنتی چند تأثیر مهم بر جای می‌گذارند. بسیاری از برنامه‌ها به صورت خودآگاه و متعمدانه، تابوشکنی در مسائل اخلاقی را مورد اهتمام قرار می‌دهند و جوانان را به انواع روابط نامشروع و غیرعادی جنسی از ارتباط با محارم تاریخی جنسی گروهی و همجنس‌گرایی و سکس با حیوانات و اشیافرا می‌خوانند. تأثیر این برنامه‌ها علاوه بر حریم‌شکنی، از میان برداشتن حیا و غیرت و ایجاد هیجانات جنسی و تمایل به انجام اقدامات متھورانه است. تماشای این برنامه‌ها، اعتیادی در جوانان ایجاد می‌کند که گریز از آن، مثل غله بر اعتیاد به مواد مخدر مشکل است و این افراد بیش از دیگران به خشونت جنسی و انجام عملیات غیرمعارف و بی‌باکانه، حتی در اماکن عمومی روی می‌آورند.

روش‌های نادرست در دفاع از حجاب

روش‌هایی که بهنام دین در دفاع از حجاب به اجرا درآمده، گاه خود از عوامل گریز از حجاب بوده است. به کارگیری روش‌های خشن و غیرمشروع و بدون نظارت و هدایت حکومت به ویژه در اوایل انقلاب توسط گروهی از متدينان، فقدان سیاست‌های ثابت و روشن، تأثیرپذیری برنامه‌ها و سیاست‌ها از وضعیت

سیاسی به ویژه در زمان نزدیکی به انتخابات و نیاز به آرای عمومی و ناهمانگی مسئولان مربوط، در تجربی جوانان مؤثر بود؛ چنان‌که وضع قوانینی که به ویژه نوجوانان را بیش از آن چه منظور شارع بود، در تنگنا قرار می‌داد، در تنفر از حجاب تأثیر داشت؛ برای مثال لزوم رعایت حجاب در مدارس دخترانه‌ای که محل تردید نامحرم نیست، به ویژه در زمین ورزشی که بدن‌گرم‌تر و در حال حرکت بیشتری است، می‌تواند به نارضایتی از حجاب بینجامد. از سوی دیگر می‌توان ناهمانگی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌ها را که از یک سو بر رعایت حجاب پای می‌فشارد و از سوی دیگر زمینه‌های شوق به کشف حجاب را دامن می‌زند، مورد اشاره قرار داد. در دهه اخیر، هم بر سیاست رعایت حجاب در میدان‌های ورزشی بانوان پافشاری می‌شود و هم بر حضور بانوان در عرصه‌های بین‌المللی. گرچه کوشیده‌ایم تا وامود کنیم هیچ منافاتی میان این دو سیاست نیست و بانوان ما در عرصه‌های بین‌المللی با حفظ حجاب برای ایران افتخار می‌آفرینند، اما تجربه شخصی دختران ورزشکار در بسیاری رشته‌ها، از جمله قایقرانی، کاراته، ورزش‌های رزمی، والیبال و بسکتبال، آنان را به این جارسانده است که رعایت حجاب از عوامل ناکامی در این میدان‌های ورزشی است. اگر شعارزدگی و فقدان مطالعات کارشناسانه در حوزه‌های تصمیم‌گیری نبود، پیش‌بینی این قبیل تعارضات که بالاخره اقتضائات خود را بر مسئولان تحمیل می‌کند، چندان غیرقابل پیش‌بینی نبود.

مدیریت احساسات نسل جوان

با بررسی اجمالی آسیب‌ها و عوامل بدحجابی باید راه کارهایی نیز برای رفع این معضلات ارائه نمود. یکی از راهکارهای مؤثر در این خصوص سیستم مدیریتی و برنامه‌ریزی است. در سیستم مدیریتی و برنامه‌ای ما، مخاطب اصلی بسیاری از برنامه‌ها نسل جوان‌اند؛ بدون آن که مطالعات کافی در زمینه روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تحولات شخصیتی نسل جوان در دهه‌های اخیر، آرمان‌ها، الگوهای و مطالبات آنان انجام شود. امروزه بسیاری احساسات می‌کنند نسل جوان ما تا حدودی پریشان و سردرگم، کم حوصله، بازی‌گوش و غفلت زده است و معمولاً برای گوش سپردن به اندرزها فرصت و حوصله کافی ندارد و در مقابل مشکلات، خویشنداری مناسبی از خود نشان نمی‌دهد؛ اما علل و عوامل اصلی تغییرات هویتی در نسل جوان، معمولاً مورد مطالعه قرار نگرفته است. به راستی آیا با تغییرات شخصیتی در نسل جوان مواجهیم یا آن که رفتار جوانان صرفاً عکس‌العملی طبیعی در مقابل سیاست‌ها و برنامه‌های ماست که ممکن بود در هر زمان دیگری هم رخ دهد؟ آیا نسل جوان ما در معرض آموزه‌های متعارض قرار گرفته و احساس تعارض می‌کند؟ به گونه‌ای که از یک سو به سمت آموزه‌های مدرنیته فراخوانده می‌شود و از سوی دیگر به حفظ احکام شریعت و رعایت اخلاق اسلامی دعوت می‌شود؟ آیا تقویت حس متفاوت بودن و مورد توجه قرار گرفتن - که از ویژگی‌های جوانی است - آنان را به انتخاب پوشش‌های متنوع و خودنمایی سوق می‌دهد؟ آیا احساس برخورداری از حق انتخاب با انتظار نظام به رعایت پوشش به شکل اجباری، حس مقاومت را در

آنان ایجاد یا تشدید کرده است؟ و آیا تبدیل شدن حجاب به پرچم مبارزه سیاسی، حس هیجان طلبی نسل جوان را به مقاومت سیاسی در برابر حجاب برانگیخته است؟ دههای پرسش از این دست پیش روی ماست و تا پاسخی مناسب برای آن نیاییم، به موفقیت نخواهیم رسید. آن چه مسلم است آن که برنامه‌ها باید هم جهت باکرامت نفس و عزتمندی جوان باشد؛ تا حد ممکن به درونی کردن ارزش‌ها برای آنان بیندیشیم تا میان حفظ ارزش‌ها و انتخابگری، تا حد ممکن همراهی ایجاد شود. دیگر آن که نظام اسلامی باید قدرت خود را در تعریف و برجسته کردن آرمان‌هایی برای نسل جوان به کارگیرد که مصلحت فرد و جامعه را تضمین کند.

اصلاح نظام آموزشی

از آن‌جاکه نظام آموزشی و پژوهشی رسمی و غیررسمی، از عوامل مهم تغییر در نظام ارزشی و فاصله‌گرفتن نسل جوان از جغرافیای باور دینی است، اصلاحات بنیادین در آن ضروری به نظر می‌رسد. نظام آموزش رسمی با نادیده گرفتن جنسیت، دختر و پسر را یکسان آموزش می‌دهد و همین نکته به اختلال در هویت جنسی آنان می‌انجامد. بنابراین دختر و پسر تصویری صحیح از خود به عنوان یک جنس خاص ندارند و نمی‌توان آنان را به ایفای مطلوب نقش‌های خاص فراخواند. از پیامدهای بی‌توجهی به هویت جنسی آن است که دختران به ایفای نقش‌ها و رفتارهای مردانه ترغیب می‌شوند و علیه آموزه‌هایی که آنان را به حفظ استانداردهای رفتاری خاص - در پوشش و آرایش و چه در حضور

اجتماعی - فرا می خواند، می شورند. از سوی دیگر نظام آموزشی نسبت به ارزش‌های اخلاقی هم چون عفاف و حیا و نیز نسبت به خانواده چنان که باید، حساس نیست. لازم است علاوه بر اصلاح جنسیتی نظام آموزشی رسمی، پرورش شخصیت اخلاقی جوانان، مبتنی بر تقویت اراده، کرامت نفس و خویشتن‌داری، از مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی قرار گیرد و بدین منظور، نگاه ما به مقوله پرورش باید اصلاح شود.

هم‌اکنون مقوله پرورش در نهادهای رسمی از دو مشکل مهم برخوردار است: اول آن که تفکیک موضوع پرورش از آموزش و بی‌توجهی به بعد پرورشی آموزش پیامدهایی را تحمیل کرده است و دوم آن که برخلاف ایده بنیان‌گذاران، از ابتدا، نگاهی تخصصی بر امور پرورشی حاکم نبوده است؛ ضمن این که نه مریبان از میان نخبگان انتخاب می‌شدند و نه آموزش‌های آنان نشان از حاکمیت نگاه تخصصی داشته است. از این‌رو و انجمن خانه و مدرسه بیش از آن که نهادی در خدمت کارآمدی دوطرفه نظام خانواده و نظام آموزشی باشد، در خدمت تأمین هزینه‌های اقتصادی مدرسه قرار گرفت. حمایت‌های ضعیف مالی و علمی از مریبان پرورشی هم به وضوح بیانگر نگاه مدیران به مقوله پرورش و حد انتظارات آنان است.

تحول در رسانه‌های عمومی

قدم اول در اصلاح وضعیت موجود، تغییرات ساختاری در نهادهای فرهنگی کشور از جمله وزارت ارشاد و صدا و سیماست. مناسب آن است که تقسیمات

حوزه‌ای و معاونتی به جای آن که براساس ابزار هنری تنظیم شود (معاونت سینمایی، معاونت تئاتر و هنرهای نمایشی، معاونت موسیقی و...) براساس مخاطبان و یا نهادهای مهم تنظیم شود (معاونت جوانان، معاونت خانواده، معاونت زنان) که در این صورت، دغدغه اصلی هر معاونت تولید محصولات فرهنگی برای رفع نیاز مخاطبان است نه ضرورتاً تولید بیشتر فیلم‌های سینمایی یا قطعه‌های نمایشی؛ و یا آن که در این نهادها اتفاق‌های فکر و گروه‌های طرح و برنامه، خلاصه ناشی از ابزارگرایی را به نفع توجه به مصالح اقسام مختلف، پرکنند. در مرحله بعد سیاست‌های رسانه ملی در موضوع عفاف که مشتمل بر سیاست‌های عام در کل برنامه‌ها و سیاست‌های ویژه که صرفاً در بخش فیلم و سریال، مسابقه و سرگرمی، طنز و یا برنامه‌های دیگر جریان می‌یابد، تدوین می‌شود. سپس در هر بخش به ویژه در گروه فیلم و سریال، سرگرمی و مسابقات، گروه‌های کارشناسی، مرکب از کارشناسان حوزه‌های مختلف، از جمله اخلاق و تربیت، آسیب‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی و کارشناس علوم دینی گردهم می‌آیند تا اولاً مهم‌ترین مضامون اجتماعی قابل بحث در رسانه را - که گروه عالی کارشناسی در طرح و برنامه سازمان تعیین و نیازهای اصلی را مشخص کرده است - به مرحله کاربرد نزدیک کنند؛ ثانیاً در چند مرحله (پس از تدوین طرح، فیلم‌نامه، فیلم و برنامه‌های دیگر) آن را ملاحظه و رای کارشناسی خود را انشا کنند تا شناسنامه فرهنگی و هنری برای هر برنامه تنظیم و صرفاً برنامه‌ای که واجد امتیاز لازم است، اجازه اکران یابد و ثالثاً پس از نمایش برنامه، بازخورد آن را بررسی و نکات تکمیلی را برای اصلاحات آتی ذخیره کنند و البته حمایت مالی از هر برنامه و از هر بخش به میزان امتیازاتی باشد که تیم کارشناسی در نظر گرفته است.

بایسته‌ها و ضرورت‌ها

نخست، توجه به این نکته دارای اهمیت است که بدپوشی به مشابه آسیب اجتماعی در پیوند با دیگر مسائل اجتماعی و معلول عوامل کم و بیش مشترکی است. از این‌رو هر طرحی که با جداسازی این پدیده در صدد اصلاح وضعیت حجاب، بارویکردی انتزاعی و تجزیه‌گرایانه باشد، پیشاپیش محکوم به شکست است و یکی از علل شکست طرح‌ها و برنامه‌هایی که تاکنون اجرا شده، در همین موضوع نهفته است. بنابراین نیازمند تدوین طرحی جامع هستیم که با نگاهی کلان و مبتنی بر شناخت علل و عوامل مشترک و علل و عوامل خاص بدپوشی، بتواند سیاست‌های محتوازی، روشی، سازمانی و انسانی را به درستی ارائه کند؛ جایگاه متخصصان حوزه‌های علمی را هم در مرحله تبیین و تحلیلی و هم در مرحله سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت مشخص کند؛ جایگاه نهادهای مختلف حکومتی و نسبت میان آن‌ها را به وضوح تعیین؛ استعدادهای مردمی، اعم از حوزه‌های علمیه، سازمان‌های مردم نهاد، هیئت‌های مذهبی و رسانه‌های گروهی را شناسایی و در نسبتی معنادار با حکومت تعریف کند و بتواند به‌طور مستمر، نارسانی‌های موجود در عملکرد نهادها را تحلیل و به شکل پویا، پیوسته خود را ترمیم کند.^(۱)

۱. برگرفته از کتاب «نظام اسلامی و مسئله پوشش زنان».

آثار و پیامدهای فرهنگی - اجتماعی گسترش بدهجایی

فرهنگ هر جامعه‌ای از جنبه‌های گوناگونی تشکیل یافته است. جنبه‌های هنگاری فرهنگ جامعه، از ارزش‌ها و قواعد خاص رفتاری تشکیل می‌شود. هنگارها نشان می‌دهند که چه چیزی ارزش و ضدارزش است؛ مانند شیوه‌های پوشش برگرفته از فرهنگ آن جامعه. تلقی بد از بدهجایی، باور به ارزشی بودن حجاب و پوشش و قضاوت درست درباره حجاب، در زندگی اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسزایی می‌گذارد.

قبل از هر چیز باید فرهنگ را تعریف کنیم تا آثار و پی‌آمدات گسترش فرهنگ بدهجایی روشن شود. معروف‌ترین تعریف از فرهنگ از «تاپلور» نسان‌شناس معروف انگلیسی است. او می‌گوید:

«فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که دانش، معتقدات، هنر، اخلاقیات، قانون، رسم و هر استعداد و عادت دیگری را که بشر به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند، شامل می‌گردد».

«کلارک» نیز می‌گوید:

«تمامی مظاهر و شئون زندگی یک ملت را فرهنگ آن ملت تشکیل می‌دهد».

بنابراین، رفتارهای اجتماعی معجونی از آن چه جامعه از علم و دانش، باورها و مسائل اخلاقی کسب می‌کند و قوانینی است که از دین و آیین افراد سرچشمه می‌گیرد. در کنار این‌ها، برخی رسوم و عادات اجتماعی، در طول زمان

سهم بسیاری در شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه دارند که هسته اصلی حیات اجتماعی را به وجود می‌آورند و در الگوهای رفتاری و هنجارهای فردی و اجتماعی بسیار تأثیرگذارند.

الف) آثار و پیآمدهای فرهنگی بدحجابی

۱- از خود بیگانگی فرهنگی

داد و ستد فرهنگی مفید است، بلکه برای هر جامعه ای لازم به نظر می‌رسد. تجربه نشان داده که تعامل یا تبادل فرهنگی از عوامل بالندگی و پویایی جوامع است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید:

«در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. ولی در تهاجم فرهنگی، هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است».

اما در دنیای کنونی، فرهنگی که قادر نباشد عناصر فرهنگی مفید را جذب و عناصر غیر مفید را دفع کند و در الگوهای مختلف اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشد، فرهنگ مهاجم با الگودهی آن را تخریب می‌کند؛ ارزش‌ها و هنجارهای آن را نادیده می‌انگارد و با غلبه و تهاجم، ارزش‌ها و الگوهای موردنظر خویش را جای‌گزین می‌کند تا در این ره‌گذر به اهداف خود دست یابد. بنابراین، فرآیند بدحجابی، مقدمه تهاجم گسترده‌تر به فرهنگ مقابل و شکستن هنجارها و جای‌گزین ساختن هنجار موردنظر فرهنگ مهاجم

است. چنین جامعه‌ای به نظر «اسپنسر» جامعه‌شناس معروف، قدرت دفاعی خود را از دست می‌دهد و در مقابل بیماری‌ها، قدرت مقابله و دفاع ندارد و با ورود کوچک‌ترین عامل مخرب، از بین می‌رود. احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و بی‌هویتی اجتماعی، زمینه‌ساز پذیرش تهاجم فرهنگی است. بنابراین، جامعه‌ای که دچار تهاجم فرهنگی گردد و تغییرات اجتماعی در آن سریع صورت گیرد، ارزش در آن جامعه ناپایدار است و هنجارشکنی در آن مرسوم می‌شود و در برابر فرهنگ بیگانه همیشه از خود واژگی نشان می‌دهد و در نتیجه، بحران‌زا می‌گردد. سوغاتی که بدحجابی به همراه دارد، تنها پوشش نامناسب نیست؛ بلکه ترویج لباس‌های نامناسب، بزک کردن‌ها و... را به دنبال دارد. در نتیجه، افراد متحمل بسیاری از الگوهای دیگر از فرهنگ بیگانه می‌شوند.

۲- سلطه‌پذیری

هر جامعه‌ای در پی آن است که به ارزش‌های خود پاییند و جامعه خود را از فرهنگ‌های بیگانه مصون نگه دارد تا افراد از سلامت و ثبات لازم برخوردار باشند. چنین جامعه‌ای سریع تر می‌تواند به اهداف خود برسد و آرمان‌های خود را عملی سازد. بنابراین، استعمارگران در جایی که بیینند جامعه‌ای مطابق با منافع، اهداف و خواسته‌های آنها پیش نمی‌رود. برای رسیدن به منافع خود و چپاول آن، غیرمستقیم طرح‌هایی می‌ریزنند تا افراد را مشغول و سرگرم کنند و به اهداف شوم خود برسند. مانند ترویج بدحجابی و بی‌حجابی است. در طرح استعماری

انگلستان به مأموران خود چنین آمده است:

«باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی، ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنت نیست. مردان همسران پیامبر را بدون حجاب می‌دیده‌اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشته‌اند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت، وظیفه مأموران ما آن است که جوانان را به عشق‌بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند».

۳- گسترش فساد و تباہی

ارزش‌های جامعه، آن دسته از عوامل و عناصری هستند که اکثریت یک جامعه به اعتبار و اهمیت آنان ایمان دارند و بدان‌ها ارج می‌گزارند. در جامعه‌ای که حجاب، متنant، عفت و حیا ارزش تلقی می‌شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود، به بیشن و باور خویش سراپت می‌دهد و از طرفی نه تنها زنان دیگر بلکه مردان را نیز به ارزش‌های جامعه متوجه می‌سازد و جامعه را به سلامت و ارزش‌های واقعی سوق می‌دهد. اما اگر زن، روش‌ها و منش‌های خود را تغییر دهد و به خودنمایی و آرایش‌های ظاهری پردازد، ارزش‌هایی چون حجاب و حیا و وقار را خدشه‌دار می‌کند و خود و اجتماع را به تباہی و فساد و بالآخره به ضد ارزش‌ها می‌کشاند.

امیرالمؤمنین علی عَلِیٌّ می فرماید:

«يَظْهُرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ هُوَ سُرُّ الْأَزْمَنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ
عَارِيَاتٌ مُتَبَرِّجَاتٌ مِنَ الدِّينِ خارِجَاتٌ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتُ
مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ مُسْرِعَاتٌ وَ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِلَّاتُ
الْمُحْرَمَاتٍ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ». ^(۱)

«در آخرالزمان که بدترین زمانهاست، زنانی هستند که پوشیده امّا برنهاند و از خانه با خودآرایی بیرون می‌آیند. اینان از دین بیرون رفتهاند و در فتنه‌ها وارد شده و به شهوت تمایل پیدا کردهاند و به کوی لذات نفسانی درشتابند و حرامها را حلال می‌دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتارند».

۴- افت تحصیلی و آموزشی

دختران و پسران اگر در کنار تحصیل، دل مشغولی‌های دیگری داشته باشند، از تحصیل باز می‌مانند و وقت زیادی از فرصت‌های مطالعاتی و تحصیلی آنان به هدر می‌رود. بسیاری از مشاوران از صحبت‌های دختران و پسران جوان درباره مدهای روز و آرایش‌های جدید گله‌مند هستند. نمی‌خواهیم بگوییم دختران و پسران باید در دانشگاه‌ها کاملاً از هم جدا باشند و دیواری بین آنها

۱. وسائل الشیعة: ج ۲۰، ص ۳۵.

کشیده شود. اگر این‌ها فضای آموزشی را رعایت کنند و محیط را محیط درس بدانند و از آن‌چه برازنده فضای آموزشی نیست پرهیز کنند، بسیار تحسین برانگیز خواهد بود. به گفته مریان تربیتی، در مدارسی که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و بی‌مسئولیتی به خوبی مشاهده شده است. زیرا دختران در چنین محیطی، با بدحجابی توجه دیگران را به خود جلب می‌کنند و تمرکز ذهنی و روحی را از آنان می‌گیرند و باعث افت تحصیلی آنان می‌شوند و خود نیز دیگر حوصله درس خواندن ندارند و تمام حواس‌شان به لباس و نوع پوشش است. روح مطالعه و تحقیق در آنها خاموش می‌شود و افت تحصیلی پیدا می‌کنند.

۵- تضعیف اعتقادات دینی در جامعه

جامعه‌ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در سایه ایمان، در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌ماند و دشمنان نمی‌توانند در صفوف آن رخنه کنند و نقشه‌های آنان نقش بر آب می‌شود. این جامعه که دل به خدا سپرده و سرانجام زندگی را رسیدن به خالق خود می‌داند، دل به دیگری نمی‌سپارد و عقاید خود را متزلزل نمی‌کند. در این جامعه، حجاب و پوشش جزء احکام مسلم دین و مذهب به شمار می‌رود و زنان حاضر نمی‌شوند خود را به زینت‌های زودگذر و دنیایی مزین کنند و در پرتو آن عقاید دیگران را متزلزل نمایند و خود نیز زمینه‌ساز فساد در جامعه شوند.

تظاهر به بدحجابی نشانه پای بند نبودن و بی مبالاتی فرد به احکام و اعتقادات اسلامی است؛ زیرا زنان با بدحجابی، چشم‌های هوس آلود را متوجه خود می‌سازند و پایه‌های ایمانی مردم را سست می‌کنند و جامعه را به فساد می‌کشانند. «هیچ راهی برای امریکا و ابرقدرت‌ها بهتر از این نیست که بدون جنگ و کشتار و بدون این که پولی خرج کنند و حساسیتی ایجاد نمایند، ایمان را از دل‌های مردم بذدند و بزدایند. این کار به سادگی انجام می‌شود؛ با فیلم‌ها، نمایش نامه‌ها و چیزهایی از این قبیل به نام پیشرفت علم و... هیچ راهی بهتر و موفق‌تر از این وجود ندارد». و می‌دانیم که باورها و ایمان‌های راسخ نقش بسزایی در بالندگی زندگی جامعه ایفا می‌کنند و زمانی که ایمان به سستی گراید، نفوذ دشمن و به انحراف کشیدن آن جامعه به راحتی صورت می‌پذیرد.

ب) پیامدهای اجتماعی بدحجابی

۱- تهدید امنیت روانی جامعه

آرامش و امنیت والاترین نعمتی است که خداوند به جامعه عنایت می‌فرماید و می‌توان گفت، اگر جامعه‌ای فاقد آن باشد به یک معنا، هیچ چیز ندارد و با وجود امنیت، همه چیز دارد. سلامت جسمی و روحی روانی جامعه در سایه امنیت حفظ می‌شود و خلاقیت و نوآوری بروز می‌کند.

در جامعه‌ای که بدحجابی رواج پیدا کند، چشم و هم چشمی‌ها و ارائه هرچه بهتر زینت آرایی، تمامی نخواهد داشت و زنان سعی می‌کنند تا چشمان بیشتری را متوجه خود سازند و در معرض دید همگان فرار گیرند و این امر

تمامی نخواهد داشت تا جایی که تمام افراد جامعه را آلوده سازد. در نتیجه، ناامنی نه تنها دامان خود بدحجاب را می‌گیرد بلکه خیلی سریع به اجتماع سرایت می‌کند و جامعه را از فعالیت‌های سالم باز می‌دارد.

بسیاری از کجرویی‌های گوناگون اجتماعی مانند مدگرایی، شورش‌ها و درگیری‌های خیابانی، ناهمنوای اجتماعی و آزارهای جنسی، از بدحجابی و بی‌هویتی اجتماعی سرچشمه می‌گیرند.

زنان بدحجاب که به نمودهای ظاهری و تجمل و تنوع می‌پردازند و هر روز به سراغ اسباب آرایش و زیورآلات جالب‌تر و کفش و لباس شیک‌تر می‌روند، از سرمایه‌های معنوی محروم‌ند و جمال معنوی برای آنان نامفهوم است. اینان کمبود خویش را بدین‌گونه جبران می‌کنند و عطش شخصیت‌یابی را از این طریق فرو می‌نشانند».

۲- اخلاق‌زادایی اجتماعی

بدحجابی علاوه بر این که خود یک ناهنجار اجتماعی به شمار می‌آید و جامعه را به بی‌بند و باری می‌کشد، زمینه‌ساز بسیاری از زشتی‌های اخلاقی است. وقتی به پوشش و متانت بی‌اعتنایی می‌شود، مسائل اخلاقی دیگر هم از جامعه رخت بر می‌بندد. بدلباسی، بداخل‌لاقی به دنبال دارد، چنان که مدپرستی، هوایپرستی می‌آورد. جامعه‌ای که هر روز مددجیدی را به شکل‌های گوناگون پذیرد، دچار بسیاری از بیماری‌های اخلاقی چون غرور، تکبر، عصیان، قساوت قلب و فخرفروشی خواهد شد. هرگاه جامعه‌ای به انجام دادن گناه

جسارت پیدا کرد و مفاسد و معاصی رواج پیدا کرد، زشتی گناه از بین می‌رود و این خود گناه بزرگتری است. یعنی جامعه‌ای که گناه را گناه نداند، به سبب رواج زیاد و همگانی شدن آن، سقوط خواهد کرد. بنابراین، بددحجابی قبح و زشتی گناه را از بین می‌برد و باعث رواج گناهان دیگر می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَ آمَا الْلِيَاسُ يَحْمِلُكَ عَلَى الْعُجُبِ وَ الرِّباءَ وَ التَّزْبِينِ
وَ التَّسْفَاحُ وَ الْخُيَلَاءِ فَإِنَّهَا مِنْ آفَاتِ الدِّينِ وَ مُورِئُهُ
الْقُسْوَةُ فِي الْقُلُوبِ». ^(۱)

«لباست، لباسی نباشد که تو را به گناه خود پسندی، ریا، آراسته نشان دادن، مبهات به دیگران، فخر فروشی و تکبر، آلوده کند که تمام این‌ها از آفات دین و موجب سختی دل است».

بدحجابی موجب سوءظن نیز می‌گردد. پوشش، نشانه ترس از خدا و آتش جهنم است و زن با حجاب، خود را به احکام الهی پای بند می‌داند. از آن طرف زنان بدحجاب به راحتی احکام الهی را زیر پا می‌گذارند و بی‌مبالاتی خود را به موازین اسلامی اعلام می‌دارند. چنین زنانی در معرض گناه هستند و افراد جامعه به آنها گمان بد می‌برند و زمینه این گناه را تنها زنان بدحجاب به وجود می‌آورند. پس زنان پاک دامن و با عفاف، باید کاری کنند که در معرض تهمت قرار نگیرند.

۱. شهید ثانی، رسائل: ص ۱۱۷.

۳- کمرنگ شدن حضور مثبت زنان در جامعه

زن در بسیاری از جوامع در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... شرکت می‌کند و سهم بسزایی در این زمینه‌ها دارد. بنابراین، حضور زنان در جامعه امری انکارکردنی نیست و روز به روز به این فعالیت‌ها اضافه می‌شود و زنان دوش به دوش مردان در تمامی زمینه‌ها به فعالیت می‌پردازند. حال آیا پوشش می‌تواند بر حضور زن در جامعه تأثیر داشته باشد یا خیر؟ پاسخ بسیار روشن است؛ زیرا اسلام همان‌گونه که به اختلاط مرد و زن نامحرم هشدار داده و آنان را از پی‌آمد های بد و زشت آن بازداشته است، به پوشش و حجاب او توجه خاصی داشته تا حضور او را در جامعه حفظ و سلامت نفسانی جامعه را تضمین کند.

زنان بدحجاب در محل کار، به دلیل خودآرایی و خودنمایی، تمرکز فکری لازم را از دست می‌دهند؛ در حالی که لازمه کار و تلاش جدی در محل کار، حضور قلب و تمرکز حواس است. زن با بدحجابی و آرایش، نه تنها به کار جدی نمی‌پردازد، بلکه نیروی کارآمد دیگران را نیز دچار سستی و رکود می‌سازد. در نتیجه، که چرخه فعالیت کاری جامعه را به کندی رهمنمون می‌سازد. از طرفی خانواده‌هایی که غیرت‌دینی بالایی دارند، از حضور دختران و زنان خود در چنین جامعه‌ای نگران هستند و نخواهند گذاشت حضور پر شور آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند. در نتیجه، جامعه ضرر خواهد کرد و بخش بزرگی از نیروهای کاری را از دست خواهد داد.

۴- اختلال روابط جنسی و عاطفی

پوشش و حجاب، نه تنها باعث سلامت اخلاقی جامعه و پایبندی به هنجارهای دینی می‌شود، بلکه زمینه بروز و شکل‌گیری بزه کاری‌های جنسی را به حداقل می‌رساند و اعضای جامعه رانیز به سوی تشکیل خانواده، تنظیم روابط جنسی و عاطفی و قاعده‌مند کردن آن سوق می‌دهد.

حجاب باعث می‌شود فاصله‌های اجتماعی محفوظ بماند و رعایت شود، یعنی هر کسی نمی‌تواند با دیگران هر نوع تعاملی را برقرار سازد. لذا پوشش، تعامل‌ها را الگودار و معنادار می‌سازد. این ویژگی مانع نزدیک شدن غریبه‌ها و در نهایت ارتباط جنسی می‌شود. رعایت حجاب و پوشش مناسب، افراد را از بزرگ‌ترین نعمت یعنی آزادی برخوردار خواهد ساخت؛ زیرا زنان اجازه نخواهند داد کسی بدون اجازه، به حریم شخصی و خصوصی شان نزدیک شود. بنابراین اگر افراد پاک و پاکدامن و جامعه سالم می‌خواهیم، باید زنان ما پوشش را کاملاً رعایت کنند؛ چنان‌که امیر مؤمنان ﷺ در نهج البلاغه به فرزندش امام حسن عسکری می‌فرماید:

«وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَنْقَى عَلَيْهِنَّ». ^(۱)

«از راه حجاب و پوشش بانوان آنها را بیوشان؛ زیرا رعایت حجاب به‌طور جدی و محکم، زنان را به‌طور سالم‌تر و پاک‌تر حفظ خواهد کرد».

۱. کافی: ج ۵، ص ۳۳۸.

۵- افزایش آزار جنسی

زنان و دختران با پوشش نامناسب در فعالیت‌های اجتماعی، به جوانان و مردان بزهکار اجازه خواهند داد تا به حریم آنان تجاوز کنند و مورد اذیت و آزار خود قرار دهند. نقطه شروع بسیاری از ناهنجاری‌ها، مزاحمت‌ها و بی‌احترامی‌های است که افراد جامعه برای یک دیگر به وجود می‌آورند و بدحجابی عامل بسیار مهمی در ایجاد این مزاحمت‌ها بهشمار می‌آید، دختران بزرگ کرده با پوشش‌های زنده و گاه بسیار تهییج کنده، در جامعه خود را ارائه می‌نمایند تا شاید نگاه‌های آلوده بیشتری را به خود جلب کنند و از این طریق، حس خودآرایی و خودنمایی را به نحوی ارضا کنند، ولی این سوابی بیش نیست و عاقبت پشیمان خواهند شد که دیگر راه بازگشت نخواهد داشت.

جامعه‌ای که بخواهد ثبات امنیتی بیشتری داشته و از ناهنجاری‌ها به دور باشد، باید خود را از عواملی که باعث ناهنجاری و بزه می‌شود، دور نگه دارد و حجاب بهترین وسیله‌ای است که زنان و دختران را از آزار جنسی محافظت می‌کند.

۶- هوس بازی

شهوت از غراییزی بهشمار می‌آید که خداوند در آدمی قرار داده است. شهوتی که باعث بقای نسل و ساماندهی زندگی و حیات می‌شود، آرامش و آسایش را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و آثار بسیار مطلوبی در جامعه خواهد داشت. اما اگر از مسیر اصلی خود منحرف شود و در سمت و سویی

دیگر قرار گیرد، آثار بسیار بدی برای فرد و جامعه دارد. بدحجابی از مسائلی است که غریزه شهوت را از سیر خود منحرف می‌سازد. زنان بدحجاب، نگاه‌های آلوده مردان هوس باز را به خود جلب می‌کنند و آتش شهوت را در دل آنان شعله‌ور می‌سازند. بهویژه در جامعه‌ای که بیشتر افراد آن جوان هستند، نگاه‌های شیطانی به سوی دختران بزرگ کرده و بدحجاب جامعه را به فساد و تباہی رهنمون می‌سازند.

آری، در جامعه‌ای که چشم‌چرانی بر اثر بدحجابی رواج پیدا کند، بسیاری از گناهان در آن جامعه رواج پیدا می‌کند و سرانجام، جوانان چشم‌چران بر اثر این گناه خانمان‌سوز، زندگی بسیاری از دختران معصوم و ساده لوح را بر باد می‌دهند و آبروی خانواده‌ها را به ارزانی می‌فروشند و زندگی‌ها را سست می‌کنند و سرمایه عفت و پاک دامنی را از بین می‌برند.

۷- اختلالات روحی و روانی

اختلال روحی و روانی از آثار ناگوار بدحجابی در جامعه است. برخی از دختران و زنان، براساس نیاز ذاتی خود برای جلب رضایت محیط و توجه بیشتر بینندگان، به خودآرایی و جلوه‌گری و ارائه پوشش غیرمعارف می‌پردازند و افکار خود را در بعد تمایلات و تخیلات موهم، تقویت می‌کنند. بنابراین، پوشش و حجاب ناقص فشارهای فراوانی را بر روح و روان افراد وارد می‌سازد. چنین افرادی همیشه در پی آنند که خود را به گونه‌ای ارائه دهند که افکار و نگاه‌های آلوده و هوس‌انگیز را به خود جلب کنند و شخصیت خود را با خواسته‌های دیگران همگون سازند. این خواسته‌ها محدود نیست و وقتی

دختران نتوانند خود را مطابق خواست‌ها ارائه دهند. افراد جامعه ثبات روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و امید‌ها و آرزوها به نامیدی می‌گردند.

شهید مطهری^{علیه السلام} می‌فرماید:

«روح بشر فوق العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان می‌کنیم تحریک‌پذیری روح بشر، محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. همان‌طور که بشر در ناحیه ثروت و مقام، از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در امور جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان وبالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدندی است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها که به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیمارهای روانی می‌گردد. چرا در دنیای غرب این همه بیماری‌های روانی زیاد شده است؟ علت‌ش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود».^(۱)

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدر، ۱۴۲۰ ق.

اگر بتوان از لحاظ پوشش، الگوی مناسبی به جامعه ارائه داد، سلطه‌ای آگاهانه به افراد جامعه پیدا خواهیم کرد و جامعه را از بی‌ارادگی و بی‌اختیاری نجات خواهیم داد. اما با بدبختی، به افراد جامعه اجازه داده‌ایم که هرگونه می‌خواهند، برای پوشش خود تصمیم بگیرند و مدل‌های متنوع را جای‌گزین کنند و دل‌های را به سمت و سوی انحرافات اجتماعی سوق دهند که در این صورت، اداره و اختیار از افراد جامعه گرفته می‌شود و جامعه‌ای که از خود اراده‌ای نداشته باشد، اختلالات روحی و بیماری‌های روانی به سراغ آن خواهد آمد و به منجلاب کشیده خواهد شد. بدبختی زن در جامعه، سبب نقش بازی کردن او در اسلوب‌ها و مدل‌های گوناگون می‌شود. این اعمال او را به صورت موجودی بی‌اختیار و بی‌اراده، به هر طرف می‌کشد و دیگر بر زندگی اش تسلط آگاهانه نخواهد داشت. در زندگی و اعمال خود، نظر دیگران را ترجیح می‌دهد که برای جلوگیری از این امور منفی، حجاب بهترین درمان می‌باشد.

۸- تزلزل نهاد خانواده

تشکیل نهاد خانواده، مقدس‌ترین پیوند زناشویی است. برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب خانوادگی مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. اگر زن لذت‌های جنسی خود را از محیط خانواده بیرون نبرد و دستورهای اسلام را اطاعت کند، محیط خانه سالم و آرام‌بخش خواهد بود. ولی اگر عفت را رعایت نکند و لذت‌های جنسی و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشاند، مورد نگاه‌های هوس‌آلود نامحرمان قرار خواهد گرفت و ناخواسته عامل پاشیدگی و تیرگی روابط افراد خانواده خواهد شد.

وقتی اختلافات زن و شوهر در محاکمه‌های قضایی، را ریشه‌یابی می‌کنیم، پی‌می‌بریم که بسیاری از ناسازگاری‌ها به دلیل رعایت نکردن حجاب است. وقتی زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود، چشم‌ها، به سوی او نشانه می‌روند و او هم دل باخته و فریغته چشم چرانان می‌شود و کم‌کم از نگاه‌های شوهرش لذت نمی‌برد و از او سرد می‌شود و سرانجام باعث جدایی می‌گردد. گاهی همین امر از طرف شوهر صورت می‌گیرد. بر اثر چشم چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود به دختران و زنان بدحجاب، از همسرش دل سرد می‌گردد و لذات‌ها و محبت‌هایش در بیرون از خانه صرف می‌شود. در نتیجه، بنای ناسازگاری با همسرش شروع می‌شود و تیرگی بر کانون خانواده سایه می‌افکند.

بنابراین، برای حفظ نظام خانواده و به وجود آوردن محیطی سالم و فرزندان پاک رعایت حجاب ضروری است و باید بالاترین امنیت، یعنی امنیت ناموسی، در خانه حاکم شود. از طرفی بدیهی است، اگر خانواده سالم باشد و پوشش را رعایت کند، جامعه که از اجتماع خانواده‌ها تشکیل شده، سالم و پایدار خواهد ماند. در جامعه‌ای که بیشتر اعضای آن را جوانان تشکیل می‌دهند باید در برابر این فرآیند حساس‌تر باشند؛ زیرا جوانان در برابر مناظر شهوت‌انگیز و تهییج‌کننده، زودتر تحریک می‌شوند و چنین مناظری عامل مهمی در سوق دادن آنان به فساد خواهد شد. در نتیجه، نیروی فعال اجتماع به راه‌های فساد و تباہی کشانده می‌شوند و به جامعه ضربه جبران‌ناپذیری از جهات اقتصادی مادی، اجتماعی و اخلاقی وارد خواهد شد.

آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش بی‌حجابی و بدحجابی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به‌طور مدام بالا رفته است؛ چراکه هر آن چه دیده بیند دل کند یاد و هرچه دل در این جا یعنی هوس‌های سرکش، بخواهد، به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید.

به امید روزی که بتوان جامعه را به زیور عفاف و حجاب مزین کرد و از بدحجابی رهانید.^(۱)

راهبردهای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف

- ۱ - توسعه فرهنگ کنکاش و تفکر در مفاهیم دینی توسط جوانان به منظور پذیرش درونی و قلبی و عمل به آنها؛
- ۲ - اتخاذ تدابیر مناسب جهت جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی شایسته نظیر مدیران، معلمان و استادی معتقد و عامل به رعایت حجاب و عفاف در کلیه مراکز اداری و آموزشی؛
- ۳ - تبیین آموزه‌های دینی درخصوص ضرورت رعایت اصول حیا و عفت مناسب با قابلیت‌ها و ویژگی‌های زنان و مردان و ایجاد تعادل در روابط اجتماعی آنها؛

۱. آثار و بی‌آمدهای فرهنگی - اجتماعی بدحجابی، محمدحسین درافشان.

- ۴- احیا و ترویج سنت حسنہ امر به معروف و نهی از منکر؛
- ۵- ارتقای سطح آگاهی جوانان درخصوص ارتباطات صحیح انسانی و اخلاقی بین آنها و حفظ حدود عفاف و حجاب در جامعه و خانواده؛
- ۶- تبیین دیدگاه اسلام درخصوص عفاف، پوشش، حجاب و ضرورت بیان، فلسفه، احکام و دستاوردهای مثبت رعایت آن در جامعه مناسب با شرایط سنتی جوانان و نوجوانان با شیوه‌های جذاب؛
- ۷- توجه دادن به رعایت و نیز باور پوشش نه به عنوان یک اجبار اجتماعی بلکه به عنوان یک ارزش انسانی، دینی، معنوی و یک باور قلبی جهت مصونیت از زشتی‌ها و آسیب‌های اجتماعی؛
- ۸- افزایش آگاهی والدین نسبت به رعایت حجاب و عفاف خصوصاً در خانواده و نقش الگویی آنان در این امر؛
- ۹- اهتمام جدی نهاد خانواده نسبت به تأمین نیازهای عاطفی و شخصیتی فرزندان به ویژه دختران و تأثیر آن در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی آنها؛
- ۱۰- تبیین نقش عفاف و حجاب در تقویت هویت ملی و فرهنگی جوانان و تأثیر آن بر استقلال فرهنگی و سیاسی کشور؛
- ۱۱- تقویت روحیه تعادل در جوانان در رویکرد آنان به مدگرایی و بیان مستدل و منطقی اثرات و پیامدهای مدگرایی افراطی و پرهیز از تقلید کورکورانه از مدهای غربی و تقویت مدگرایی ملی؛
- ۱۲- تبیین ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و نشانه‌های روشن از وجود حجاب و پوشش در ادیان الهی و جوامع دارای سابقه تاریخی و تمدن فرهنگی؛

- ۱۳ - زمینه‌سازی اجتماعی مناسب برای دختران و پسران جهت کشف، هدایت و بروز قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و تأمین مطالبات خود به منظور جلوگیری از بروز جلوه‌گری‌های نامناسب در حیطه فرهنگ عفاف و حجاب؛
- ۱۴ - اختصاص بخشی از موضوعات تحقیقاتی به بررسی زمینه، علل و موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و بررسی تأثیرات محصولات فرهنگی کشور بر این موضوع؛
- ۱۵ - توسعه فعالیت‌های بنیادهای ازدواج به منظور جلب مساعدت دولت و خیرین در امر ازدواج جوانان؛
- ۱۶ - ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و توانمندی‌های جوانان جهت توسعه طرح‌های خوداشتغالی و آشنایی با بازارکار و زمینه‌های مختلف فعالیت به عنوان زمینه‌ساز ازدواج، تشکیل خانواده و نهایتاً توسعه فرهنگ عفاف؛
- ۱۷ - اهتمام جدی مراکز فرهنگی و کلیه رسانه‌های کشور نسبت به ارائه الگوی مطلوب از عفاف و حجاب در محصولات فرهنگی خود (فیلم، سریال، تئاتر و...) و پرهیز از ایجاد تضاد و تناقض برای جوانان در این امر؛
- ۱۸ - جذب، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی آگاه و عامل به مبانی دینی عفاف و حجاب در برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی؛
- ۱۹ - جهت‌دهی و تقویت امر عفاف و حجاب با استفاده از قابلیت‌ها و ظرفیت سازمان‌ها، احزاب، تشکل‌های غیردولتی و هیئت‌های مذهبی در کشور؛

۲۰ - سازماندهی مبلغان آشنا به اصول و مبانی فرهنگ عفاف و حجاب به روش‌های صحیح تبلیغ و استفاده بهینه از آنها در مجتمع دینی و خودجوش مردمی؛

۲۱ - نظارت دقیق و همه جانبه در امر تولید و نشر کتاب، مطبوعات و مجلات سینمایی درخصوص رعایت حریم عفاف و حجاب از نظر محتوایی و شکلی؛

۲۲ - تبیین ضرورت رعایت حجاب و عفاف توسط زنان و مردان در برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی و هنری و پرهیز از یک‌سونگری؛

۲۳ - الگوسازی و ایجاد گرایشات عمیق و پایدار نسبت به امر حجاب و عفاف از طریق معرفی سیره عملی معصومین علیهم السلام، بزرگان علمی و ادبی و فرهنگی، منطبق با مقتضیات زمان و مکان و شرایط سنی جوانان؛

۲۴ - تبیین عدم مغایرت پوشیدگی، حجاب و عفاف با حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان و رفع شبهه تعارض بین آن دو؛ تربیت و توسعه نیروی انسانی مؤمن، کارآمد و آشنا به مسائل فرهنگی - تبلیغی در امر عفاف و حجاب و پرهیز از برخوردهای خشن، فیزیکی و تحریق‌آمیز با متخلفین؛

۲۵ - هماهنگی و وحدت رویه مستمر و پایدار در برخورد با ناهنجاری‌های فرهنگی توسط دستگاه‌های مختلف در چارچوب قانون؛

۲۶ - توسعه و تنوع بخشی به الگوهای مناسب حجاب و تبلیغ آن توسط رسانه‌ها به منظور اقناع روحیه تنوع‌طلبی و حس زیباشناختی جوانان ضمن ترویج و تشویق چادر به عنوان حجاب برتر و پرهیز از تحمیل و اجباری کردن یک الگوی ثابت از حجاب؛

۲۷ - اتخاذ تدابیر لازم جهت تولید و توزیع اقلام مورد نیاز جامعه در رعایت حجاب؛

۲۸ - ایجاد زمینه تبادل فرهنگی ملل اسلامی از طریق ارائه الگوهای نمادهای پارچه و لباس ایرانی - اسلامی؛

۲۹ - تهیه مقررات لازم برای جلوگیری از واردات پارچه و لباس غیر مناسب با فرهنگ عفاف و حجاب.

فصل ششم

سؤالات و شبكات حجاب

افزایش التهاب ها

رکود فعالیت ها

حجاب و اصل آزادی

حجاب و عقلانیت

افزایش التهاب‌ها

ایرادی که بر حجاب گرفته‌اند اینست که ایجاد حریم میان زن و مرد بر اشتیاق‌ها و التهاب‌ها می‌افزاید و طبق اصل «الانسان حریص علی ما منع منه» حرص و ولع نسبت به اعمال جنسی را در زن و مرد بیشتر می‌کند. به علاوه، سرکوب کردن غرائز موجب انواع اختلال‌های روانی و بیماری‌های روحی می‌گردد.

در روانشناسی جدید و مخصوصاً در مکتب روانکاوی «فروید» روی محرومیت‌ها و ناکامی‌ها بسیار تکیه شده است. «فروید» می‌گوید:

«ناکامی‌ها معلول قیود اجتماعی است و پیشنهاد می‌کند که تا ممکن است باید غریزه را آزاد گذاشت تا ناکامی و عوارض ناشی از آن پیش نیاید.»

«برتراند راسل» در صفحه ۶۹ و ۷۰ (ترجمه فارسی) کتاب «جهانی که من می‌شناسم» می‌گوید:

«اثر معمولی تحریم، عبارت از تحریک حس‌کنجکاوی عمومی است. و این تأثیر، هم در مورد ادبیات مستهجن و هم در موارد دیگر مصدق پیدا می‌کند... اکنون برای اثر

تحريم مثالی می‌زنم: فیلسوف یونانی «امپد کل» جویدن برگ‌های شجره الغار را خیلی شرم آور و زشت می‌پنداشت. او همیشه جزع و فزع می‌کرد از اینکه باید ده هزار سال به علت جویدن برگ درخت غار در ظلمات خارجی (دوزخ) به سر برد. هیچ وقت مرا از جویدن برگ غار نهی نکرده‌اند و من هم تاکنون برگ چنین درختی را نجویده‌ام ولی به «امپد کل» تلقین شده بود که باید این کار را بکند و او هم برگ درخت غار را جوید.

سپس در جواب این سؤال که: «آیا شما عقیده دارید انتشار موضوع‌های منافی عفت علاقه مردم را به آنها زیاد نمی‌کند؟».

جواب می‌دهد: «علاقه مردم نسبت بدان‌ها نقصان می‌یابد. فرض کنید چاپ و انتشار کارت پستال‌های منافی عفت مجاز و آزادگردد. اگر چنین چیزی بشود این اوراق برای مدت یک سال یا دو سال مورد استقبال واقع شده سپس مردم از آن خسته می‌شوند و دیگر کسی حتی به آنها نگاه هم نخواهد کرد.».

پاسخ این ایراد اینست که درست است که ناکامی، بالخصوص ناکامی جنسی، عوارض وخیم و ناگواری دارد و مبارزه با اقتضا غرائز در حدودی که مورد نیاز طبیعت است غلط است، ولی برداشتن قیود اجتماعی مشکل را حل نمی‌کند بلکه بر آن می‌افزاید.

در مورد غریزه جنسی و برخی غرائیز دیگر، برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می‌میراند ولی طبیعت را هرزه و بی‌بند و بار می‌کند. در این مورد هرچه عرضه بیشتر گردد هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد.

اینکه «راسل» می‌گوید:

«اگر پخش عکس‌های منافی عفت معجاز بشود پس از مدتی مردم خسته خواهند شد و نگاه نخواهند کرد. درباره یک عکس بالخصوص و یک نوع بی‌عفتنی بالخصوص صادق است، ولی در مورد مطلق بی‌عفتنی‌ها صادق نیست یعنی از یک نوع خاص بی‌عفتنی خستگی پیدا می‌شود ولی نه بدین معنی که تمايل به عفاف جانشين آن شود بلکه بدین معنی که آتش و عطش روحی زبانه می‌کشد و نوعی دیگر را تقاضا می‌کند. و این تقاضاها هرگز تمام شدنی نیست».

خود «راسل» در کتاب زناشوئی و اخلاق اعتراف می‌کند که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است. آنچه با ارضاء تسکین می‌یابد حرارت جسمی است نه عطش روحی.

بدین نکته باید توجه کرد که آزادی در مسائل جنسی سبب شعله‌ور شدن شهوت به صورت حرص و آز می‌گردد، از نوع حرص و آزهایی که در صاحبان حرم سراهای رومی و ایرانی و عرب سراغ داریم. ولی ممنوعیت و حریم، نیروی عشق و تغزل و تخیل را به صورت یک احساس عالی و رقیق و لطیف و انسانی تحریک می‌کند و رشد می‌دهد و تنها در این هنگام است که مبدأ و منشأ خلق هنرها و ابداع‌ها و فلسفه‌ها می‌گردد.

میان آنچه عشق نامیده می‌شود و به قول ابن سینا «عشق عفیف»، و آنچه به صورت هوس و حرص و آزو و حس تملک در می‌آید - با اینکه هر دو روحی و پایان ناپذیر است - تفاوت بسیار است. عشق، عمیق و متمنکر کننده نیروها و یگانه پرست است و اما هوس، سطحی و پخش کننده نیرو و متمایل به تنوع و هرزه صفت است.

حاجت‌های طبیعی بر دو قسم است: یک نوع حاجت‌های محدود و سطحی است، مثل خوردن، خوابیدن. در این نوع از حاجت‌ها همین‌که ظرفیت غریزه اشباع و حاجت جسمانی مرتفع گردد، رغبت انسان هم از بین می‌رود و حتی ممکن است به تنفر و انزعجار مبدل گردد. ولی یک نوع دیگر از نیازهای طبیعی، عمیق و دریا صفت و هیجان‌پذیر است مانند پول‌پرستی و جاهطلبی. غریزه جنسی دارای دو جنبه است. از نظر حرارت جسمی از نوع اول است ولی از نظر تمایل روحی دو جنس به یکدیگر چنین نیست. برای روشن شدن، مقایسه‌ای به عمل می‌آوریم: هر جامعه‌ای از لحاظ خوراک یک مقدار معین تقاضا دارد. یعنی اگر کشوری مثلاً بیست میلیون جمعیت داشته باشد مصرف خوراکی آنها معین است که کمتر از آن نباید باشد و زیادتر هم اگر باشد نمی‌تواند مصرف کنند، فرضًا اگر گندم زیاد داشته باشند به دریا می‌رینند. درباره این جامعه اگر پرسیم مصرف خوراک آن در سال چقدر است؟ جواب، مقدار مشخصی خواهد بود. ولی اگر درباره یک جامعه پرسیم که از نظر علاقه افراد به پول چقدر احتیاج به ثروت هست؟ یعنی چقدر پول لازم دارد تا حس پول‌پرستی همه افراد آن را اشباع کند به طوری که اگر باز هم بخواهیم به آنها پول

بدهیم بگویند دیگر سیر شده‌ایم، میل نداریم و نمی‌توانیم بگیریم؟
جواب اینست که این خواست حدی نخواهد داشت.

غزیزه جنسی دو جنبه دارد: جنبه جسمانی و جنبه روحی. از جنبه جسمی محدود است. از این نظر یک زن یا دوزن برای اشباع مرد کافی است، ولی از نظر تنوع طلبی و عطش روحی ای که در این ناحیه ممکن است به وجود آید شکل دیگری دارد.

قبل‌اشاره کردیم که حالت روحی مربوط به این موضوع دو نوع است: یکی آن است که به اصطلاح «عشق» نامیده می‌شود، و همان چیزی است که در میان فلاسفه و مخصوصاً فلاسفه الهی مطرح است که آیا ریشه و هدف عشق واقعی، جسمی و جنسی است و یا ریشه و هدف دیگری دارد که صدرصد روحی است و یا شق سومی در کار است و آن اینکه از لحاظ ریشه، جنسی است ولی بعد حالت معنوی پیدا می‌کند و متوجه هدف‌های غیرجنسی می‌گردد؟ به طور کلی در طبیعت انسانی از نظر خواسته‌های روحی، محدودیت در کار نیست. انسان روح‌آفرینی در مسیر مادیات قرار گرفت به هیچ حدی متوقف نمی‌شود، رسیدن به هر مرحله‌ای میل و طلب مرحله دیگر را در او به وجود می‌آورد. اشتباه کرده‌اند کسانی که طغیان نفس اماره و احساسات شهوانی را تنها معلول محرومیت‌ها و عقده‌های ناشی از محرومیت‌ها دانسته‌اند. همانطور که محرومیت‌ها سبب طغیان و شعله‌ور شدن شهوات می‌گردد، پیروی و اطاعت و تسليم مطلق نیز سبب طغیان و شعله‌ور شدن آتش شهوات می‌گردد. امثال «فروید» آن طرف سکه را خوانده‌اند و از این طرف سکه غافل مانده‌اند.

ناصحان و عارفان ما کاملاً بدین نکته پی برده بودند. در ادبیات فارسی و عربی زیاد بدین نکته اشاره شده است.

سعدی می گوید:

فرشته خوی شود آدمی زکم خوردن و گر خورد چوبهایم بیفتداو چو جماد
مراد هرکه برآری مطیع امر تو گشت خلاف نفس که فرمان دهد
چو یافت مراد بوصیری مصری در قصیده معروف «برده» که از شاهکارهای
ادبیات اسلامی است و در مدح رسول اکرم ﷺ است و ضمناً پند و اندرزهای
هم دارد می گوید:

النفس كالطفل ان تهمله شب على حب الرضاع و ان تفطم ينفهم
يعنى نفس همچون طفل است که به پستان علاقه مند است. اگر او را
به حال خود بگذاري با همين ميل باقى مى ماند و روز به روز ريشه دارتر مى شود
و اگر او را از شير بگيري به ترك پستان خود مى گيرد. ديگري مى گويد:
النفس راغبة اذا رغبتها و اذا ترد الى قليل تقنع
يعنى هرچه موجبات رغبت نفس را فراهم کني بر رغبت مى افزاید
ولی اگر او را به کم عادت دهی قناعت پیشه مى کند.

اشتباه «فروید» و امثال او در اینست که پنداشته اند تنها راه آرام کردن
غراائز، ارضاء و اشباع بی حد و حصر آنها است. اینها فقط متوجه محدودیت ها
و ممنوعیت ها و عواقب سوء آنها شده اند و مدعی هستند که قید و ممنوعیت،
غريزه راعاصی و منحرف و سرکش و نآرام می سازد. طرح شان اينست که برای
ايجاد آرامش اين غريزه، باید به آن آزادی مطلق داد آن هم بدین معنی که به زن
اجازه هر جلوه گری و به مرد اجازه هر تماسی داده شود.

این‌ها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند توجه نکرده‌اند که همانطور که محدودیت و منوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات درآوردن آن را دیوانه می‌سازد، و چون این امکان وجود ندارد که هر خواسته‌ای برای هر فردی برآورده شود، بلکه امکان ندارد همه خواسته‌های بی‌پایان یک فرد برآورده شود غریزه بدتر سرکوب می‌شود و عقده روحی به وجود می‌آید.

به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی ارضاء غریزه در حد حاجت طبیعی، و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن.

انسان از لحاظ حواج طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گاز‌های داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می‌آورد. در این صورت باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد ولی این آتش را هرگز باز طعمه زیاد نمی‌توان سیر کرد.

اینکه اجتماع به وسائل مختلف سمعی و بصری و لمسی موجبات هیجان غریزه را فراهم کند و آنگاه بخواهد با ارضاء، غریزه دیوانه شده را آرام کند میسر نخواهد شد. هرگز بدین وسیله نمی‌توان آرامش و رضایت ایجاد کرد، بلکه بر اضطراب و تلاطم و نارضائی غریزه با هزاران عوارض روانی و جنایات ناشی از آن، افزوده می‌شود.

تحریک و تهییج بی‌حساب غریزه جنسی عوارض وخیم دیگری نظیر بلوغ‌های زودرس و پیری و فرسودگی نیز دارد.

اما این که می‌گویند: «الانسان حریص علی ما منع منه» مطلب صحیحی است. ولی نیازمند به توضیح است. انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود، به اصطلاح تمنای چیزی را در وجود شخصی بیدار کنند و آنگاه او را ممنوع سازند. اما اگر امری اصلاً عرضه نشود یا کمتر عرضه شود، حرص و ولع هم نسبت بدان کمتر خواهد بود.

«فروید» که طرفدار سرسخت آزادی غریزه جنسی بود، خود متوجه شد که خطارفته است. لذا پیشنهاد کرد که باید آن را از راه خاص خودش به مسیر دیگری منحرف کرد و به مسائل علمی و هنری نظری نقاشی و غیره منعطف ساخت و به اصطلاح طرفدار تصحیح شد. زیرا تجربه و آمار نشان داده بود که با برداشتن قیود اجتماعی، بیماری‌ها و عوارض روانی ناشی از غریزه جنسی بیشتر شده است. من نمی‌دانم آقای «فروید» که طرفدار تصحیح است از چه راه آن را پیشنهاد می‌کند. آیا جز از طریق محدود کردن است؟ در گذشته افراد بی‌خبر، به دانشجویان بیخبرتر از خود می‌گفتند انحراف جنسی، یعنی هم جنس بازی، فقط در میان شرقی‌هارائج است و علت‌ش هم دسترسی نداشتن به زن براثر قیود زیاد و حجاب است. اما طولی نکشید که معلوم شد رواج این عمل زشت در میان اروپائی‌ها صد درجه بیشتر از شرقی‌ها است.

ما انکار نمی‌کنیم که دسترسی نداشتن به زن موجب انحراف می‌شود و باید شرایط ازدواج قانونی را سهیل کرد، ولی بدون شک آن مقدار که تبرج و خودنمایی زن در اجتماع و معاشرت‌های آزاد سبب انحراف جنسی می‌شود به مراتب بیشتر از آن است که محرومیت و دست نارسی سبب می‌گردد.

اگر در مشرق زمین محرومیت‌ها باعث انحراف جنسی و همجنس‌بازی شده است، در اروپا شهوتانی‌های زیاد باعث این انحراف گشته است، تا آنجا که در بعضی کشورها همانطور که در روزنامه‌های خبری خواندیم رسمی و قانونی شد، و گفته شد چون ملت انگلستان عملاً این کار را پذیرفته است قوه مقننه باید از ملت پیروی کند. یعنی نوعی رفراندوم قهری صورت گرفته است.

بالاتر اینکه در مجله‌ای خواندم در بعضی کشورهای اروپائی پسرها رسماً با یکدیگر ازدواج می‌کنند.

در شرق هم، محرومین آن قدر سبب رواج انحراف جنسی نبودند که صاحبان حرم‌سراها بودند، و به اصطلاح اعراب، این انحراف از «بلاط» ملوک و سلاطین آغاز شده است.

به بیان دیگر با تکیه بر روانشناسی جنسی می‌توان این پرسش را مورد کاوش علمی قرار داد که در ذیل به اجمال اشاره می‌شود.

در مباحث جنسی یک پدیده‌ای تعریف می‌شود به نام «آستانه رضایت‌مندی جنسی» که بسیاری از روان‌شناسان بدان التفات و توجه ویژه‌ای داشته و ریشه بسیاری از اختلافات خانوادگی را در آن جستجو می‌کنند. در دین مبین اسلام هم بدین امر توجه زیادی شده و از حقوق متقابل بین زن و مرد همین امر محسوب شده و از وظایف هر یک از طرفین بر شمرده شده است.

بالا بردن «آستانه رضایت‌مندی» خود به عنوان یک فاجعه به شمار می‌آید که دامن فرد، خانواده و اجتماع را یک جا آلوده می‌سازد.

بهترین و کاراترین مکانیزمی که می‌توان برای کنترل این آستانه برشمرد پوشش زن و کشش جانبی حاصل از پوشش است. شاید بتوان ادعای کرد یکی از مواردی که اسلام عمد به حریص کردن داشته و با توجه به «الإنسانُ حرِيصٌ إلَى ما منع» از دیدن بدن زن منع کرده همین مورد است تا این سطح رضایتمندی را در حد نرمال نگه دارد.

توضیح مطلب این که: در «رضایتمندی جنسی مردان» دو مرحله کلی می‌توان در نظر گرفت:

۱ - تحریک جنسی و لذت بصری که با دیدن اندام و بدن زن حاصل می‌شود. (توجه به این نکته لازم است که از نظر فیزیولوژیکی و آزمایشگاهی بیشترین تحریک پذیری در مردان از راه دیدن و قوه باصره است ولی در زنان این تحریک پذیری بیشتر از راه تماس و حس لامسه و همچنین شناوایی حاصل می‌شود).

۲ - ارضاه جنسی که با وصول و آمیزش حاصل می‌شود.

ما با عریانگری و نمایان ساختن بدن زن بر مرد و عادی کردن این مسئله در حقیقت مرحله اول از «رضایتمندی» را از مرد گرفته‌ایم و «آستانه رضایتمندی» او را بالاتر برده‌ایم. در این هنگام مرد برای رسیدن به آن «آستانه» دست به دامن آمیزش‌های خشن و در مراحل بعدی با پناه بردن به دیدن تصاویر و فیلم‌های مستهجن سعی در کسب «رضایتمندی جنسی» و ارضاه کامل این غریزه خدادادی بر می‌آید. در این هنگام ما مشاهده می‌کنیم باز «سطح رضایتمندی» بالاتر و بالاتر می‌رود. این‌ها همه باعث تزلزل در

ارکان خانواده و از بین رفتن محبت و علاقه شده و این فاجعه عظیمی است که ذهن تمامی مصلحان اجتماعی و مشاوران امور خانواده را به خود مشغول داشته است.

اما مسئله به همین جا ختم نمی‌شود و مرد برای رسیدن به «مطلوب» از محیط خانواده پا را فراتر نهاده و در تأسف‌انگیزترین مرحله مرد دست به همجنسبازی زده و برای رسیدن به «آرامش جنسی» از زن رویگردان می‌شود و این بزرگترین ضربه روحی- روانی و حتی جسمی- جانی را بر پیکر مقدس زن وارد خواهد کرد و پیرو آن از هم پاشیدگی خانوادگی و لجام‌گسیختگی جامعه از حتمیات خواهد بود که از آن هیچ‌گریزی نخواهد بود.

جلوگیری از همین مرحله است که علومی مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را بوجود آورده و تمامی مکاتب و «ایسم»‌ها به همین خاطر بوجود آمده‌اند.

توجه به این نکته نیز لازم است که اسلام با تشریع پوشش برای زنان و تفاوت قائل شدن بین خلوت و جلوت بنا دارد تا جنس زن در خلوت جذابیت و افسونگری بیشتری برای همسر خود داشته باشد و از این راه به افزایش محبت و گرمی کانون خانواده کمک کند.

این دین مبین اسلام است که اصل عقلائی «پیشگیری مقدم بر درمان است» را سر لوحه بسیاری از اوامر و نواهی خود قرار داده است هر چند نگریستن به این مطالب از منظر تعبد بسیار زیباتر و دل‌انگیزتر خواهد بود چه این‌که حق‌بندگی او را نتوان به جا آورد الا به تبعیتی بنده‌وار از فرامین او.

رکود فعالیت‌ها

ایراد دیگری که بر حجاب می‌گیرند اینست که سبب رکود و تعطیل فعالیت‌هائی است که خلقت در استعداد زن قرار داده است.

زن نیز مانند مرد دارای ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار است این استعدادها را خدا به او داده است و بیهوده نیست و باید به شمر برسد. اساساً هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. وقتی در آفرینش به یک موجود استعداد و لیاقت کاری داده شد، این به منزله سند و مدرک است که وی حق دارد استعداد خود را به فعلیت برساند، منع کردن آن ظلم است.

چرا می‌گوئیم همه افراد بشر اعم از زن و مرد حق دارند درس بخوانند و این حق را برای حیوانات قائل نیستیم؟ برای اینکه استعداد درس خواندن در بشر وجود دارد و در حیوانات وجود ندارد. در حیوان استعداد تغذیه و تولید مثل وجود دارد و محروم ساختن او از این کارها برخلاف عدالت است.

باز داشتن زن از کوشش‌هائی که آفرینش به او امکان داده است نه تنها ستم به زن است، خیانت به اجتماع نیز می‌باشد. هر چیزی که سبب شود قوای طبیعی و خدادادی انسان معطل و بی‌اثر بماند به زیان اجتماع است.

عامل انسانی بزرگترین سرمایه اجتماع است. زن نیز انسان است و اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید او بهره‌مند گردد. فوج کردن این عامل و تضییع نیروی نیمی از افراد اجتماع، هم برخلاف حق طبیعی فردی زن است و هم برخلاف حق اجتماع و سبب می‌شود که زن همیشه به صورت سربار و کل بر مرد زندگی کند.

جواب این اشکال آنست که حجاب اسلامی که حدود آن را به زودی بیان خواهیم کرد، موجب هدر رفتن نیروی زن و ضایع ساختن استعدادهای فطری او نیست. ایراد مذکور بر آن شکلی از حجاب که در میان هندی‌ها یا ایرانیان قدیم یا یهودیان متداول بوده است وارد است. ولی حجاب اسلام نمی‌گوید که باید زن را در خانه محبوس کرد و جلوی بروز استعدادهای او را گرفت.

مبنای حجاب در اسلام چنانکه گفتیم اینست که التذاذات جنسی باید به محیط خانوادگی و به همسر مشروع اختصاص یابد و محیط اجتماع، خالص برای کار و فعالیت باشد. به همین جهت به زن اجازه نمی‌دهد که وقتی از خانه پیرون می‌رود موجبات تحریک مردان را فراهم کند و به مرد هم اجازه نمی‌دهد که چشم چرانی کند. چنین حجابی نه تنها نیروی کار زن را فلنج نمی‌کند، موجب تقویت نیروی کار اجتماع نیز می‌باشد.

اگر مرد تمتعات جنسی را منحصر به همسر قانونی خود کند و تصمیم بگیرد همینکه از کنار همسر خود بیرون آمد و پا به درون اجتماع گذاشت، دیگر درباره این مسائل نیندیشد، قطعاً در این صورت بهتر می‌تواند فعال باشد تا اینکه همه فکرش متوجه این زن و آن دختر و این قدر وبالا و این طنزی و آن عشهه‌گری باشد و دائمآً نقشه طرح کند که چگونه با فلان خانم آشنا شود.

آیا اگر زن ساده و سنگین به دنبال کار خود برود برای اجتماع بهتر است یا آنکه برای یک بیرون رفتن چند ساعت پای آئینه و میز توالت وقت خود را تلف کند و زمانی هم که بیرون رفت تمام سعیش این باشد که افکار مردان را

متوجه خود سازد و جوانان را که باید مظہر اراده و فعالیت و تصمیم اجتماع باشند به موجوداتی هوس باز و چشم چران و بی اراده تبدیل کند؟ عجب‌الله! به بهانه اینکه حجاب، نیمی از افراد اجتماع را فلجه کرده است، با بی‌حجابی و بی‌بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلجه کرده‌اند.

حجاب و اصل آزادی

ایراد دیگری که بر حجاب گرفته‌اند ایست که موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشری است می‌گردد و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می‌رود.

می‌گویند احترام به حیثیت و شرف انسانی یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر است. هر انسانی شریف و آزاد است، مرد باشد یا زن، سفید باشد یا سیاه، تابع هر کشور یا مذهبی باشد. مجبور ساختن زن به اینکه حجاب داشته باشد بی‌اعتنائی به حق آزادی او و اهانت به حیثیت انسانی او است و به عبارت دیگر ظلم فاحش است به عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن، و همچین حکم مطابق عقل و شرع به اینکه هیچ کس بدون موجب نباید اسیر و زندانی گردد، و ظلم به هیچ شکل و به هیچ صورت و به هیچ بهانه نباید واقع شود. ایجاب می‌کند که این امر از میان برود.

پاسخ: یک بار دیگر لازم است تذکر دهیم که فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و بین موظف دانستن او به اینکه وقتی می‌خواهد با مرد ییگانه مواجه شود پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود

ندارد. حجاب در اسلام یک وظیفه‌ای است بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مرد باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب شود.

اگر رعایت پاره‌ای مصالح اجتماعی، زن یا مرد را مقید سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را برهم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند چنین مطلبی را «زنданی کردن» یا «بردگی» نمی‌توان نامید و آن را منافی حیثیت انسانی و اصل «آزادی» فرد نمی‌توان دانست.

در کشورهای متmodern جهان در حال حاضر چنین محدودیت‌هایی برای مرد وجود دارد. اگر مردی برخene یا در لباس خواب از خانه خارج شود و یا حتی با پیزامه بیرون آید، پلیس ممانعت کرده به عنوان اینکه این عمل برخلاف حیثیت اجتماع است او را جلب می‌کند. هنگامی که مصالح اخلاقی و اجتماعی، افراد اجتماع را ملزم کند که در معاشرت اسلوب خاصی را رعایت کنند مثلًاً با لباس کامل بیرون بیایند، چنین چیزی نه بردگی نام دارد و نه زندان، و نه ضد آزادی و حیثیت انسانی است و نه ظلم و ضد حکم عقل به شمار می‌رود. بر عکس، پوشیده بودن زن - در همان حدودی که اسلام تعیین کرده است - موجب کرامت و احترام بیشتر او است، زیرا او را از تعرض افراد جلف و فاقد اخلاق مصون می‌دارد.

شرافت زن اقتضاء می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود متین و سنگین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ‌گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملایران مرد را به سوی خود دعوت نکند، زباندار لباس نپوشد، زباندار راه نرود، زباندار و معنی‌دار به سخن خود آهنگ ندهد. چه آنکه گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند.

شما اگر از فقهاء بپرسید آیا صرف بیرون رفتن زن از خانه حرام است؟ جواب می‌دهند: نه. اگر بپرسید آیا خرید کردن زن و لواینکه فروشنده مرد باشد حرام است؟ یعنی نفس عمل بیع و شراء زن اگر طرف مرد باشد حرام است؟ پاسخ می‌دهند: حرام نیست. آیا شرکت کردن زن در مجالس و اجتماعات ممنوع است؟ باز هم جواب منفی است. چنانکه در مساجد و مجالس مذهبی و پای منبرها شرکت می‌کنند و کسی نگفته است که صرف شرکت کردن زن در جاهائی که مرد هم وجود دارد حرام است. آیا تحصیل زن، فن و هنر آموختن زن و تکمیل استعدادهایی که خداوند در وجود او نهاده است حرام است؟ باز جواب منفی است.

فقط دو مسئله وجود دارد، یکی اینکه باید پوشیده باشد و بیرون رفتن به صورت خودنمایی و تحریک‌آمیز نباشد.

و دیگر اینکه مصلحت خانوادگی ایجاد می‌کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی او باشد.

البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد نه بیشتر. گاهی ممکن است رفتن زن به خانه اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد. فرض کنیم زن می خواهد به خانه خواهر خود برود و فی المثل خواهرش فرد مفسد و فتنه‌انگیزی است که زن را علیه مصالح خانوادگی تحریک می‌کند. تجربه هم نشان می‌دهد که این‌گونه قضایا کم نظیر نیست. گاهی هست که رفتن زن حتی به خانه مادرش نیز برخلاف مصلحت خانوادگی است، همین‌که نفس مادر به او برسد تا یکی هفتنه در خانه ناراحتی می‌کند، بهانه می‌گیرد، زندگی را تلخ و غیرقابل تحمل می‌سازد. در چنین مواردی شوهر حق دارد که از این معاشرت‌های زبانبخش -که زیانش نه تنها متوجه مرد است، متوجه خود به زن و فرزندان ایشان نیز می‌باشد - جلوگیری کند. ولی در مسائلی که مربوط به مصالح خانواده نیست دخالت مرد مورد ندارد.

حجاب و عقلانیت

دلیل معقول و منطقی برای حجاب زنان چیست؟

شهید مطهری رهنما می‌فرماید:

«به عقیده ما، ریشه پدید آمدن حریم و حائل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد به استثمار زن یا حسادت مرد، یا عدم امنیت اجتماعی برای زن یا عادت زنانگی نباید جست و لاقل، کمتر در اینجا جست و جو کرد. به طور کلی، بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی زن از قبیل حیا

و عفاف و از آن جمله است: تمایل به ستر و پوشش خود از مرد. در اینجا، نظریاتی ابراز شده است با دقیق‌ترین آن‌ها این است که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار بردé است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از نظر جسمی، نمی‌تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند، از عهده زور بازوی مرد برنمی‌آید و از طرف دیگر، نقطه ضف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظہر عشق و طلب و زن را مظہر معشوّقیّت و مطلوبیّت قرار داده است... وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف خود دانست، همان‌طور که متولّ به زیور و خودآرایی و تعجّل شد که از آن راه قلب مرد را تصاحب کند، توسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز جست و دانست که نباید خود را رایگان در اختیار گذارد، بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند.^(۱)

۱. مطہری، مرتضی، ص ۷۰۶۹.

۵- آیا حجاب اختصاصی به دین اسلام دارد یا در ملل و اقوام گذشته هم وجود داشته است؟

قرآن در سوره اعراف، آیه ۲۰ راجع به آدم و حوا می فرماید:

«وقتی شیطان آن دو را فریفت و آن دو از درخت ممنوعه خوردن و عورت‌های آن‌ها آشکار شد، آن‌ها با برگ‌های درختان عورت‌های خود را پوشانیدند. پس مسئله پوشش از اول آفرینش مطرح بوده؛ زیرا کتبیه‌ها، سکه‌ها، تندیس‌ها، نقاشی‌ها، فرش‌ها، ظروف نقره‌ای و نقش‌های برجسته تاریخی حاکی از آن هستند که انسان‌ها از روزی که پا براین کره خاکی نهاده‌اند، پوشش را مراعات می‌کرده‌اند. از کتاب مقدس برمی‌آید که در عهد حضرت سلیمان علیه السلام زنان علاوه بر پوشش بدن، روپند بر صورت می‌انداختند». ^(۱)

و باز از قرآن استفاده می‌شود که در عهد حضرت سلیمان علیه السلام حتی ملکه سبا، که خورشید پرست بود، پوشش کامل داشت؛ زیرا از آیات مربوط به داستان ملکه سبا چنین به دست می‌آید که وقتی او وارد قصر حضرت سلیمان علیه السلام شد و خواست به نزدیک تخت او برود، چون حضرت سلیمان علیه السلام دستور داده بود کاخ را از سنگی آبگینه فرش نمایند، بلقیس دامنش را بالا کشید تا هنگام رد شدن خیس نشود.

۱ . کتاب مقدس «عهد عتیق و عهد جدید» و ترجمه فاضل خان همدانی، ولیام گلن و هنری، کتاب سرود سلیمان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، فصل پنجم، سفر نشید الاناشید، ب، ۵، ص ۱۰۰۳، آیه ۸.

در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز حجاب رایج بود؛ نامزد اسحاق وقتی او را دید، بر قع بر صورت انداخت.^(۱)

زنان ایرانی در دوره‌های گوناگون، از مادها، هخامنشیان، اشکانیان و سامانیان دارای پوشش بودند. طبق قراین و شواهد موجود در ایران باستان و در میان یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده، به مراتب سخت‌تر بوده است.

«ویل دورانت» درباره قوم یهود می‌نویسد:

«اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت؛ چنان که مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا میان مردم می‌رفت و با هرسنخی از مردم در دل می‌کرد یا صدایش آن قدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌نمود همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد».^(۲)

در زمان زرتشت، زنان منزلتی عالی داشتند و با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم و جامعه رفت و آمد می‌کردند. اما پس از داریوش، مقام زن، بخصوص در طبقه ثروتمند، تنزل پیدا کرد. زنان فقیر، چون برای کار کردن ناچار

۱. همان، سفر تکوین، باب ۲۴، آیه ۶۶.

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم ظاهري، کتاب چهارم، «عصر ایما»، بخش سوم، «عصر عظمت».

از آمدوشد در میان مردم بودند، آزادی خود را حفظ کردند، ولی در مورد زنان دیگر، گوشنهشینی زمان حیض، که برایشان واجب بود، به تدریج امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی آن‌ها را فراگرفت. زنان طبقه بالای اجتماع جرئت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوشدار، از خانه بیرون بیایند و حق نداشتند حتی پدران و برادران خود را بینند؛ زیرا پدران و برادران نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می‌شدند. به همین دلیل، در نقش‌هایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت و شمایل زنی دیده نمی‌شود.

نتیجه

برنامه راهبردی مرکز رسیدگی به امور مساجد در موضوع حجاب و عفاف حجاب از ضروریات دین اسلام و مهم‌ترین پارادایم تمدن ایرانی - شیعی می‌باشد که شاخصه‌های تمدنی ایران را غنا می‌بخشد. و هماره فخر فرهنگی ایران به حساب آمده است. حجاب نه تنها مورد تأکید ضروری دین اسلام و قرآن بوده است بلکه در تمدن پیش از اسلام (باستان) نیز ایرانیان به پوشش و حیا شهرت داشته‌اند و یکی از نمادهای تمدن باستانی پوشیدگی بوده است. امروزه فرایند پیچیده ارتباطی، گسترش و التقااط فرهنگ‌ها، و خصوصاً طراحی دشمنان انقلاب اسلامی در حوزه فرهنگی و تهدیدات نرم یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها و حصارهای عقیدتی و هنجاری این مرز و بوم یعنی حجاب را نشانه رفتہ است و سعی دارد با تزریق تساهل، سستی و بی‌بندویاری در پیکره جامعه به اهداف خود نائل آید.

البته لازم است اشاره شود که دشمنان در سه سطح و لایه برای رسیدن به هدف خود در حوزه پوشش و رفتار اجتماعی (بی‌حجابی) برنامه‌ریزی کرده‌اند.

۱- لایه زیرین / درونی یا رویکرد معرفتی: در این لایه که عمیق‌ترین لایه تهاجم فرهنگی یا تهدید نرم است، دشمن سعی دارد تا در سه فاز بتواند ذهنیت و نگرش انسان مسلمان خصوصاً زنان را تغییر دهد.

فاز اول: تشکیک در مبانی معرفتی نسبت به مقوله پوشش و ضرورت آن و فربه کردن حقوق به جای تکالیف.

فاز دوم: ارائه آلترناتیو و جایگزین با استفاده از ابزارهای هنری و رسانه‌ای و تبلیغی مدرن با شیوه «بمباران - تکرار»، مدگرایی معرفتی به عنوان پدیده رایج اجتماعی و الگوسازی به شیوه غربی مثلاً: فمینیسم جایگزین انسان‌شناسی اسلامی - و چهره‌های علمی و جنبش‌ساز غربی بجای الگوی زن مسلمان.

فاز سوم: جابجایی و تغییر نگرش بصورت تدریجی که هدف نهایی نیز تغییر در ناخودآگاه و پس زمینه‌های ذهنی زن ایرانی راجع به مقولات و ضروریات دینی همچون حجاب و عفاف است.

جامعه هدف در این لایه: زنان تحصیلکرده و دانشگاهی هستند که بیشتر در طبقه متوسط اجتماعی جای دارند. و این طبقه حتی نیروهای روشنفکر مذهبی را نیز در بر می‌گیرد.

۲- لایه میانی / رویکرد احساسی - عاطفی معطوف به پیکره اجتماعی:

در این لایه نیز با فازبندی سه سطحی در صدد ارتقاء مفاهیم و مبانی خود به جامعه پیرو هستند.

فاز اول: تشکیک در نگرش با استفاده از نیروهای تربیت شده وطنی (زنان طبقه متوسط لایه اول) و فربه کردن زیبایی و جذابیت ظاهری به جای حجاب، عفت و... .

فاز دوم: استفاده از رسانه‌های مدرن و پر مخاطب برای تغییر ذائقه فرهنگی زن ایرانی و ارائه مدل‌های مدنظر و نهایتاً مدل‌سازی اجتماعی به شیوه غربی.

فاز سوم: ظهور طبقه اجتماعی جدید در میان زنانی که نسبت به مقولاتی چون حجاب، پوشش و... دچار تغییر نگرش در پس زمینه ذهنی شده و قائل به اصاله الاباحه (تصویر عملياتی نه علمی) هستند. که البته این تغییر نگرش منجر به تغییر رفتار می‌شود.

جامعه هدف: توده زنان و دختران جوان که در نهایت مقولاتی چون حجاب و عفت را نه تنها قابل توجه و دغدغه نمی‌دانند بلکه لوکس بودن، زیبایی و مصرف‌گرایی ظاهری را اولویت می‌بخشند.

۳- لایه روئین / سطح بیرونی و عمومی تر جامعه: که موفقیت

برنامه‌های لایه اول و دوم توسط دشمن منجر به حوزه‌ای از رفتار، پوشش، نرم و حتی نگرش در حوزه جامعه می‌شود بصورت ظاهرآ دفعی مواجهه با دگردیسی اجتماعی می‌شویم حال آنکه لایه‌های اول و دوم بصورت پنهانی تر

و زیرین در جامعه القاء می‌شدند اما لایه بیرونی می‌تواند منجر به جنبشی ناآگاهانه در میان توده‌کور در حوزه رفتار اجتماعی خاص (بد حجابی/بی‌حجابی) شود.

لازم به ذکر است این پدیده اجتماعی (بی‌حجابی) صرفاً محصول تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دشمنان انقلاب نیست.

بلکه علاوه بر بازویی عملیاتی و دلالهای وطنی غرب زده (پارهای از جریانات و شخصیت‌های فمینیستی)، نهادهای فرهنگی داخلی هم به علت بی‌برنامگی، فقدان نظام تصمیم‌ساز و نهایتاً تصمیم‌گیری موازی کاری، فقدان مدیریت تخصصی و دلایل فراوان دیگر در بستر سازی این فرایند مؤثر می‌باشند و بعضًا جزء عوامل تسریع بخش هستند.

برای درمان این پدیده اجتماعی که بعضًا اراده سیاسی گروه‌های معاند، معارض و خودسر در آن کاملاً مشارکت و مداخله دارد. امور مساجد بارصد دقیق و آسیب‌شناسی موضوع اقداماتی را در دستور کار قرار داده است که در ذیل اشاره می‌شود:

ایجاد حساسیت اجتماعی در میان نیروهای مذهبی خصوصاً ائمه جماعات به منظور ایجاد انگیزش و تحرک لازم برای مقابله با بدحجابی.
مقدمه اول: لازم به ذکر است آنچه مدنظر است بصورت فاز بندی شده و تکاملی ارائه می‌گردد.

مقدمه دوم: ائمه جماعات به عنوان گروه‌های بالا دست اجتماعی در حوزه فرهنگ و نیروهای جریان‌ساز در حوزه فرهنگ و دین مورد توجه هستند.

مقدمه سوم: ائمه جماعات بعنوان کانونی ترین نهاد تبلیغ که بصورت شبکه‌ای، جریان مرکزی - محله‌ای را هدایت می‌کنند از فرصت بیشتری برای درونی‌سازی و انتقال مفاهیم دینی برخوردارند.

ابتدا لازم است مبانی و مقدمات لازم جهت تجهیز ائمه‌ی محترم جماعات به مسائل این چنینی فراهم آید که نکات زیر قابل توجه است:

۱- تهیه پکیج‌های آموزشی و کاربردی برای ائمه جماعات:

الف) تهیه ویژه‌نامه‌ای در خصوص حجاب با محورهای شخصی چون: حجاب، مفهوم‌شناسی و حجاب در آیات و روایات و سیره (توسط دفتر قم یا معاونت زنان).

ب) ارائه الگوهای رفتاری زن مسلمان با تأکید بر شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام.

ج) پاسخ به دشواری‌ها و شباهات درباره حجاب.

د) توجیه ائمه جماعات در خصوص اقتضایات زمان جدید و پوشش.

هـ توجیه ائمه جماعات در خصوص روانشناسی جنسی و پوشش و... .

۲- برگزاری همایش‌های تخصصی در این خصوص و استفاده از محضر اساتید برجسته علوم دینی و علوم اجتماعی و زنان در این زمینه.

۳- برگزاری دوره‌های توجیهی.

۴- ارائه و معرفی کتب و مقالات در خصوص حجاب به ائمه محترم جماعات.

این برنامه‌ها توسط ستاد (مرکز رسیدگی به امور مساجد) اجراء می‌شود.
ائمه جماعات با چهار رویکرد، قابلیت اثربخشی بر جامعه درخصوص پدیده اجتماعی چون حجاب و عفت را دارند.

رویکرد اول: ائمه جماعات به مثابه مفسر دینی: در این رویکرد امام جماعت در واقع به واسطه دانش خود دارای قدرت تفسیر و اجتهداد در متون دینی و آموزه‌های اسلامی می‌باشد. لذا می‌تواند به تفسیر و تبیین دینی این مفاهیم بپردازد.

۱- تبیین مفهوم حجاب و عفاف برای جامعه با استفاده از زبان تبلیغی عامه فهم.

۲- تبیین مرزهای حجاب و رابطه آن با عفاف.

۳- استفاده از آیات و روایات و سیره دینی به منظور مستدل‌سازی مفهوم حجاب و اقناع پرسشگران.

۴- استفاده از منابع معتبر درخصوص حجاب / تبیین و پیاده‌سازی کتاب مسائله حجاب شهید مطهری.

۵- برگزاری مسابقات ترویجی - فرهنگی درخصوص عفاف.

۶- الگوسازی دینی / مثلاً ارائه الگوی برتر همچون حضرت فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام و مصدق‌سازی اجتماعی.

رویکرد دوم: امام جماعت به مثابه شهروند جامعه دینی:

۱- رفتار شخصی امام جماعت والگوسازی اجتماعی رفتار فعال و اکتیو به عنوان شهروند فعال جامعه: ظهور و بروز این امر باعث غلبه جریان فرهنگی انقلاب در حوزه سطحی و نمادین جامعه می‌شود.

۲- رفتار خانواده امام جماعت به عنوان خانواده موفق.

۳- حضور اجتماعی امام جماعت به منظور تأثیرگذاری در فضای ارتباطی چهره به چهره.^۵

۴- معروف‌سازی پدیده حجاب / بدین معنا که امروزه در شهرهای

بزرگ و مکان‌های تجمع زنان در جامعه به علت شیوع پدیده مدگرایی، حجاب خصوصاً چادر به عنوان حجاب برتر با فشار اجتماعی منفی روپرور است و خیلی‌ها به علت درونی شدن این آموزه یا فقدان اعتماد به نفس، پس از مدتی مقاومت، برای هماهنگ شدن با جو جامعه دست از حجاب بر می‌دارند حال آنکه این جریان اجتماعی باید بر عکس شود و امام جماعت می‌تواند تأثیر بسزایی در ارزشگذاری بر روی پدیده‌های معروف و تقویت اعتماد به نفس داشته باشد.

رویکرد سوم: ائمه جماعت به مثابه‌گروههای مرجع اجتماعی: در این رویکرد امام جماعت همچون دیگر گروههای بالاتر اجتماعی و فرهنگی به عنوان گروههای مرجع محسوب می‌شوند.

۱- پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شباهات عفاف و حجاب با استفاده از مکانیزم‌های روانشناسی تبلیغ به منظور اثرگذاری بهتر و اقناع پرسشگر.

۲- اقناع‌سازی و توجیه مخاطبین با توجه به حوزه فرهنگ شهری و توجه به عنصر زمان و مکان.

۳- تبارشناصی و رفتارشناصی خانواده ایرانی: امام جماعت باید بتواند الگوی مثبتی از خانواده ایرانی و عناصر مثبت همچون احساسات، محبت و عاطفه قوی، ایثار، گذشت و سلسله مراتب درون خانوادگی مبنی بر احترام را نشان دهد و در پی تقویت و درونی‌سازی آن برای مخاطبان باشد.

۴- برای عناصر و مقومات خانواده ایرانی: عناصر و شاخصه‌های کیفی خانواده ایرانی همچون حجب و حیا و شرم و باز تولید این مفاهیم در خانواده شهری و نیز بررسی ساخت خانواده ایرانی همچون نقش پدر در مدیریت کلان، نقش مادر در مدیریت خانه و نقش فرزندان در عاطفه بخشی می‌تواند منجر به نوعی از نظام تربیتی شود که سلامت روانی نتیجه آن می‌باشد.

رویکرد چهارم: امام جماعت به مثابه مبلغ:

۱ - استفاده از شبکه مساجد و تبلیغ فرایندی پدیده حجاب بصورت ایجابی به منظور تأثیرگذاری مثبت (بخشنامه از طرف مرکز برای ابلاغ به کلیه مساجد).

۲ - استفاده از رسانه منبر به منظور تهییح احساسات، تأثیرگذاری روایات تاریخی، مدل‌سازی و الگوسازی دینی برای زن معاصر و طرح مباحث اعتقادی.

۳ - استفاده از شیوه‌ها و تکنیک‌های جدید تبلیغی درخصوص پدیده حجاب.

الف) مسابقه روزنامه دیواری با موضوع عفاف و حجاب.

ب) راهاندازی سایت توسط امام جماعت و پاسخ به شباهات و تحرک جدی فرهنگی در فضای مجازی و سایبری.

ج) مسابقه وبلاگ‌نویسی حجاب و استفاده از مشوق‌های مادی و معنوی.

د) داستان کوتاه و شیوه‌های هنری دیگر برای فرهنگ‌سازی عفاف.

كتاب نامه

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - نهج البلاغه.
- ۳ - حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ترجمه فارسی از ابویکر عتیق نیشاپوری، تهران، سروش.
- ۴ - حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، قم، آل البيت ع، ۱۴۱۴ ق.
- ۵ - حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
- ۶ - خسرو باقری، نکاهی دوباره به تربیت اسلامی، بحث ویژگی های عمومی انسان.
- ۷ - دهقان، حمید، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی.
- ۸ - رسائل، الشهید ثانی.
- ۹ - ری شهری، محمد، میزان الحکمة.
- ۱۰ - زرکشی، محمد، البرهان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- ۱۱ - زیبایی نژاد، حمید رضا، نظام اسلامی و مسئله پوشش زنان.
- ۱۲ - سجستانی، سلیمان، سنن أبي داود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۳ - سیوطی، جلال الدین، الدر المنشور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۴ - سیوطی، عبدالرحمن، الاتقان، [بی جا، بی تا].
- ۱۵ - شیخ طوسي، الاحتجاج.
- ۱۶ - صبورا ردوباری، احمد، آین بهزیستی اسلام، تهران، دفترنشر فرهنگ اسلامی، ج ۳ : ۱۳۶۶ ،
- ج سوم.
- ۱۷ - طباطبائی، محمدحسین، المیزان، قم، جامعه مدرسین، [بی تا].

- ۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان، بيروت، موسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۹- طبری، محمد، جامع البيان فی تاویل القرآن، بيروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۰- طرسی، محمد، الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۱- کاشانی، فیض، الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۲- کاشانی، فیض، الوافی، اصفهان، مکتبه امیرالمؤمنین علیہ السلام، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۳- کلینی، محمد، کافی، چاپ سوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
- ۲۴- الكوفی، احمد، فتوح البلدان، بيروت، دارالندوه الجدیده، [بی تا].
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].
- ۲۶- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدراء، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۷- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، انقلاب یا بعثت جدید.
- ۲۸- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و...، چاپ سوم: تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۲۹- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم ظاهری، انتشارات فرانکلین و اقبال.

مقالات

- ۱- تاریخچه حجاب و عفاف در ادیان و اقوام گذشته، خدیجه محمدیان.
- ۲- ر.ک: مهریزی، حجاب؛ سیدعلی سادات فخر «حجاب ارزش یا روش»، کتاب نقد، ش ۱۷ (فمینیزم).
- ۳- ناهید طبیی، «حجاب و عفاف، مروری دوباره» مجله‌ی پیام زن، ش ۹۵ و ۹۶.

لغت نامه‌ها

- ۱- ابن منظور، لسان العرب.
- ۲- ابوالقاسم راغب اصفهانی، مفردات راغب، راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، قم، ذوى القربی، ۱۴۱۶ ق.
- ۳- احمد فیومی، مصباح المنیر.
- ۴- دکتر عمید، فرهنگ لغت عمید.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ج دوم، ۱۳۷۷، ج نهم و دهم.
- ۶- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، طراوت، ج دوم، ۱۳۶۲.